

بنام آنکه جان مرا فکرت آموخت

مجموعه مقالات

**اولین همایش**  
**اخلاق و فناوری اطلاعات**

۳ مرداد ماه ۱۳۸۴

برگزارکننده

مرکز تحقیقات مخابرات ایران

مسئولیت صحت و سقم مطالب مندرج در هر مقاله به عهده نویسنده آن می‌باشد.

مجموعه مقالات اولین همایش اخلاق و فناوری اطلاعات

برگزارکننده: مرکز تحقیقات مخابرات ایران

تیراژ: ۳۰۰ جلد

چاپ: مرداد ماه ۱۳۸۳

گردآوری و تنظیم: جمال خانی جزنی، شهیندخت شهنازی، کامبیز بدیع

چاپ و صحافی: پلات سامه

## پیشگفتار

فرهنگ و فناوری اطلاعات به عنوان دو سیستم باز، دارای اجزایی هستند که آن اجزا نیز با یکدیگر رابطه سیستماتیک دارند و تغییر و دگرگونی در اجزای هر یک از آنها به گونه‌ای است که ساختار داخلی دیگری را به آرایش جدیدی می‌کشاند. در نتیجه اخلاق نیز به عنوان جزئی از فرهنگ تحت تأثیر متقابل با فناوری اطلاعات قرار می‌گیرد.

می‌دانیم که فناوری بالذات، غیرصواب و منفی نیست، بلکه اگر انسان به مانند یکی از منابع تأمین فناوری تحت سیطره پنهان آن قرار گیرد و سرنوشت و تقدیر خود را در اختیار پیشرفت فناوری قرار دهد، بسیار خطرناک و نتیجه‌ای فاجعه‌آمیز در انتظار بشر خواهد بود؛ ولی اگر خود با کمک نیروی منجی مانند خدا و اخلاق، فناوری را تعدیل کند و جهت بخشد و در اختیار خویش قرار دهد. بسیار مثبت و کارآمد خواهد بود.

نیل پستمن (N. Postman) استاد دانشگاه نیویورک، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل ارتباط جمعی از زمره کارشناسانی است که خطر کاربرد فناوری بدون اخلاق را طی آثار، مقالات و رسالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود گوشزد کرده است. اخطار دانشمندان به انسان معاصر برای بازیافت اخلاق، فرهنگ و وجدان نیز شاید موید نفوذ و اعلام حکومت صنعت فرامدرن و موجودیت یک شبه دیکتاتور به نام کامپیوتر است که معنای اخلاق، عاطفه، آرامش و سلامت روح را در خطر جدی انداخته است.

هم‌اکنون دنیای سرمایه‌داری و استعمار نو به دنبال ایجاد منشوری براساس اصول اخلاقی خود و دستگاه فکری و نظام مادی بوده تا بتواند وفاقی بر اجرای اصول تعریف شده ایجاد نماید تا از این رهگذر، خود را نیز از دام باز و آزاد فناوری اطلاعات برهاند و با مدیریتی که بر دانش و اطلاعات موجود می‌نماید در راستای وحدت جهانی و یکپارچه شدن جهان به پیش رود و به آرزوی مدیریت بر دهکده جهانی نایل آید. رابطه میان فناوری اطلاعات و اخلاق، رابطه متقابل بوده و در این خصوص دو دیدگاه عمده وجود دارد. دیدگاه اول متعلق به کسانی است که برای حفظ موقعیت و مرتبت انسانی، فناوری را از مسند فرو نشانده‌اند و بر آن به دیده ابزار و امکاناتی در دست انسان می‌نگرند که این امکانات گاه همراه با نیت خیر و بشردوستانه و خداپسندانه استفاده می‌شود و در نتیجه آثار مثبت به همراه دارد و گاه با نیت پلید و خصمانه و خودخواهانه به کار می‌رود که تیغی است در دست زنگی‌مست. روشن است که این تیغ چه آثار و عوارضی به همراه دارد. بنابراین فناوری اطلاعات از موقعیتی همدوش و هم‌عرض اخلاق برخوردار نیست تا بتواند در آن تأثیر قابل توجهی بگذارد. این دیدگاه را دیدگاه ابزارنگری می‌نامیم.

در طرف مقابل دیدگاهی وجود دارد که براساس آن رابطه انسان و مقوله‌های انسانی با فناوری بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان در قالب‌های محدود ابزارنگاری قرار داد. فناوری اطلاعات یک مستخدم گوش به فرمان نیست که بدون اذن مولا حتی جرعه‌ای آب سر نکشد. فناوری اطلاعات بی‌طرف هم نیست. فناوری اطلاعات پدیده‌ای است مستقل که از قوانین مخصوص به خود پیروی می‌کند. جهان امروز نیز برگرفته و تابع اغراض پنهان فناوری اطلاعات است.

اگر چه فناوری اطلاعات در کانون بشری میهمان است، ولی به قدری گسترش یافته که جای را بر بشر و امیال و پیش فرض‌های او تنگ کرده است.

تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، نقطه عطفی در تاریخ سیاست‌گذاری‌های کلان کشور به حساب می‌آید. فرهنگ و اخلاق از برجسته‌ترین مؤلفه‌های شکل دهنده به سند چشم‌انداز است. چنین به نظر می‌رسد می‌توان براساس سند چشم‌انداز، الگویی برای تعامل اخلاق و تولید، پردازش و مدیریت اطلاعات طراحی کرد که هم با آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هم سو باشد و هم تحولات نظام ارتباطی و اطلاعاتی جهان را در نظر بگیرد.

بنابراین اولین همایش اخلاق و فناوری اطلاعات در راستای برنامه چهارم توسعه اقتصادی و سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران به دنبال تبیین رابطه اخلاق و فناوری اطلاعات و کیفیت تولید، پردازش، انسجام و مدیریت اطلاعات برگزار شد. در این همایش یک روزه ۹ مقاله با موضوعات اخلاقی و فرهنگی ارائه گردید.

در این جا به عنوان دبیر همایش بر خود فرض می‌دانم از حسن نظر و همکاری صمیمانه جناب آقای دکتر صدری رئیس محترم مرکز تحقیقات مخابرات ایران و معاونین صمیمی و کوشای مرکز، همچنین جناب آقای دکتر بدیع رئیس محترم کمیته علمی همایش و اعضای معزز آن کمیته، خصوصاً حجه‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سیدمهدی میرباقری (دام توفیقه) رئیس دفتر فرهنگستان علوم اسلامی و نویسندگان مکرم مقالات علمی همایش و سرکار خانم شهنازی مدیر اجرایی و دیگر همکاران گرامی دبیرخانه و اعضای محترم کمیته اجرایی و تمامی پرسنل گرانقدر و فرهیخته مرکز تحقیقات مخابرات ایران کمال تشکر را بنمایم

**جمال خانی جزنی**

**دبیر اولین همایش اخلاق و فناوری اطلاعات**

## رئیس افتخاری کنفرانس

صدری، سیدمحمدرضا

رئیس مرکز تحقیقات مخابرات ایران

### کمیته علمی

بدیع، کامبیز

خانی جزنی، جمال

رضایی، عبدالعلی

علیمردانی، فاطمه

کروبی، محمدتقی

کسرای، محمدسالار

میرباقری، سیدمهدی

مرکز تحقیقات مخابرات ایران

سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

مؤسسه پژوهشی مهندسی توسعه اجتماعی

سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

مؤسسه مطالعاتی چکاد پارسیان

مرکز تحقیقات مخابرات ایران

دفتر فرهنگستان علوم اسلامی

### کمیته اجرایی

آسوشه، عباس

اسماعیل‌زاده، نیک‌نام

بدیع، کامبیز

خادم‌زاده، احمد

خانی جزنی، جمال

شهنازی، شهیندخت

کاظمی‌منش، مجید

معاونت توسعه و ارتباطات علمی

مسئول تدارکات

مسئول کمیته علمی

مسئول روابط بین‌الملل

دبیر همایش

مسئول هماهنگی کمیته‌ها و دبیرخانه

مسئول روابط عمومی و انتشارات

## تیم اجرایی

با تشکر از کلیه اعضای تیم اجرایی به ویژه امور اجرایی دبیرخانه:

خانم‌ها: لیلا نورانی، ناهید باقری، ساره پDRAM، شیوا حیدریان، شمسی باقری، مریم افشار فرامرزی، فریبا جعفری صابری

آقایان: سیداحمد شیخ‌الاسلامی، عبدالکریم یعقوبی‌نژاد، حسن ناجیان، سیدمحمد حسینی

## فهرست مطالب

- ۱ ..... نقش فناوری اطلاعات در جامعه امروز و نیازمندی به اخلاق .....  
سیدمحمد رضا صدری
- ۹ ..... منزلت اخلاق در فناوری اطلاعات .....  
سیدمهدی میرباقری
- ۱۸ ..... اخلاق و اعلامیه اصول نشست سران جامعه اطلاعاتی .....  
محمدحسن انتظاری
- ۲۵ ..... دهکده جهانی و تهاجم فرهنگی بازار پیام و تداخل فرهنگی .....  
مهدی محسنیان راد
- ۴۱ ..... سند چشم‌انداز، اخلاق و فناوری اطلاعات؛ به سوی تدوین یک الگوی بومی .....  
محسن الویری
- ۵۴ ..... نسبت میان فلسفه اخلاق و فلسفه تکنولوژی .....  
شاپور اعتماد
- ۶۰ ..... اینترنت امن: فرهنگ ایجاد محتوا و بکارگیری اینترنت در ایران .....  
مریم محمودی، فاطمه ناصر اسلامی، علی محمد زارع بیدکی
- ۷۰ ..... جایگاه ساختارهای تولید، پردازش و توزیع اطلاعات در پراکندگی یا انسجام اجتماعی .....  
محمد منصورنژاد
- ۷۷ ..... فناوری اطلاعات و ارتباطات: تعامل چالش‌ها و فرصت‌های جهانی شدن با اخلاق جامعه اطلاعاتی .....  
رضا جاویدان، منصور امینی لاری، سعید جنتی
- ۸۶ ..... تأثیر سازنده اینترنت بر اخلاق کاربران .....  
میترا دیلمقانی، سیدعلیرضا حجازی

## نقش فناوری اطلاعات در جامعه امروز و نیازمندی به اخلاق

دکتر سید محمدرضا صدری

عضو هیئت علمی و رئیس مرکز تحقیقات مخابرات ایران

Sadri@itrc.ac.ir

### چکیده:

امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) با توجه به گسترش آن در عرصه جهانی و ابعاد گسترده تحولات فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ناشی از آن، یکی از مهمترین موضوعاتی است که جوامع را به خود مشغول کرده است. بدون شک تحولات در پرتو ICT موجب موقعیتهای، ظرفیتهای و توانمندیهای جدیدی برای انسان شده است و هر روز در اشکال مختلف در حال گسترش و توسعه است. اثرات این توانمندیها و ایجاد ظرفیتهای جدید در انسان، در حوزه رفتاری و تعاملات اخلاقی او بی تأثیر نبوده است و هر روز با توسعه روند فوق این تأثیرات بیشتر و بیشتر می شود. تشخیص همه جانبه و صحیح تأثیرات اخلاقی و رفتاری در اثر توسعه ICT در زندگی انسان، نیازمند شناخت کامل و جامع ICT و ابعاد فنی، علمی و فلسفی آن در زندگی فردی و اجتماعی است. از طرف دیگر تنها با شناخت کامل ICT و روند رشد آن امکان تشخیص و انطباق ضرورتهای اخلاقی وجود دارد.

این مقاله سعی در تبیین ابعاد مختلف اثرات ICT در جامعه امروز و متقابلاً چارچوب نیازمندیهای رفتاری و اخلاقی انسان در ارتباط با توسعه ICT دارد.

اگر به روند توسعه و تحول در قرن بیستم نگاه کنیم از ابعاد مختلفی برای انسان پندآموز است. عمده دستاوردهای بشر در قرن بیستم با قرنهای گذشته قابل قیاس نیست. این دستاوردها با ظهور ICT و تحولات ناشی از آن در دو دهه آخر قرن بیستم بسیار چشمگیر است. از سال ۱۹۸۰ به بعد ظهور ICT حرکت معنا بخش تری به عرصه تکنولوژی داده به گونه ای که دو دهه آخر قرن بیستم سرعت توسعه تکنولوژی قابل قیاس با کل دهه های قبل از آن نمی باشد. اما از سوی دیگر در قرن بیستم جنایات بشری نیز در مقایسه با گذشته افزایش یافته است. با نگاهی دقیق تر به این جنایات متوجه می شویم که متولیان این جنایات معمولاً صاحبان تکنولوژیها بوده و عمدتاً کسانی مرتکب چنین جنایاتی شدند که از امکانات تکنولوژی برخوردار بوده اند. یعنی با توسعه تکنولوژی ناهنجاریها و جنایات هم توسعه فراگیر داشته است. یکی از دلائل اصلی این ناهنجاری و رشد جنایات این است که توسعه اخلاق همراه توسعه علم و تکنولوژی رشد نکرده است. این عقب ماندگی اخلاقی آثار غیرقابل جبرانی برای جامعه انسانی فراهم کرده است.



ظهور جنگ افزارهای فوق مدرن و کشتار جمعی در قرن بیستم از دیگر آثار رشد تکنولوژی بدون توجه به بعد اخلاقی آن است. این جنگ افزارها به عامل اصلی در بروز فجایع عظیم توسط بشر شده‌اند. با بررسی سیر ششگانه تکامل در جوامع در دوره‌های مختلف، سه دوره اصلی زیر قابل توجه است:

- دوره کشاورزی
- دوره صنعتی
- دوره اطلاعاتی

جامعه اولیه همان جامعه ابتدایی است که کار بشر در این جامعه جمع‌آوری و شکار بوده است در این جامعه کارتها عامل ارزشمند بود. در مراحل بعدی جامعه کمتر توسعه یافته کشاورزی، کوچ و زراعت محورهای اصلی بوده و دو فاکتور کار و زمین مطرح بوده است. جامعه در حال توسعه (دوره کشاورزی) جامعه‌ای است که کشاورزی و استخراج معدن در آن دو محور اصلی بوده است. از اینرو کار، زمین و سرمایه فاکتورهای اصلی جامعه در حال توسعه بوده است. جامعه صنعتی دارای مشخصه تولید، پردازش و خدمات کاربردی است. لذا کار، زمین، سرمایه، نخبگان و اطلاعات عناصر اصلی تشکیل جامعه صنعتی هستند. جامعه توسعه یافته جامعه‌ای است که بازاریابی، تجزیه و خدمات اطلاعاتی محورهای اصلی آن است و علاوه بر تمام ویژگی‌های جامعه صنعتی عوامل تحقیق، توسعه و تکنولوژی به آن اضافه شده است. جامعه فراصنعتی (پیشرفته) جامعه‌ای است که مدیریت و کنترل و خدمات دانش به عنوان عناصر اصلی جامعه است و خدمات دانش علاوه بر خدمات اطلاعاتی جزو محورهای اصلی اقتصاد می‌شوند. یعنی جامعه دانش محور است. در این جامعه پارامتر دانش به موارد بالا افزوده شده است. بدین ترتیب اطلاعات و دانش عامل تحول در جامعه بشری است.

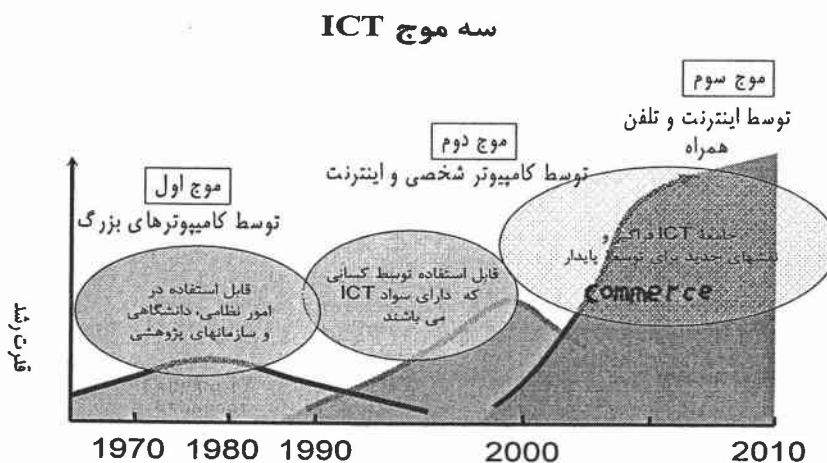
از سوی دیگر توجه به این نکته لازم است که تحول فناوری اطلاعات با تعریف کلان آن از ابتدای خلقت انسان به گونه‌ای مطرح بوده است. از جمله زبان به عنوان یک عامل اصلی اطلاع‌رسانی و انتقال اطلاعات است که خداوند به بشر اهدا کرده است.

گفتار ابزاری ارتباطاتی محدود با برد چند متری بوده است. انتقال دانش و اطلاعات بصورت سینه به سینه با طول عمر بسیار کم و خطای اطلاعاتی بالا صورت می‌گرفته است.

عامل دوم خط است. خط نیز ابزار نیرومندی است برای انتقال و نگهداری در دراز مدت اطلاعات. هنگامی که بشر دسترسی به خط و این نوع فناوری پیدا کرد، ذخیره‌سازی دانش در فضایی خارج از ذهن انسان محیا شد. بدین ترتیب انتقال به راه دور وانتقال به نسل بعد با خطای کمتر میسر گردید. عامل سوم که با بهره‌گیری از زبان و خط بصورت ICT امروز ظهور پیدا کرد. ICT امکانات پنجگانه ذیل را فراهم نموده است:

- ارتباط جهانی همه با همه
- ذخیره و بازاریابی انبوه دانش
- پردازش‌های پیچیده و سریع
- هوش مصنوعی
- افزایش توانمندی فردی و اجتماعی

معمولاً نحوه پیدایش و تحول ICT را در سه موج متوالی تعریف می‌نمایند. نمودار ذیل مشخصات موجهای سه گانه رشد برحسب فناوری اطلاعات و ارتباطات را ترسیم می‌نماید:



شکل (۱)

موج اول توسط کامپیوترهای بزرگ ایجاد شد که قابل استفاده در امور نظامی، دانشگاهی و سازمان‌های پژوهشی بود. موج دوم با پیدایش کامپیوترهای شخصی و اینترنت بوجود آمد و قابل استفاده توسط کسانی است که دارای سواد ICT هستند. موج سوم با اینترنت همه‌گیر و در پایانه‌های متحرک ایجاد شده و عبارتی تجارت بشر روی آن شکل گرفته است. جامعه ICT فراگیر نقش‌های جدیدی برای توسعه پایدار و تجارت الکترونیکی مهیا کرده و به گونه‌ای امکان تعامل و تجارت انسانها با یکدیگر در فضایی مجازی و بدون نیاز به حضور فیزیکی را فراهم نموده است. لیکن این فناوری فقط یک بال برای تکامل انسان محسوب شده و انسان نیازمند بال دیگری است.

دو بال تکامل عبارتند از اخلاق و تکنولوژی. اگر تکنولوژی را بدون اخلاق داشته باشیم، تکامل برای بشر اتفاق نمی‌افتد. برای اینکه این دو بصورت دو بال موجب تکامل بشر شوند نیازمند به آگاهی از اثرات متقابل اخلاق و فناوری اطلاعات شناخت صحیح و کامل از هر دو حوزه است. از اینرو ارائه تعریف از هر دو حوزه گام اول برای شناخت هر دو و نحوه تعامل آنها با یکدیگر است. تعریف اخلاق عبارت است از: نظام خوبی‌ها، بدی‌ها، تعهدات و چارچوب‌های رفتاری که ریشه در تمایلات انسان دارد. تمایلات انسان در گرو تقواست تا ما را به تکامل برساند و این همان هدفی است که خداوند ما را به خاطر آن خلق کرده است.

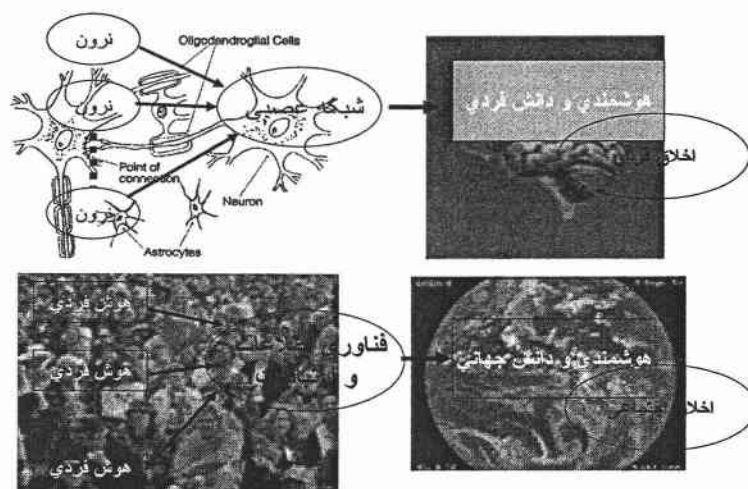
تعریف جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات عبارت است از: تبدیل، ذخیره‌سازی، حفاظت، پردازش، انتقال و بازیابی اطلاعات در هر جا و هر زمان.

آنچه امروزه به عنوان جامعه اطلاعاتی مطرح می‌شود این است که، جامعه اطلاعاتی جامعه‌ای است که اطلاعات محصول اصلی آن است و یا سایر محصولات وابسته به آن هستند و موفقیت سازمان‌ها و افراد در آن وابسته به ایجاد پردازش درست اطلاعات است. این جامعه مرحله بعد از جامعه صنعتی تعریف شده است.

حال از ICT به غیر از تعریف علمی و فنی فوق چه تعبیر مناسب دیگری می‌توانیم داشته باشیم؟ یا عبارت دیگر تعبیر و تعریف فلسفی ICT چیست؟ ICT به عنوان بستر توسعه دانش و هوشمندی بشر چگونه عمل می‌نماید؟

همانند شکل (۲) مجموعه سلولهای عصبی مغز (نرونها) که نقش واحدهای کوچک پردازشی را دارند و سلسله اعصاب که نقش ارتباطات داخلی را بازی می‌کنند، بستر و زمینه مناسب ایجاد دانش و هوشمندی را در حوزه یک فرد فراهم می‌سازند. تکامل عقلی فرد یعنی کاملتر شدن و پیچیده‌تر شدن این شبکه عصبی و اطلاعات ذخیره در آنها. هر سلول متخصص یک فعالیت تخصصی بسیار جزیی است. اما در سطح جامعه هر فرد یک عنصر هوشمند (معادل یک سلول پردازشی در مغز) محسوب می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان تبادل این عناصر هوشمند را فراهم می‌کند. هر عنصر بصورت تخصصی از مجموعه تجربیات، استعدادها و موقعیتهای خاص خود برخوردار است و آنرا با سایرین مبادله می‌نماید. علاوه بر این ICT توانایی پردازشی و ذخیره‌سازی افراد را نیز بسیار افزایش می‌دهد.

### ICT: بستر توسعه دانش و هوشمندی



شکل (۲)

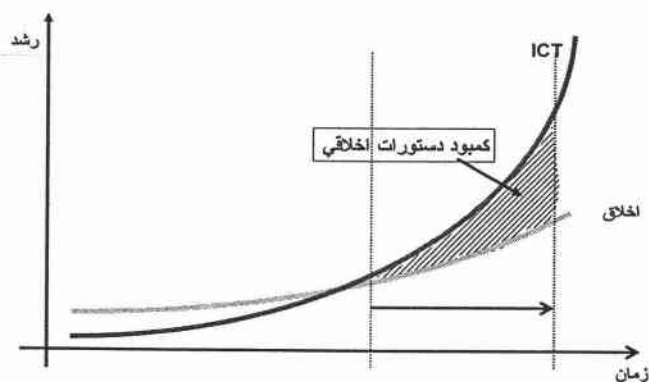
با این تعریف ICT یعنی آنچه که می‌تواند هوش فردی و حافظه فردی را تبدیل به تجمع هوش افراد و اجتماع دانش افراد بنماید. در ICT با وجود شبکه‌های ارتباطی و امکانات پردازشی و ذخیره‌سازی و بازیابی، هر فرد بعنوان یک واحد هوشمند و دانشی از طریق شبکه‌های ارتباطی به یکدیگر متصل می‌شوند و توانمندی فردی با امکانات پردازش گسترده در سطح اجتماعی و جهانی تبدیل می‌شود و توانمندی پردازش فردی تبدیل به پردازش اجتماعی و جهانی می‌گردد. قدرت ذخیره و تجربه او را از حوزه فردی تبدیل به حوزه اجتماعی و جهانی می‌نماید. این همان چیزی است که با وحدت تواناییهای بشری، توانمندی غیرقابل تصور و اندازه‌گیری ایجاد نموده است.

بعبارت دیگر هوشمندی و دانش فردی تبدیل به هوش اجتماعی شده است و هر روز گسترده‌تر می‌شود. هوشمندی جهانی بطور متقابل و معکوس خود موجب افزایش توانایی می‌گردد. بحث هم‌افزایی و Synergy که امروزه مطرح است از همین جا ریشه دارد. ویژگی ICT تبدیل هوش فردی به هوش اجتماعی است و در واقع اجماع دانش و عقل بشر است که منتج به هوشمندی و دانش جهانی شده است. اگر هر فرد را با توانمندیهای گسترده خدادادی او تبدیل به اجتماع توانمندیهای افراد کنید قطعاً قدرت حاصل از چنین اجتماعی، هوش و دانش غیر قابل توصیفی می‌شود که امروز در لوای ICT حاصل شده است و روزانه بصورت زایدالوصفی در حال توانمندتر شدن است.

ICT پدیده‌ای وابسته به کسی یا قدرتی نیست. البته ICT مورد سوء استفاده قدرت‌های بزرگ قرار گرفته و خواهد گرفت چرا که مهم‌ترین نقطه ثقل بشری است و مهم‌ترین جایی است که برتری طلبیها شکل می‌گیرد. از اینرو است که باید انتظار داشت زیاده خواهان در عرصه جهانی به این حوزه توجه ویژه داشته باشند. عمدتاً زیاده خواهی‌ها از چنین حوزه‌ای است که منجر به جنایات بشری می‌شود. ولیکن خود ICT یک بنیه مستقل و متعلق به بشر بوده و دستاورد بیست قرن فعالیت او است. از اینرو ICT محور توسعه بشر امروز است. در عین حال که سوء استفاده‌های قدرت‌های بزرگ از آنرا نباید نادیده گرفت.

به طور کلی فناوری منشأ اطلاعات است و اطلاعات دانش ایجاد می‌کند. بنابراین اطلاعات و دانش دو عنصر اصلی است که برای فرد و اجتماع ایجاد قدرت می‌کند. برای کنترل قدرت نیازمند به اخلاق و قانون هستیم و هر دوی اینها عامل مهار قدرت خواهند بود. با رشد ICT و اخلاق انتظار داریم که در جوامع تعادلی بین آنها برقرار باشد. در حالیکه امروز کفه ترازو در توسعه ICT بسیار سنگین است و آنچه که از اخلاق داریم سبک و بسیار کم وزن است. اخلاق به همراه ICT حرکت نکرده است. در تطابق رشد فناوری اطلاعات با اخلاق می‌بینیم که فاصله اساسی بین آنها وجود داشته و دچار کمبود دستورات اخلاقی هستیم که علت اصلی آن توسعه سریع و انفجاری ICT می‌باشد.

### عدم تطابق در رشد فناوری اطلاعات و علم اخلاق



شکل (۳)

شکل (۴) مدل پیشنهادی UNDP (برنامه توسعه سازمان ملل) در خصوص تعامل بخشهای مختلف ملی با ICT از دیدگاه برنامه‌ریزی ملی را نشان می‌دهد. محورهای عمودی بخشهای مختلف ملی از قبیل اقتصاد، صنعت، بهداشت، فرهنگ و آموزش را نشان می‌دهد. سمت راست بخشهای عمدتاً اقتصادی و سمت چپ بخشهای عمدتاً اجتماعی را نشان می‌دهند.

سطرهای افقی سیاستهای جامع و ملی در زمینه ICT را نشان می‌دهد. بعضی از سیاستها کلیه بخشهای جامعه را تحت پوشش قرار می‌دهند. این سیاستها عبارتند از: توسعه زیرساختهای مخابراتی و دسترسی همگانی، تدوین قوانین و مقررات مرتبط با ICT، آموزش و فرهنگ‌سازی و توسعه سواد عمومی، توسعه فناوری و تحقیق و پژوهش و همچنین سنجش و اندازه‌گیری وضعیت ICT در کشور.

سایر سیاستها بسته به مورد ممکن است بخشهای اقتصادی و یا بخشهای اجتماعی را تحت پوشش قرار دهند. در بخشهای اقتصادی در ICT تجارت الکترونیک (e-commerce) و در بخشهای اجتماعی روشهای آموزش و بهداشت الکترونیک مطرح هستند. در این میانه دولت الکترونیک در مرکز قرار گرفته و کلیه بخشهای اجتماعی و اقتصادی را از دیدگاه دولتی و حاکمیتی پوشش می‌دهد.

### چارچوب ICT



شکل (۴)

با توجه به ابعاد گسترده توسعه ICT در کشور ما مهم‌ترین موضوعات مطرح در زمینه‌های اخلاق عبارتند از: شکاف دیجیتالی، جرایم رایانه‌ای، حقوق مالکیت معنوی، حریم خصوصی، محتوای غیراخلاقی، بازیها و سرگرمی‌های رایانه‌ای و کاربرد فناوری در مغز و بدن انسان. با نگاهی به پیش‌بینی‌های انجام شده در زمینه فناوریهای نوین مدرن در ۵ سال آینده متوجه می‌شویم در بعضی از موارد چنان تحولات شگرفی صورت می‌گیرد و معضلات و مسائل جدیدی ایجاد می‌گردد که قبلاً بشریت هرگز با آن مواجه نبوده و لذا هیچ

دستور اخلاقی نیز در خصوص آنها وجود ندارد. همچنین رشد ICT موجب شده موقعیتهای جدیدی برای افراد پیش بیاید که قبلاً وجود نداشته است. این موقعیتهای جدید بعضاً موجب بروز مشکلات و معضلاتی شده که علم اخلاق می‌تواند بسیار مشکل‌گشا باشد. از جمله موقعیتهای جدید می‌توان از موارد زیر نام برد:

- امکان دسترسی به اطلاعات که قبلاً غیرممکن بود.
- امکان ارتباط با دیگران بدون افشای ماهیت واقعی.
- امکان انجام عمل از راه دور و فراتر از مرزهای حقوقی.
- امکان کسب درآمد زیاد با روش‌های نسبتاً آسان.
- ارتباط دو سویه و چند سویه با دیگران.
- عرضه یا دسترسی به اطلاعات خصوصی.
- خرید، فروش، تجارت الکترونیک و معاملات حقوقی.
- عرضه اخبار و اطلاعات عمومی توسط هر فرد.

عرصه‌های فوق موقعیتهای بسیار وسیعی برای افراد بشر بوجود می‌آورند که همانند هر ابزار نیرومند دیگری می‌توانند موجب تکامل و رشد بشری و یا بالعکس انحطاط و فساد او باشند. برای هدایت و سمت‌دهی به این رشد تکاملی و اطمینان از حسن استفاده از توانمندیهای جدید سه راه اساسی وجود دارد که هر سه آنها لازم بوده و مکمل یکدیگر هستند.

روش‌های جلوگیری و کاهش جنبه‌های منفی ICT از سه طریق تکنولوژی، قانون و اخلاق امکانپذیر است. ۱- قانون: با تدوین و تصویب قوانین جدید و متناسب با موقعیتهای ایجاد شده توسط ICT می‌توان و بایستی بخش مهمی از فعالیتهای مخرب و آثار نامطلوب توسعه ICT را از بین برد. به عنوان مثال تصویب قوانین زیر می‌تواند بسیار مؤثر باشد:

- قانون جرائم رایانه‌ای
- قانون حفظ حریم خصوصی
- قانون مالکیت معنوی در محیط سایبر

۲- تکنولوژی: همچنین از خود فناوری ICT می‌تواند در جهت هدایت و مدیریت رشد تکاملی جامعه استفاده کرد. از جمله مثالهای زیر:

- کنترل دسترسی و پالایش اطلاعات
- سامانه‌های تشخیص و مقابله با تهاجم
- سامانه‌های امنیت شبکه و اطلاعات
- سامانه‌های ردیابی فعالیتهای غیرقانونی و یا تروریستی

۳- اخلاق: قانون و فناوری ممکن است در بخشهایی بخوبی عمل کرده و جلوی بعضی از انحرافات را بگیرند. اما در بسیاری از حوزه‌ها و موارد دست قانون و فناوری کوتاه بوده و تنها و تنها تصمیمات درونی افراد است که می‌تواند جلوی بروز انحراف را بگیرد. در این جاست که دستورات اخلاقی و تربیت فرهنگی تنها عاملی است که می‌تواند مفید و مؤثر واقع شوند. زمینه‌های زیر مثالهایی هستند از مواردی که اخلاق می‌تواند بخوبی عمل نماید:

- بررسی و تجزیه تحلیل تاثیرات ICT در مسائل اخلاقی سنتی جامعه
  - بررسی موضوعات اخلاقی جدید مطرح شده در رابطه با فناوریهای جدید
  - تدوین و اشاعه دستورات اخلاقی جدید مناسب با نیازهای جدید جامعه اطلاعاتی
- موضوعات تحقیقی در زمینه اخلاق بسیار فراوانند. بشریت امروز نیاز به تحقیق و بررسیهای جدید در رابطه با اخلاق و ICT دارد. موارد زیر نمونه‌هایی از این مورد هستند:
- تحول در استانداردها و ارزش‌های اخلاقی در جامعه اطلاعاتی.
  - ارزش‌گذاری ساختارهای جدید قدرت بر پایه اطلاعات و دانش.
  - ارزش‌گذاری چشم‌اندازها و آرمانهای اعلام شده برای عنصر اطلاعات.
  - بررسی تناقضات و تضادهای درونی و پنهان تئوری‌های اطلاعات.

عدم شناخت صحیح ICT در مباحث اخلاقی منشأ دو اثر اصلی خواهد بود:

- ۱) عدم توجه به ظرفیت‌های ایجاد شده و سهل‌انگاری نسبت به ظرفیت‌های غیرقابل‌تصور که ICT برای فرد و اجتماع ایجاد کرده است و رشد ظرفیت‌های خارق‌العاده بشری همراه رشد عرصه اخلاقی نبوده است که وجود چنین خلای بسیار زیان بار است.
- ۲) خطر دیگر توجه یک‌جانبه، سطحی و قشری به موضوع ICT که نوع دیگری از سهل‌انگاری یا کج‌فهمی است و منتج به انکار حقایق، یا عدم برخورد صحیح و همه‌جانبه می‌شود. مانند آنکه از بنیه ICT و ظرفیت توصیف‌ناپذیر آن، صرفاً همه توجهات را به هجوم فرهنگی معطوف داریم و آنرا صرفاً از زاویه شبکه اطلاع‌رسانی مورد بررسی قرار دهیم.

#### نتیجه‌گیری:

نتیجه‌گیری کلی که از این بحث می‌شود این است که عدم شناخت کامل، صحیح و همه‌جانبه از ICT موجب عدم امکان ترسیم محیط اخلاقی حاکم بر آن خواهد شد. اخلاق در ICT مانند اخلاق در پزشکی، خبرنگاری و سایر امور نیست. اخلاق در ICT با توجه به ظرفیت‌های غیرقابل‌اندازه‌گیری و تصور آن نیاز به تحقیقات گسترده‌ای دارد. و در آخر نبود اخلاق در ICT معادل دریافت معکوس از همه توانمندی‌های آن است. اگر در حوزه ICT نتوانیم کدهای اخلاقی و اعتقادی مناسب را داشته باشیم همه این فرصت‌ها و توانمندی‌ها توانمندی معکوس خواهد بود. این مشکل همه دنیاست و فقط متعلق به ما نیست. و در نتیجه هوش و توانمندی بشر منتج به تکامل و توسعه همه‌جانبه او نخواهد شد. ICT نماد توانمندی بشر و دستاورد سالهای دراز تکامل او است. کسی نمی‌تواند منکر آن شود چون ICT جمع ظرفیت‌های فردی و جمع هوشمندی‌های فردی در دنیاست. اکنون ICT این موقعیت را به خوبی برای ما فراهم کرده است و ما باید با درایت و هوشمندی و دانش بر آن حاکم شویم و بتوانیم به عنوان مسلمانان هوشمند عمل کنیم.

## منزلت اخلاق در فناوری اطلاعات

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سیدمهدی میرباقری

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی

از مباحث مهمی که اکنون موضوع مطالعه محافل علمی جهان می‌باشد، آن است که جامعه اطلاعاتی، که بشر در آن وارد شده یا در معرض ورود به آن قرار دارد، چه نسبتی با اخلاق دارد؟  
عمده‌ترین رویدادی که در حال حاضر در جامعه اطلاعاتی دیده می‌شود این است که سرعت پردازش و انتقال اطلاعات، به سرعت حرکت نور در میدان انرژی رسیده است و طبیعتاً این امر می‌تواند جهان را به یک دهکده واحد تبدیل کرده و ظرفیت هوشمندی‌ها را با هم مرتبط سازد و انسجام واحد ایجاد نماید. کاملاً روشن است که فاصله‌های مکانی و جغرافیایی و زمانی تغییر می‌کند و زمان را متراکم می‌سازد و مهم‌تر اینکه از منظر فلسفی، هم جایگاه ساختاری و هم مکان و زمان پدیده‌ها را تغییر می‌دهد.  
ما هم‌اکنون با شرایطی روبرو هستیم که متناسب با رشد ICT می‌توان ساختارها و ظرفیت‌های جدیدی را در جامعه بشری ایجاد کرد. در حال حاضر بخش عمده‌ای از GNP و تولید ناخالص ملی، داده بخش اطلاعات است؛ حتی در کشورهای در حال توسعه هم همین گونه است؛ مشاغل و حرفه‌های ایجاد شده بیشتر مشاغل هستند که مستقیم و یا غیرمستقیم، با توسعه اطلاعات و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مربوط می‌شوند؛ در حوزه فرهنگ نیز، هم سرعت تبادل فرهنگی و هم تولید مفاهیم و نمادهای فرهنگی جامعه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

به هر حال، با این تحول شگفت جامعه جهانی وارد مرحله جدیدی از تاریخ شده و اکنون جامعه صنعتی در حال تبدیل شدن به جامعه اطلاعاتی می‌باشد. تولید ابزار جدید ارتباطات و اطلاعات، به خصوص رایانه‌ها، جامعه بشری را وارد مرحله جدیدی از تاریخ کرده، و همه شئون زندگی او را متحول خواهد کرد. پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که اگر این فرآیند، ادامه پیدا کند همه تلقیاتی بشری در همه عرصه‌های حیات، دستخوش تحول خواهد شد.

### ۱- اشاره به پایگاه و جایگاه «اخلاق اجتماعی»

حال سخن این است که آیا این تحول فراگیر می‌تواند با اخلاق، ارتباط یابد یا خیر؟ اگر فناوری اطلاعات و ارتباطات، با اخلاق پیوند می‌خورد، این پیوند و ارتباط، در چه سطح مقیاسی قرار دارد؟



به رغم ما، پایگاه اصلی اخلاق، تمایلات عمومی جامعه است؛ جامعه دارای تمایلاتی است که فرآیند آن، اخلاق اجتماعی را تعریف می‌کند. نقطه روبروی تمایلات جامعه، ارزش‌ها هستند؛ به این معنا که همیشه ارزش‌های اجتماعی، برابر با تمایلات اجتماعی است؛ هرگاه تمایلات اجتماعی دستخوش تحولات شود، ارزش‌های اجتماعی هم دستخوش دگرگونی می‌شود.

از سوی دیگر، ارزش‌های اجتماعی مبدأ پیدایش نظام حقوقی و دستوری جامعه می‌باشند؛ یعنی جوامع مختلف بر اساس نظام ارزشی خود، حدود و حقوقی را تعریف می‌کنند و متناسب با این حقوق، به طراحی تکالیف و دستورات می‌پردازند.

گاهی آنچه از اخلاق در حوزه‌هایی چون «فناوری اطلاعات»، قصد می‌شود نظام حقوقی و دستوری است که از تمایلات عمومی بر می‌آید؛ مثلاً در اعلامیه‌ای که در نشست جهانی جامعه اطلاعاتی به تصویب رسیده است<sup>۱</sup>، به جای ارزش‌ها، به حقوق و دستورات برآمده از آن تأکید می‌شود؛ این امر بدان جهت است که بین این دو، پیوندی جدی برقرار است که گاهی هم این دو عرصه با هم آمیخته می‌شوند و اختلالاتی حاصل می‌گردد.

## ۲- تبیین منزلت مقوله «اخلاق» در «فناوری اطلاعات»

اکنون، سخن این است که آیا بین اخلاق یا ارزش‌ها، با فناوری اطلاعات و ارتباطات، تعاملی برقرار می‌شود یا خیر؟ و اساساً این تعامل یک سویه است یا دو سویه؟ هم چنین در چه لایه‌هایی، این تعامل باید برقرار شود؟

### ۱/۲- نسبت «اخلاق» و «فناوری اطلاعات» در دو باور

برخی از صاحب‌نظران، به خصوص در نگاه‌های فلسفه تاریخی، فرآیندهای پیچیده تاریخی را ساده‌سازی می‌کنند و تحولات پیچیده جوامع بشری را به عامل تحول در روابط تولیدی و به خصوص، فناوری‌ها نسبت می‌دهند و تحولات صنعتی و تکنولوژیک را مبدأ همه تحولات می‌پندارند. اگر از این زاویه بیندیشیم، فناوری، پایگاه اصلی اخلاق است و تحول فناوری‌ها، به تحول اخلاق، عواطف، گرایش‌ها، حساسیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی منتهی می‌شود. زبان دیگر، پایگاه تکامل اخلاق، تکامل فناوری‌ها بوده و فناوری، مبدأ زایش ارزش است که نمی‌توان آن را به «ارزش» مقید نمود. نگاه سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها بیشتر، به این جهت، منعطف است. آنها اگر هم، راه‌کارهایی را برای کنترل اخلاقی توسعه فناوری پیشنهاد کرده‌اند، ولی نگاهشان نوعی تلقی جبرگرایانه تاریخی است که عامل اصلی تحول تاریخ را به روابط تولیدی و به دنبال آن، به ابزار و فناوری‌ها باز می‌گرداند. پس، از این منظر با تحول در فناوری، اخلاق نیز دستخوش تحول و تغییر می‌شود.

نگاه دوم این است که در تعامل میان فناوری و اخلاق، گر چه اخلاق تحت تأثیر فناوری‌ها قرار گرفته و داده‌های فناوری، موجب تحول در گرایش‌ها و تمایلات عمومی و حساسیت‌های اجتماعی می‌گردد؛ یعنی فناوری، همانگونه که بینش‌های اجتماعی را عوض می‌کند، گرایش‌های اجتماعی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، لکن

۱- «اعلامیه اصول ایجاد و ساخت جامعه اطلاعاتی» در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در ژنو ۲۰۰۳، و تونس ۲۰۰۵ به تصویب رسیده است؛

رک: «تکفا» (TAKFA)، سال دوم، شماره ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳، صفحه ۶۷-۶۰

در این سیکل، عوامل متغییر و متعددی روی هم اثر می‌گذارند و اخلاق انسانی هم، در جهت‌گیری توسعه فناوری اثرگذار است، و این گونه نیست که این تأثیر، یک سویه باشد و یا متغییر اصلی، همان فناوری باشد، بلکه متغییر اصلی، اراده‌های انسانی است. بر همین اساس، توسعه فناوری از منظر اخلاق، قابل مدیریت است؛ نه تنها می‌توان مدیریت اخلاقی بر توسعه فناوری دانست بلکه این امر، یک ضرورت است؛ چون توسعه فناوری همانگونه که فرصت‌های فراوانی را در اختیار بشر قرار می‌دهد تهدیدهای فراوانی را هم پیش روی بشر قرار می‌دهد، که با اخلاقی کردن توسعه فناوری می‌توان تهدیدها را تبدیل به فرصت کرد و از فرصت‌ها بهترین بهره‌برداری را نمود. بنابراین، این گروه معتقدند که هم می‌توان توسعه فناوری را تحت تأثیر اخلاق قرار داد و هم می‌بایست این کار اتفاق بیفتد. تلاش‌های جدی در جامعه جهانی معطوف به این امر شده تا اجماع جدی در این راه ایجاد کنند. سازوکاری که در این میان دنبال می‌شود آن است که ابتدا یک نظام تعاریف ایجاد می‌کنند و به دنبال نظام تعاریف، نظام تکالیف و دستور می‌سازند و در نهایت، تطبیق انجام می‌شود؛ کما اینکه در شکل‌گیری منشور حقوق بشر، تعاریفی از حقوق ارائه شده و به دنبال آن تکالیفی ایجاد گشته و سپس تطبیق می‌شود و در نهایت، احکامی از طریق مجامع تصمیم‌گیرنده بین‌المللی صادر می‌گردد.

#### ۲/۲- نقش آفرینی جهت‌گیری «توسعه» در متن «فناوری»

نکته‌ای قابل تأمل این است که پایگاه اخلاق، که باید جامعه اطلاعاتی را مقید به آن ساخت، چیست، و در چه لایه‌هایی می‌توان جامعه اطلاعاتی را مقید به اخلاق نمود؟

همانگونه که اشاره شد، پایگاه اصلی اخلاق، تمایلات است، لکن، خود تمایلات، هم تحول‌پذیرند و هم ممکن است تغییر جهت بدهند. بر این اساس، ما چگونه می‌توانیم پایگاه روشن و پایدار برای اخلاق تعریف کنیم؟ اگر پایگاه اخلاق را به تمایلات طبیعی و مادی بشر برگردانیم، این تمایلات، هم از ناحیه خود فرد و هم از ناحیه ساماندهی اجتماعی قابل کنترل و مدیریت هستند. اگر ما همه ارزش‌های اخلاقی را بر گرایش‌های طبیعی انسان مبتنی کنیم و سپس این «میل به لذت‌ها» را به یک نظام اخلاقی تبدیل نماییم، اخلاق پایدار و اخلاق هدایت‌بخشی که دوام تاریخی داشته باشد، به دست نخواهد آمد؛ این همان مسأله‌ای که اکنون در جهان اتفاق افتاده، که به خصوص، می‌خواهند فرآیند توسعه را اخلاقی کنند، و نیز در دو دهه اخیر می‌کوشند فرآیند پیشرفت جامعه اطلاعاتی را اخلاقی نمایند. برای این که این اخلاقی‌سازی انجام گیرد، ناگزیر باید یک اخلاق محوری تعریف شود، که ما از آن به «اخلاق توسعه» یا «اخلاق تکامل» تعبیر می‌کنیم. اگر شما محور اخلاق را تمایلات طبیعی انسان قرار داده و بخواهید بر پایه آن، ارزش بسازید، برآیند همه این تمایلات در دنیای کنونی، به «توسعه» تعریف می‌شود؛ یعنی ما باید به توسعه برسیم، که این، اصلی‌ترین ارزشی است که همه ارزش‌ها حتی ارزش‌های لیبرالیستی به آن مقید می‌گردد. در این زمینه یکی از مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل بیان می‌کند که همه افراد بشر، حق دستیابی به توسعه دارند و به دنبال تعریف این حق، دولت‌ها را مکلف می‌کنند که

باید بستر توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در جوامع خود فراهم کرده، و همکاری بین‌المللی هم داشته باشند.<sup>۲</sup>

پس، یک ارزش محوری تعریف شده که همان «توسعه» است، و بر مبنای ارزش محوری، حقوق تبیین شده، «حق توسعه» تعریف شده و بر مبنای آن، دستورسازی انجام پذیرفته است. بنابراین «باید» اساسی که جامعه اطلاعاتی به آن ملزم می‌گردد این است که باید بستر توسعه مهیا شود. التزامات اخلاقی و حقوقی و دستوری، که راهیابی و دستیابی به توسعه را فراهم می‌کنند، باید مشخص گردد. انسان هرگاه، اطلاعاتی را به کار می‌گیرد، به دنبال هدفی است؛ ارزش‌ها در کاربری اطلاعات می‌آیند، چنانچه اطلاعات را به هم پیوسته ببینیم، و نظام اطلاعات، نظام فناوری‌ها را به صورت «کل گرایانه» در نظر بگیریم، و به ویژه مجموعه فناوری و اطلاعات را در فرآیند «توسعه» مورد توجه قرار دهیم، در این صورت، به این نتیجه می‌رسیم که جهت‌گیری توسعه، در ذات اطلاعات حضور پیدا می‌کند؛ یعنی نظام متوازی که برای توسعه تعریف می‌کنید، متناسب با اهداف توسعه است و این نظام متوازن بر محتوا اثرگذار است و هرگاه، هدف اخلاقی حاکم بر توسعه فناوری، عوض شود، ماهیت توسعه فناوری هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؛ اگر توسعه فناوری، به سمت افزایش بهزیستی مادی و غیرقدسی برود، حتماً همین سازوکارهای کنونی به دست خواهد آمد، اما اگر ما فرآیند توسعه و اهداف تکامل را تغییر دادیم، طبعاً ماهیت و محتوای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، و نیز خود اطلاعات و ارتباطات هم تغییر خواهند کرد؛ کیفیت هوشمندی اجتماعی بشر هم تغییر می‌کند. آنچه گفته شد، همان نقطه‌ای است که درباره آن بین محققین، اختلاف دیدگاه وجود دارد؛ پاره‌ای از محققین به درستی معتقدند که ماهیت فناوری‌ها و اطلاعات و ارتباطات، حامل ارزش است و ما در برخورد با آنها نمی‌توانیم آزاد برخورد کنیم؛ یعنی این فناوری‌ها، ارزش خاص را بر جامعه جهانی تحمیل می‌کند همان طور که شما هم می‌توانید ارزش‌های خودتان را به نسبت، به آن تحمیل کنید؛ چرا که فناوری‌ها بدون اقتضا نیستند، بلکه «جهت» در ذات آنها متبلور شده است؛ آنها تجسم تمایلات عمومی هستند و جهت تمایلات عمومی را با خودشان دارند؛ البته - چنانکه اشاره شد - نه به این معنا که ما در مقابل این «جهت» مجبوریم، بلکه ما هم صاحب اراده‌ایم و به نسبت می‌توانیم بر این آثار، مسلط شویم.

### ۳- آثار جریان «اخلاق الهی» در «فناوری اطلاعات»

اگر نگاه دوم را بپذیریم، آن‌گاه، دو جهت اساسی می‌تواند حاکم بر توسعه فناوری باشد که این دو جهت، محور دو اخلاق قرار می‌گیرند. در واقع، بسیاری از موضوعاتی که اشاره شد مسائل کلان اخلاقی است که در موضوع فناوری و ارتباطات مطرح است که باید اینها را حول یک محور و جهت حل کنیم.

در توسعه به مفهوم مادی، حق توسعه را حق اساسی بشر قرار می‌دهیم و براساس این حق توسعه، حقوق را در سایر حوزه‌های کلان تعریف می‌کنیم و نظام دستوری و تکالیف را معین کرده و سپس، بر اساس فناوری‌ها و

۲- راک: بیانیه «حق توسعه» قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

دستور و قانون و...، هم کاربرد و هم تولید را کنترل می‌کنیم. اگر جهت توسعه فناوری، جهت توسعه مادی باشد، ممکن است بخشی از اطلاعات تولید و توزیع آن، که مخل فرآیند توسعه است کنترل شود!

### ۱/۳- عجز توسعه مادی از رفع تهدیدهای «فناوری اطلاعات»

اگر جهت اساسی را جهت توسعه بهره‌وری مادی و ارضاء طبیعی انسان قرار دهیم، در سایر ابعاد حیات انسانی چه نتیجه‌ای به بار خواهد آمد؟ به نظر می‌رسد که این اخلاق، ظرفیت کنترل اهواء بشر را ندارد؛ چون شما اخلاق را برای کنترل اهواء می‌خواهید. چه بخشی از کنترل، با ارزش‌گذاری هاست، و بخشی از آن، با قانون‌گذاری، و با سایر ابزارهای که برای کنترل وجود دارد.

اگر محور اخلاق را توسعه لذت‌های مادی قرار دهیم، این اخلاق، کارساز و توسعه‌یاب در همه عرصه‌ها نخواهد بود. نکته مهم در اینجاست که این اخلاق، منتهی به روحیه ایثار و گذشت و محبت اجتماعی نمی‌شود. اگر شما اساس انگیزش انسانی را حرکت به طرف دنیای بهتر قرار دادید، میلی پیدا نمی‌کنید که انسان با تکیه بر آن، بر سر دنیا فداکاری کند؛ البته تجارت بر سر دنیا را همه عقلاً انجام می‌دهند!

اگر شما انسان را ماکیاولی تعریف کردید، این انسان، داعیه‌ای برای گذشت ندارد؛ اگر سود دنیایی اصل باشد، طبیعتاً انسان و جامعه‌ای که سود محور است و نیز جامعه جهانی که از طریق «توسعه» به سمت سودجویی بیشتر حرکت می‌کند، به اخلاق ایثار و گذشت نسبت به دنیا نمی‌اندیشد. بنابراین هر چه تلاش کرده و اصول اخلاقی را حاکم کنید، این اصول اخلاقی، جلوی بحران‌ها و تهدیدها را نخواهد گرفت. بعد از جنگ‌هایی که در جهان اتفاق افتاد و آثار مخربی که بر جامعه بشری بر جای گذاشت، تلاش‌های جدی اتفاق افتاد تا از طریق حاکمیت اصول اخلاقی و ارزشی، جلوی این تهدیدها گرفته شود و فضای جامعه جهانی برای بشر، فضای امن می‌شود، ولی چنین چیزی برای بشر اتفاق نیافتاده است. ممکن است بگوییم برنامه‌ریزی‌ها ناقص بوده و ضعف‌های مرحله‌ای وجود داشته، که در فرآیند تکامل، مرتفع می‌شود! ولی بهتر این است که ریشه یابی کنیم و بدانیم که ما بر چه اساسی و با چه بنیادهای اخلاقی می‌خواستیم امنیت جهانی ایجاد کنیم؟ با چه اصول اخلاقی می‌خواستیم عهده‌ای فرصت‌ها را به نفع خودشان و بر علیه جامعه جهانی، به تهدید، تبدیل نکنند؟ اگر پایان این اصول اخلاقی، دستیابی به دنیای بهتر است، آن جایی که فرد منافع خود را در ایجاد تهدید برای دیگران و استفاده‌جویی از فرصت‌ها به نفع خودش می‌داند، به چه دلیل این کار را نکند؟ به راستی چه ضمانت اخلاقی در این میان وجود دارد؟ ممکن است گفته شود ما نظام دستوری و حقوقی می‌آوریم و نظام دستوری و حقوقی تابع نظام اخلاقی است! ولی پرسش این است که در آخر کار، ضمانت اجرایی دستور چیست، مگر ضمانت اجرای قوانین، جزء قدرت نیست؟ مگر پایگاه قدرت، چیزی جزء تمایلات عمومی است؟ اگر شما می‌خواهید تمایلات عمومی را به سمت توسعه مادی هدایت کنید و اصول اخلاقی را حاکم نمایم تا از فرصت‌ها سوء استفاده نشده و تهدیدی برای بشر نباشد، با کدام انگیزه می‌خواهید این اصول اخلاقی را ایجاد کنید؟

اصول اخلاقی که منتهی به ایثار نشوند، بی‌تردید اصولی نیستند که پایدار بمانند و بتوانند تهدیدها را که در حال گسترش هستند، از پیش روی جامعه جهانی بر کنار کنند! توسعه فناوری‌ها، همان‌طور که فرصت‌های

کلانی را در اختیار انسان گذاشته، تهدیدهای جدی را هم ایجاد کرده است؛ بنابراین، پیش‌بینی و تحلیل ما این است که اخلاق، حتماً ماهیت فناوری را هم قید می‌زند. اگر ما فناوری اطلاعات را به صورت انتزاعی نبینیم، بلکه در بستر تکامل، و یک بافت در حال تغییر ببینیم، حتماً جهت تغییر، بر محتوا اثر می‌گذارد، ولی اگر رابطه بین محتوا و ضریب هوشمندی را با اهداف در نظر نگیریم، قاعدتاً می‌گوییم که هوشمندی در محتوای خود، بار ارزشی ندارد! اما هوشمندی، به خصوص در دوره‌ای که برای هوشمندی جامعه جهانی به عنوان یک مجموعه به هم پیوسته و دارای وحدت، برنامه‌ریزی می‌شود، حتماً در متن محتوای خود، دارای جهت و بار ارزشی خاص است، که نه فقط در کاربری، بلکه بر محتوای فناوری‌ها سیطره پیدا می‌کند؛ این بار ارزشی عبارت است از «توسعه» و حقی که از دل آن بیرون می‌آید، همان «حق توسعه» است؛ سپس، تکلیفی بیرون می‌آید که تکلیف بسط‌سازی برای توسعه است. اگر چنین است، این اخلاق، حتماً قدرت کنترل تهدیدهای برآمده از توسعه فناوری را نخواهد داشت و طبعاً سعادت بشری را تأمین نخواهد کرد.

#### ۲/۳- تحقق توسعه همه جانبه و پایدار، در مبنای الهی

اخلاق دوم، پایگاهش عمیق‌تر از تمایلات طبیعی انسان است؛ اگر چه تمایلات طبیعی انسان را هم لحاظ می‌کند. بافت فطری انسان، فطرت توحیدی است؛ باید پایگاه اخلاق را فطرت انسان قرار دهید و بگویید اخلاق، ریشه در آن ارزشی دارد که خدای متعال، در باطن انسان قرار داده است؛ یعنی جهتی که در فطرت انسان گذاشته‌اند باید پایگاه تمایلات عمومی، و بعد، پایگاه ارزش گردد. باید سعی کنیم همان جهتی را که در فطرت است، شکوفا کنید و در مدیریت تمایلات عمومی، آنها را هماهنگ با فطرت رشد دهید. البته در این تمایلات، طبیعی انسان قرار داد، اما این تمایلات، به نفع میل به عبادت و پرسش خدای متعال، منحل می‌شود؛ یعنی اگر خدای متعال، انبیاء و حاملانی را که فرستاده تا بشر را به توحید دعوت کنند و حتی یک شرک خفی هم در انسان باقی نگذارند و او را جزء مخلصین قرار دهند، به این معناست که همه نیازهایش، به یک نیاز تبدیل شود، که همان نیاز به قرب و سجده در مقابل خدای متعال است؛ همه لحظه‌های انسان باید در یک لحظه منحل شود؛ نه اینکه لذتی از طبیعت نمی‌برد بلکه این لذت‌ها، ارتقاء کیفیت پیدا می‌کند و وجدان عمومی بشر، ارتقاء سطح می‌یابد.

اگر این امر را پایگاه اخلاق قرار دهیم طبیعتاً باید تمایلات عمومی به سمت توسعه قرب، و توسعه سجده پیش رود. آن جا هم «ارتباط» است. اساساً پایگاه قرب هم، رابطه است؛ زیرا تقریب به خدای متعال چیزی جز یک ارتباط پیچیده‌تر و متکامل‌تر نیست، که در فرآیند فلسفی، از آن به فرآیند «تولی و ولایت» تعبیر می‌کنیم. خلاصه اینکه در تقرب نیز توسعه ارتباط وجود دارد و ارتباطات اجتماعی توسعه پیدا می‌کند؛ فناوری ارتباطات نیز توسعه پیدا می‌کند، چرا که عبادت باید توسعه پیدا کند! به عبارت دیگر، این گونه نیست که بشر یا باید دنیاپرست باشد تا توسعه پیدا کند، یا خداپرست باشد و منزوی گردد! این، همان چیزی است که در فلسفه دینی غرب، به خصوص بعد از رنسانس مطرح شده، و در کلام جدید، ظهور پیدا کرده است. به عقیده ما اینکه انگیزه‌های مادی می‌تواند به «توسعه» تبدیل شود، اما انگیزه قرب و فطرت نمی‌تواند تبدیل به توسعه گردد و

فطرت همیشه انزواگرا می‌باشد، و انسان را از جامعه و حیات اجتماعی منزوی می‌کند، اندیشه باطلی است! بلکه دریافت فطرت ما مجموعه‌ای از نیازها است. ما این نیازها را باید به نحو متوازن (نه کاریکاتوریک!) شکوفا کنیم، و همین توسعه متوازن فطرت، باید مبنای اخلاق قرار گیرد. بنابراین اخلاق محوری که بر محور آن، نظام اخلاقی و نظام حقوقی و نظام دستوری شکل می‌گیرد، اخلاق قرب است؛ یعنی براساس این مبنا، اولین و محوری‌ترین گرایش انسان که همه گرایش‌ها را می‌تواند در خودش منحل سازد (نه نابود کند!) و آنها را شکوفا کرده و در یک نظام متوازن به فعلیت قطعی برساند، همان میل به ربوبیت خداوند متعال است.

ما معتقدیم که توسعه کنونی، توسعه‌ای نامتوازن است؛ یعنی از انسان یک موجود کاریکاتوریک درست کرده است، که همین عامل، اکنون در حال تبدیل شدن به انفجار معنویت در غرب است، و حتی بعد از رسیدن به توسعه، رضایت‌مندی عمومی حاصل نشده است؛ چون نیاز فطری انسان را شکوفا نکرده و انسان را کاریکاتوری، رشد داده است.

پس، رشد متوازن فطرت، پایگاه اخلاق اجتماعی است و جهت‌گیری آن قرب است؛ خداوند در انسان، میل به قرب، و سجده در مقابل خودش قرار داده است، که انسان در اوج رشد ملکوتی خودش، به اینجا می‌رسد. می‌توان این لذت و میل را مبنای هماهنگ‌سازی همه تمایلات قرار داد و همه تمایلات را شکوفا کرد و در این فرآیند منحل نمود؛ نه اینکه نابود نمود؛ نابودسازی نیاز طبیعی، نه معقول است و نه محقق شدنی؛ بلکه یا باید محور توسعه را لذت‌جویی مادی قرار داد یا توسعه سجده! اگر توسعه لذت قرب و توسعه ارتباط با خداوند اتفاق بیافتد، جامعه، توسعه پیدا می‌کند.

نکته مهم این که توسعه ارتباطات، در ماهیت اشیاء وجود دارد؛ چون یک بار، ما ذات اشیاء را جدا جدا تعریف می‌کنید و می‌گوییم انسان، انسان است یک بار می‌گوییم انسان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، و جامعه درست می‌شود، و این ارتباط، ذات انسان‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این حالت، انسان‌ها جدا ساخت دارای قدرت ارتباط گیری هستند و تکلیفشان هم در همین است؛ یعنی انسان‌ها باید دنبال توسعه ارتباط باشند، و با توسعه ارتباط، باطن آنها دستخوش تحول شده، و این تحول، تا «تمدن» که لایحه تجلی ظاهری تمایلات و اراده‌های انسانی است، ادامه می‌یابد.

اگر بخواهید یک تمدن متوازن داشته باشید، پایگاه اخلاقی این تمدن، از نظر فلسفه اخلاق، فطرت است که باید به صورت متوازن و شکوفا شود. لذا ما حق محوری انسان و جامعه انسانی در همه حوزه‌های توسعه را حق قرب می‌دانیم که هیچ کس حق ندارد بشر را از این حق محروم کند؛ نه آحاد دیگر، نه دولت‌ها، نه نهادهای بین‌المللی! بلکه همه مکلفند بستر توسعه قرب را در جهان ایجاد کنند. بنابراین، ما به جای حق توسعه، حق قرب می‌گذاریم و این را یک توسعه متوازن می‌دانیم، و گرنه، توسعه متوازن، که اکنون تعریف می‌کنند، توسعه‌ای است که ظاهرش متوازن است، اما در باطن، نامتوازن بوده و به گسترش عدالت و ایثار منتهی نمی‌گردد.

شاهد گویای آن حاکمیت یک جانبه‌ای بنابر مدیریت اینترنت و نیز حاکمیت امپراتوری‌های رسانه‌ای و خبری غرب و مدیریت بر وضعیت روانی بیم و امید جامعه جهانی از طریق تنظیم اخبار و اطلاعات است.

## ۳/۳- تحقق «ایثار» و «امنیت» در جامعه توسعه یافته دینی

توسعه متوازن بر مبنای فطرت، توسعه‌ای است پایدار، که دوام تاریخی دارد و می‌تواند ایثار ایجاد کند؛ یعنی اگر به جای اینکه نیاز طبیعی انسان را فعال کنید و آشفشانی از حرص به دنیا در او پدید آورید، فطرت توحیدی و نیاز به قرب را فعال کردید، این امر، تبدیل به اخلاق ایثار می‌شود. وقتی اخلاق ایثار را به نظام حقوقی و دستوری تبدیل کرده و ساختارسازی کردید، آن موقع، فضای امن ایجاد خواهد شد. چنین جامعه‌ای همان است که در آن، تمام انسان‌ها نهایت تلاششان را خرج می‌کنند تا بیشترین خدمت را به جامعه انسانی برسانند و کمترین برداشت را بکنند. در چنین جامعه‌ای مسلماً آن امنیت عمومی فراهم خواهد شد. البته خود این اخلاق هم ممکن است در یک منزلتی، تجارت باشد؛ یعنی انسان ایثار می‌کند تا به قرب رسد و به درجات بالاتر دست یابد؛ ولی در مرحله اوج این اخلاق، که مرحله اوج عرفان اسلامی است، انسان به جایی می‌رسی که در مسیر خود، هیچ چیز جز فداکاری کردن در راه محبوب را نمی‌خواهد و هیچ توقع و طمعی ندارد. این همان است که امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «من خدا را برای بهشت و جهنم عبادت نکردم بلکه برای خود حضرت حق (عزوجل) عبادت کردم.» در اینجا، فطرت انسان به منزلتی می‌رسد که سجده خودش هم هیچ توقعی ندارد، بلکه خود این سجده را بدهکاری به حضرت حق تلقی می‌کند. بنابراین، اگر ما بتوانیم این اخلاق را که توازونی در ارتباطات ایجاد می‌کند، مبنای توسعه قرار دهیم، بهترین کار را کرده‌ایم. این کار برای آن است که همه حیات بشر به یک سجده متکامل در مقابل خدای متعال، تبدیل شود. انسان توسعه یافته اخلاقی، می‌تواند با هزار زبان با خدای متعال، ارتباط برقرار کند که انسان توسعه نیافته، از آن کار، عاجز است.

جامعه توسعه یافته از منظر دین، جامعه‌ای است که با آهنگ‌ها و زبان‌های مختلف و با شیوه‌های گوناگون و متنوع، و در عین حال، متوازن و منسجم و هماهنگ، دائماً در حال سجده قرب در محضر خداوند متعال است و این توسعه، متفاوت با توسعه مادی است که در آن بشر دائماً در حال سجده در مقابل ماده و آثار ماده است. محوری‌ترین اصل اخلاقی، همین است که انسان، سرانجام باید در مقابل چیزی سجده کنند و این سجده او را اخلاقی کند. این سجده و خضوع است که تقوا می‌آورد. اگر آن سجده و خضوع است که تقوا می‌آورد. اگر آن سجده و خضوع که زادگاه اخلاق و ارزش، و زادگاه تمایلات و حساسیت است، سجده در مقابل آثار ماده بود، محصول آن توسعه امنیت و توسعه اخلاقی نیست. اگر شما سجده و خضوع را از باطن انسان بردارید هیچ اخلاقی در عالم، شکل نخواهد گرفت، درک از خیر و شر، متناسب با همان سجده اتفاق می‌افتد. انسان اگر در مقابل ماده سجده کرد، زیباشناسی‌اش عوض می‌شود، لذا الگوهای توسعه، زیباشناسی اخلاقی، و اخلاق اجتماعی او را تغییر می‌دهد.

اخلاق محوری، آن روح خضوع و خشوعی است که ما باید در باطن جامعه و بر محور فطرت ایجاد کنیم و توسعه متوازن فناوری اطلاعات را بر محور آن شکل دهیم، و به یک توسعه پایدار و همه جانبه متوازن دست یابیم تا بتوانیم تهدیدها را به فرصتی برای رشد عمومی جامعه بشری مبدل سازیم.

در پایان، بر این مهم باید تأکید ورزید که موضوع اصلی چالش در برخورد میان تمدن‌ها، در مقیاس جامعه جهانی، مقوله «اخلاق» است. چنانچه اخلاق الهی در محوریت توسعه جامعه اطلاعاتی جای گیرد، جامعه جهانی

راه تحقق تمدن اسلامی را خواهد پیمود؛ در غیر این صورت، با حاکمیت اخلاق مادی بر جامعه اطلاعاتی، جهانی‌سازی در پیرامون هنجارها اومانستی رخ خواهد داد. از آن جهت که توسعه فناوری اطلاعات متغیر اصلی جامعه اطلاعاتی است حاکمیت اخلاق الهی بر آن جامعه جز از طریق حاکمیت بر فناوری اطلاعات متصور نیست. بر این اساس، ما باید به سوی حاکمیت اخلاق الهی بر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات سیر کنیم که این امر در مقیاس توسعه، از طریق حضور، و مدیریت بر تولید سندهای بین‌المللی در زمینه «فناوری اطلاعات» و تنظیم نمودن آن بر مبنای «نظام تعاریف»، «نظام حقوقی» و «نظام تکالیف» متناسب با اخلاق الهی ممکن و میسر است.





## اخلاق و اعلامیه اصول نشست سران جامعه اطلاعاتی

مهندس محمد حسن انتظاری

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

Entezari@irost.org

### چکیده:

فناوری اطلاعات از جمله فناوری‌های رو به گسترش است که امروزه تمام عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است. اینترنت به عنوان تأثیرگذارترین بخش فناوری اطلاعات در حال ایجاد عمیق‌ترین آثار در جامعه جهانی است. با توسعه ارتباطات اجتماعی و توسعه ارتباطات بین جوامع، تبادل بین فرهنگ‌ها نیز توسعه می‌یابد که پیامدهای مؤثر و جدی به دنبال دارد. باورها، ارزش‌ها، معیارهای اخلاقی، اعتقادات و ایدئولوژی‌های جوامع گوناگون در ارتباط نزدیک‌تری با یکدیگر قرار می‌گیرند و تأثیر و تأثر جدی بر یکدیگر می‌گذارند. لذا مباحث اخلاقی نیز در سطح بین‌المللی بصورت جدی‌تری مورد توجه قرار گرفته‌اند.

سران کشورها در نشست سران جامعه اطلاعاتی\* که در سال ۲۰۰۳ در ژنو برگزار گردید در اعلامیه اصول خود به این مطلب پرداخته‌اند. اعلامیه مزبور سعی می‌کند معیارهای سیستم اخلاقی مورد نیاز جامعه اطلاعاتی را ارائه نماید.

در این نوشته تلاش می‌شود به بعضی از جوانب بحث اخلاق در جامعه اطلاعاتی از دید اعلامیه اصول و دیدگاه‌های جوامع مختلف راجع به آن پرداخته شود. و رابطه آن با پدیده جهانی‌سازی چالش‌هایی که در پیش روی جامعه ما است مورد بررسی قرار گیرد.

\* World Summit on Information Society, WSIS

## مقدمه

با توسعه تکنولوژی ارتباطات و مخابرات از یک سو، و توسعه تکنولوژی کامپیوتر و نرم‌افزار از سوی دیگر و تحولات شگرفی که در تکنولوژی میکرو الکترونیک پدید، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات \* (ICT) ظهور کرد که موجب پیدایش سریعترین و بی‌سابق‌ترین تحولات در عرصه زندگی اجتماعی انسان گردیده است. با ظهور این فناوری، "عصر اطلاعات" و "جامعه اطلاعاتی" (اگر این نامگذاری صحیح باشد) در حال شکل‌گیری است، که خود تأثیرگذاری بنیادی را در جوامع در پی دارد. به عبارت دیگر فناوری اطلاعات و به تبع آن اینترنت هم یک "فناوری توانمند سازی" است و هم یک "فناوری ساختار ساز" اجتماع [۱]. ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی به صورت گسترده‌ای با فلسفه، ایدئولوژی، جامعه‌شناسی، باورهای دینی، سیاست، علوم و فناوری پیوند دارد.

از سوی دیگر فناوری اطلاعات و اینترنت تا حد بالایی موتور محرکه جهانی سازی (یا جهانی شدن) است. و اینترنت در حال تبدیل شدن به اصلی‌ترین بزرگراه ارتباطی جوامع است. زمینه بسیاری از موارد اجتماعی از جمله اخلاق در حال جابجایی از زمینه‌های ملی به بین‌المللی است.

آیا می‌توان معیارها و باورهای اخلاقی یک جامعه را در جامعه اطلاعاتی جهانی برای تمام جوامع بکار گرفت؟ آیا امکان ایجاد یک "سیستم اخلاقیات مشترک" [۲] وجود دارد؟

مباحث اخلاقی متنوع که در جامعه اطلاعاتی جهانی و در محیط اینترنت مطرح می‌شوند مباحث متعددی هستند از قبیل: اخلاق در ارائه اخبار و شایعات، سایتهای توسعه تنفر سایتهای غیر اخلاقی، حقوق مالکیت معنوی، امنیت فردی، محرمانگی اطلاعات اخلاق در کسب و کار و امثالهم. تمام این موارد، مباحثی هستند که "حساس از نظر ارزشی" به شمار می‌روند. و لکن "معیارهای ارزشی" در جوامع مختلف متفاوت است. در جهانی که تعاملات گوناگون جوامع با یکدیگر روز به روز بیشتر می‌شود و تعاملات فرهنگی جوامع به بیشترین وجه انجام می‌شود، با چالش‌های فرهنگی و اخلاقی در پیش رو چگونه برخوردی باید داشت؟

\* Information and Communication Technology, ICT

[۱] – Jereon Vanden Hoven, Ethics and Information Technology magazine

[۲] – Bernard Gert, Ethics and Information Technology Magazine

## نشست سران جامعه اطلاعاتی

### World Summit On Information Society (WSIS)

با توسعه فناوری اطلاعات سطوح اجتماعی جوامع مختلف ، و گسترش اینترنت بعنوان بزرگراه ارتباطات بین‌المللی ، اتحادیه جهانی مخابرات در کنفرانس چهار سالانه خود در ۱۹۹۸ مینیا پولیس از دبیر کل سازمان ملل متحد درخواست کرد به منظور ساماندهی مسائل مربوط به جامعه اطلاعاتی و تدوین دیدگاه مشترک درباره آن نشست سران کشورها تحت عنوان " نشست سران جامعه اطلاعاتی " برگزار نماید. مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب این درخواست طی قطعنامه‌ای ، برگزاری نشست مزبور را در دو مرحله تصویب نمود که مرحله اول آن در دسامبر ۲۰۰۳ در ژنو و مرحله دوم آن در نوامبر ۲۰۰۵ در تونس برگزار شود.

#### شرکت کنندگان در اجلاس مزبور عبارتند از :

۱. دولت‌ها
۲. بخش خصوصی و شرکتهای تجاری
۳. جامعه مدنی
۴. سازمانهای بین‌المللی

اجلاس دسامبر ۲۰۰۳ ژنو با حضور سران بیش از ۸۰ کشور جهان ، و فعالان جامعه مدنی و بخش خصوصی و سازمانهای مهم بین‌المللی از جمله ICANN ، ITO ، و یونسکو برگزار گردید. مباحث مهمی در این اجلاس مطرح شده است ، که در روابط آینده کشورها و جوامع با یکدیگر بسیار تأثیرگذار است و شایسته است در سطح ملی مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد. اجلاس ماه دسامبر ۲۰۰۳ سران جامعه اطلاعاتی با ارائه دو سند به کار خود پایان داد

۱. اعلامیه اصول [۳]
۲. برنامه عمل [۴]

#### اعلامیه اصول WSIS با شمار " ایجاد جامعه اطلاعاتی ، چالش جهانی در هزاره جدید " به موارد زیر می‌پردازد :

۱. دیدگاه مشترک سران راجع به جامعه اطلاعاتی
۲. اصول اساسی در جامعه اطلاعاتی
۳. به سمت جامعه اطلاعاتی برای همه ، بر مبنای دانش مشترک

در هر یک از موارد فوق اعلامیه به موارد جزئی‌تری می‌پردازد. مهمترین موضوعاتی که به بحث ما مربوطند عبارتند از :  
\* اعلامیه اصول در بند اول خود اعلام می‌دارد جامعه اطلاعاتی جامعه‌ای " مردم - محور ، فراگیر ، و توسعه‌گرا خواهد بود و در آن " هر کس می‌تواند اطلاعات و دانش تولید کند و یا به آنها دسترسی داشته باشد و از آنها استفاده کند و آنها را به اشتراک همگان بگذارد " تا از این طریق " اشخاص و جوامع توانمند شوند " .

[۳] Declaration of Principles , Document WSIS – 03 / Geneva / Doc / 4-E , 12 Dec. 2003

[۴] Plan of Action , Document WSIS – 03 / Geneva / Doc / 5-E , 12 Dec. 2003

\* در بند ۴ اعلامیه ، "حق آزادی بیان و آزادی عقیده ، حق جستجو ، دریافت و بهره‌مند شدن از اطلاعات از طریق هر رسانه‌ای بدون توجه به مرزها مورد تأیید قرار گرفته است."

\* در بند ۱۷ اعلامیه ذکر شده است که " ساخت یک جامعه اطلاعاتی فراگیر نیاز به شکل جدید همبستگی ، مشارکت و همکاری بین دولت‌ها و سایر اعضای ذیتفع جامعه از جمله بخش خصوصی ، جامعه مدنی ، و سازمان‌های بین‌المللی دارد"

موارد مزبور بعضاً بر پایه منشور سازمان ملل و نیز بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین یافته ، لکن چند عامل جدید نیز با صراحت و یا تلویحاً ذکر شده‌اند که می‌توان به بعضی از آنها اشاره کرد :

- حق آزادی بیان و عقیده ، دریافت و جستجوی اطلاعات از هر طریق هر رسانه بدون توجه به مرزها

- حضور بخش خصوصی ، جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی در تصمیم‌گیری‌های جهانی با توجه به روند رو به شتاب "جهانی‌سازی"

و توسعه فرآیند "خصوصی‌سازی" و توسعه معنادار سازمان‌های "جامعه مدنی" و نقش روزافزون سازمان‌های بین‌المللی ، ادبیات حاکم بر اعلامیه اصول معنای خاص خود را پیدا می‌کند و گفتمان حاکم بر آن روشن‌تر می‌نماید. در واقع این‌ها عوامل اصلی "جهانشمول‌سازی" و "جهانی‌سازی" هستند که در بخش دیگر این نوشته به آن خواهیم پرداخت.

در بخش دوم اعلامیه اصول ، یعنی بخش اصول اساسی \* جامعه اطلاعاتی نیز مواردی است که به بحث ما مربوط می‌شود از جمله :

- در بند ۲۰ اعلامیه به اهمیت نقش دولت ، و نیز بخش خصوصی ، جامعه مدنی ، سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی و مسئولیت آنها در توسعه جامعه اطلاعاتی و فرآیند تصمیم‌گیری در این جامعه و لزوم تلاش مشترک آنها در جامعه اطلاعاتی تصریح می‌کند.

- دسترسی به اطلاعات و دانش برای همگان در بندهای ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ و ۲۸ مورد تأیید و تأکید اعلامیه قرار گرفته است.

- از مهمترین مواردی که دغدغه کشورهای در حال توسعه است و در اعلامیه در چندین بند به آن اشاره شده ، مسئله مدیریت اینترنت \*\* است در بند ۴۸ اعلامیه اصول تأکید شده است که مدیریت اینترنت از مباحث اصلی جامعه اطلاعاتی است ، که در آن باید دولت‌ها ، بخش خصوصی ، جامعه مدنی ، و سازمان‌های بین‌المللی درگیر شوند ، و علاوه بر توزیع یکسان منابع اینترنتی ، "چند زبانی" \*\*\* نیز باید در نظر گرفته شود.

#### ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی در اعلامیه اصول

بندهای ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ و ۵۹ از بخش اصول اساسی اعلامیه اصول به ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی می‌پردازد که با توجه به اهمیت آن عیناً در این جا درج می‌شود.

\* Key Principle

\*\* Internet Governance

\*\*\* Multilingualism

بند ۵۶- یک جامعه اطلاعاتی باید به صلح احترام بگذارد و ارزش‌های بنیادی شامل آزادی، برابری، اتحاد، تساهل، احترام به سرشت صبیعی و مسئولیتهای مشترک را حمایت و تقویت نماید.

بند ۵۷- ما اهمیت اخلاقیات در جامعه اطلاعاتی را برای رشد عدالت و هویت و ارزش نوع بشر تأیید می‌کنیم. بیشترین حفاظت از خانواده و توانا ساختن آن برای ایفا نمودن نقش حیاتی و مهم آن در جامعه باید صورت پذیرد.

بند ۵۸- آزادی استفاده از فناوری اطلاعات و ایجاد محتوی باید با احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی دیگران، شامل حفظ حریم خصوصی افراد، آزادی اندیشه، عقیده و مذهب، مطابق با اسناد بین‌المللی مربوطه باشد.

بند ۵۹- تمام نقش‌آفرینان و فعالان جامعه اطلاعاتی باید از طریق فعالیتهای مناسب و اقدامات پیش‌گیرنده، مطابق با قانون، از استفاده نادرست از فناوری اطلاعات، مانند فعالیتهای غیر قانونی مربوط به اعمال نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ترسی و تعصبات مربوط به آن، نفرت، خشونت و انواع شکل‌های سوء استفاده از کودکان، و انواع استفاده و بهره‌برداری از نوع بشر را جلوگیری کنند.

در سند "برنامه عمل" اجلاس WSIS، در بند ۲۵ برنامه کاری برای پیاده‌سازی "ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی" آمده است:

بند ۲۵- جامعه اطلاعاتی باسد مبتنی بر "ارزش‌های مشترک جهانی و در پی ترویج و ارتقاء منافع عمومی و جلوگیری از سوء استفاده از فناوری اطلاعات و مخابرات (ICT) باشد

- در بندهای دیگر این قسمت آمده است که باید برای اجرای آنچه در بندهای مربوط در اعلامیه اصول ذکر شده، قدم‌های اجرایی برداشته شود.

#### دغدغه‌های کشورهای جنوب

کشورهای جنوب دغدغه‌های خود را به انحاء گوناگون در برابر هجوم کشورهای شمال و پدیده جهانی‌سازی ابزار داشته‌اند و تلاش کرده‌اند در گوشه و کنار سند اعلامیه اصول نگرانی‌های خود را به نوعی ابزار نمایند. بعضی از این دغدغه‌ها عبارتند از:

- حفظ حاکمیت ملی
- حفظ هویت ملی
- حفظ تنوع فرهنگی
- حفظ تنوع زبانی
- اخلاق
- دسترسی برابر به اطلاعات
- دسترسی برابر به فناوری

## جهانی شدن / جهانی سازی ، و اینترنت

جهانی شدن ، بی شک اصطلاح متداول دهه حاضر است ، جهان در حال تحول در عرصه اقتصاد ، سیاست و فرهنگ در سطح جهانی است جهانی شدن پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست ، بلکه تمام جنبه‌های فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی بشر امروز را در برمی‌گیرد. نه تنها کالا ، خدمات و سرمایه در سطح بین‌الملل به آسانی به گردش درمی‌آید ، بلکه افکار ، عقاید ، و فرهنگ‌ها نیز بی حد و مرزتر از گذشته مبادله می‌شود . [۵] جهانی شدن پدیده‌ای است سازمانهای بین‌المللی عهده‌دار بسیاری از وظائف سازمانهای ملی در کشورها خواهند شد [سازمان تجارت جهانی WTO]

برژنیسکی مشاور امنیت ملی کارتر اعلام می‌کند "که ظهور "دهکده جهانی" امروز در پهنای انقلاب عظیم تکنولوژی ، در شرف تحقق است. با رنگ باختن مرزها ، جوامع به سمت ملحق شدن به نوعی جامعه شبکه‌ای پیش می‌روند." [۶]

واقعیت این است که جهانی شدن یا جهانی سازی ارتباط تنگاتنگی با فناوری اطلاعات و اینترنت دارد. و به عبارتی اینترنت موتور جهانی‌سازی است "جهانی شدن به معنای آزادی مطلق کسب و کار ، برداشته شدن تمامی موانع ، جریان یافتن سهل و ساده سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه‌ها و حرکت روان اطلاعات امور مالی و خدمات و بالاخره تداخل فرهنگی ، آن هم به سوی یکسان شدگی و یک دستی." [۷]

شرکتهای چند ملیتی و فراملیتی مثال بارز پدیده جهانی شدن هستند که فعالیت خود را به سطح جهانی رسانده‌اند.

## جهانی سازی و جامعه مدنی جهانی

همراه با تحولات مزبور، جهانی شدن خود را با ایده "جامعه مدنی جهانی" مطرح کرده است. موضوع "جامعه مدنی" ایجاد یک فضای مستقل در رابطه (ویا در تقابل) با تصمیمات دولت در سطح بین‌المللی از طریق سازمان‌ها و گروه‌های غیر دولتی است. با افزایش چشمگیر مراودات فردی و اقتصادی در سطح جهانی، ابعاد ارتباطی و اجتماعی جدیدی از نظر اقتصادی، سیاسی و فردی دارد ایجاد می‌شود، ولی "آنچه واضح است، این است که در وضع کنونی جهانی، اغلب سازمان‌های غیر دولتی در همه رشته‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، اجتماعی و فرهنگی بدون تردید در دست و کنترل کشورها و ملت‌های غرب به ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا بوده، چنان که دولت‌های آنها در صحنه روابط بین‌الملل صیانت دارند" [۸]

"جهانی شدن در حال حاضر با شیوه و الگوی آمریکایی که الگوی مسلط است، همخوانی دارد و همین نکته است که نگرانی و ترس برخی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و نیز کشورهای آسیایی را از جهانی شدن به معنای کنونی برانگیخته است. از دید ایالات متحده آمریکا، با قدرت نظامی و اقتصادی و نیز قدرت ارتباطات و تکنولوژی پیشرفته‌ای که دارد، کشوری است که توان تسلط بر جهان و تحمیل الگوی خود بر سایر کشورهای جهان را دارد و از آن جهت که کشور آمریکا پایگاه نظام سرمایه‌داری جهانی است، بنابراین جهانی شدن، در مفهوم عام آن، همان سرمایه‌داری و در مفهوم خاص آن، آمریکا شدن جهان است." [۹]

## جهانی‌سازی و پست مدرنیسم

از سوی دیگر بعضی نظریات حاکی از آن است که جهانی‌سازی بخشی از فرآیند بازاندیشی مجدد در سیاست و نظریات اجتماعی است و در واقع بخشی از فرآیند تحول از مدرنیسم به دوران پست مدرن است. بیاد آوریم که "مباحث مربوط به پست مدرنیسم از دهه ۱۹۷۰ بکار برده شده و امروز در قالب یک مکتب و مرام جلوه‌گر شده و نماینده روح حاکم بر تفکر امروز غرب در ساحت‌های گوناگون است." [۱۰]

نسبی‌گرایی ویژگی پست مدرنیسم است. نفی کلیت و جامعیت هر گونه فکر، عقیده و اندیشه، بی‌اعتباری ایدئولوژی، عدم وجود معیار و استاندارد معینی در مورد باورها از خصوصیات پست مدرنیسم است.

## ما و اخلاق در جامعه اطلاعاتی

آیا اینترنت و فناوری اطلاعات از طریق جهانی‌سازی، اخلاق مورد نظر سرمایه‌سالاران را با پشتوانه فلسفی نظریات پست مدرن، بر جهان حاکم خواهد کرد؟

این چالشی است که پیش روی ما است.

[۸] و [۹] - دکتر حمید مولانا، جامعه مدنی و جهانی‌سازی، کیهان، ۱۱ تیر ۱۳۸۴

[۱۰] - تاریخچه نسبی‌گرایی در فلسفه علم، کیهان، ۷ تیر ۱۳۸۴





## دهکده جهانی و تهاجم فرهنگی

### بازار پیام و تداخل فرهنگی\*

دکتر مهدی محسنیان‌راد

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

Mohsenianrad@isu.ac.ir

#### چکیده:

از نیمه دوم قرن بیستم، برای تبیین رابطه فرهنگ و رسانه‌ها، از واژه قدیمی امپریالیسم استفاده و اصطلاح تهاجم فرهنگی (Cultural Imperialism) ساخته شد. اما به تدریج و با شکل‌گیری فن‌آوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی (ICT) و بوجود آمدن دهکده جهانی (Global Village) واژه‌های جدیدی جایگزین تهاجم فرهنگی شد. اصطلاحاتی چون، آمریکایی‌شدن (Americanization)، بی‌ملیت‌شدن (Denationalization) حاشیه - مرکزشدن (center - periphery) و جهان - منطقه‌ای‌شدن (Glocalization). به زودی با عمومی‌شدن کاربری سخت‌افزاری‌های ICT و رخنه‌بزهکاران به فضای سایبر، اصطلاحاتی چون جرایم سایبر (Cyber crime) وارد ادبیات غرب شد و مصلحان اجتماعی کشورهای مذکور را نگران پیامد تحولات مذکور نمود. اما ابعاد این نگرانی‌ها در کشورهای مشرق‌زمین بسیار وسیع‌تر از جرایم سایبر بود زیرا آنها با نفوذ فرهنگ‌هایی مواجه شده بودند که دارای تفاوت‌های اساسی با نظام ارزشی آنها بود. در نتیجه اصطلاحاتی چون تهاجم فرهنگی (Cultural Invasion) وارد ادبیات ارتباطات در این مناطق شد. و اینجا بود که اخلاق فن‌آوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی (Ethics of Information Communication Technology) با دو مفهوم متفاوت، موضوع سمینارهای شرق و غرب شد. مقاله‌کوشش خواهد کرد که رابطه فرهنگ و رسانه‌ها را در جهان معاصر (دهکده جهانی) و جهان پیش‌رو (بازار پیام) نشان دهد:

- ۱- اکثر آنچه در دهکده جهانی در حال اتفاق است، پدیده‌ای است ناشی از یک فرایند تاریخی که اصطلاح «تهاجم» برای آن صحیح نیست و پروسه حاضر، تفاوت‌های اساسی با ساز و کار «تهاجم از نوع نظامی» دارد. (البته به هنگام اجرای پروژه‌های خاص پروپاگاندایی در دهکده جهانی، عواقبی به مراتب ماندگارتر از تهاجم‌های نظامی روی می‌دهد).
- ۲- عصر دهکده جهانی، ظرف چند دهه آینده به پایان خواهد رسید و دوران جدیدی آغاز خواهد شد که مقاله آن را «بازار جهانی پیام» نامیده است.
- ۳- در بازار جهانی پیام، انسان با وسیع‌ترین تکرار پیام در طول تاریخ مواجه خواهد شد و به بالاترین توان «گزینشگری» دست خواهد یافت. در آن بازار باید به جای اصطلاح تهاجم فرهنگی از اصطلاح جدیدی به نام

«تداخل فرهنگی» (Cultural Interference) استفاده کرد که مبنای آن هنجارهای عطاران کهن بازار های مشرق زمین است. اصطلاحی که به جای منفی شمردن یک پدیده در مقایسه با پدیده ای دیگر (مثلاً منفی شمردن خربوزه در مقابل عسل) به هشدار در باره تداخل مصرف آن پدیده ها با یکدیگر می پردازد.

\* توضیح: اصل نظریه بازار پیام با عنوان Globalization, Culture and Message Bazaar تا کنون در کشورهای مجارستان، اسپانیا و آمریکا منتشر و نسخه فارسی آن در کتاب زیر چاپ «ایران در چهار کهکشان ارتباطی» در حال انتشار است.

کلید واژه ها: جهانی شدن - تهاجم فرهنگی - بازار جهانی پیام - تداخل فرهنگی.

#### مقدمه:

اگر تاکنون، از رسانه های انبوه (Mass Media) صحبت می شد، اکنون در شرایط جهانی شدن، به سویی می رویم که می توان به جای رسانه های انبوه (Mass Media) از ارتباط گران انبوه (Mass Communicator) سخن گفت.

تا قبل از آغاز جهانی شدن، رسانه ها با انبوهی مخاطب و تقریباً در یک شرایط «ارتباط یکسویه» قرار داشتند. در حالی که در آینده ای نزدیک، هر کدام از مخاطبان سابق، می توانند ارتباط گرانی باشند که بنا به میل، امکانات و توانایی های خود، سهمی از هر دو نقش «گیرنده» و «فرستنده» را ایفا کنند.

ایفای هر دو نقش دهنده و گیرنده اطلاعات، شرایط جدیدی را فراهم خواهد کرد که به شدت ویژگی فرهنگی دارد و این همان سخن کلیفورد گیرتز (C. Geertz) است که به هنگام تعریف فرهنگ می گوید: «فرهنگ در جوهره خود، اطلاعاتی است که گروهی در آن شریکند» او می افزاید خصلت اطلاعات به خلاف اشیاء آن است که دهنده، آنچه را که داده می تواند برای خود نیز حفظ کند. (۱)

به این خصلت بسیار مهم، می توان خصلت دیگری را نیز افزود و آن اینکه وقتی کالایی مبادله می شود، معمولاً ماهیت کالا، برای دهنده و گیرنده مشابه و ثابت است، در حالیکه در مبادلات فرهنگی، مشابهت ماهیت کالای مورد مبادله در نظر دهنده و گیرنده قطعی نیست. زیرا فرهنگ ها دارای نظام ارزشی (Social Value) مشترک نیستند، همانطور که هنجارهای اجتماعی (Social Norm) و حتی اخلاق اجتماعی (Social moral) آنان با یکدیگر مشابه نیست و در واقع نسبت بر مبادلات آنان به شدت حاکم است. (۲ و ۳)

اگر وضعیت فعلی "جهانی شدن" را "شرایط در گذر" بدانیم و عصر بعدی را دورانی مجسم کنیم که با توسعه فن آوری های رقومی، و ابداع روش های جدید انتقال، ذخیره و پردازش اطلاعات و توسعه استفاده از هوش مصنوعی در زبان شناسی، شرایطی فراهم شود که ساکنان کره زمین بتوانند با دستگاه های کوچک ترجمه همزمان و بدون حضور هر گونه دیوار و دروازه بانی، جابجایی پیام را در باندهای پهن انجام دهند، آنگاه موضوع نسبت ارزش ها نمود بسیار بیشتری خواهد یافت.

نگاه بدبینانه در تبیین جهانی شدن با بکارگیری اصطلاح قدیمی امپریالیسم فرهنگی (Cultural Imperialism) آغاز و به تدریج اصطلاحات دیگری وارد ادبیات ارتباطات شد. اصطلاحاتی چون، آمریکایی شدن (Americanization)، بسی ملیت شدن (Denationalization) حاشیه - مرکز شدن (center - periphery)، جهان - منطقه ای شدن (Glocalization) و دچار تهاجم فرهنگی شدن (Cultural Invasion) و ... .

می دانیم که اصطلاح "امپریالیسم فرهنگی" پیشینه ای دیرینه دارد و می توان آنرا در گزارش ۱۹۸۰ "چند صدا، یک جهان" (۴) و گزارش ۱۹۸۵ "جریان بین المللی برنامه های تلویزیونی - یک خیابان یکطرفه" (۵) یونسکو نیز دید. طی سال های بعد نیز هرگاه بحث امپریالیسم فرهنگی مطرح می گردید، موضوع سلطه تولیدات رسانه ای آمریکا، بویژه سینمای هالیوود به میان کشیده می شد. (۶)

برخی از اندیشمندان، وضعیت آینده را نوعی همپوشی فرهنگی (Cultural Overlap) و توسعه پدیده دورگه ای فرهنگی (Cultural hybridity) دیده و اصطلاح جدید "جهانی - منطقه ای شدن" (glocalization) را بکار برده اند.

بحث تأثیر رسانه ها در شکل گیری تصورات ذهنی مشترک، از اواسط دهه ۱۹۸۰ و از هنگام حضور تلویزیون ماهواره ای (DBS) در منازل آغاز شد که باعث گردید افراد - بدون دروازه بانی و مداخله دولت ها - بیشتر از گذشته درک کنند که چیزهایی فراتر از فرهنگ محلی (local culture) آنها نیز وجود دارد، بدون اینکه با آن فرهنگ، هیچگونه ملاقات چهره به چهره ای داشته باشند. یکی از پیامدهای این امر، تقویت حس "ما بودن" (we-ness) یا همان "هویت فرهنگی" (cultural identity) است.

اصولاً هویت فرهنگی در دل تاریخ و پیشینه فرد قرار دارد. ضمن آنکه مانند هر پدیده دیگر مرتبط با تاریخ، جاری، پویا (fluid and dynamic) در حال تغییر است.

جهانی شدن سبب شده که هویت های فرهنگی، بیش از گذشته، هویت های فرهنگی دیگر را بطور مجازی لمس کنند. پیش بینی می شود که این امر در آینده منتهی به آن شود که واژه "دورگه" که یک اصطلاح ژنتیکی بود (مثلاً جوانی که پدرش فرانسوی و مادرش چینی است) وارد فرهنگ شود.

استوارت هال (Stuart Hall) معتقد است که فرایند جهانی شدن، پیامدهایی برای هویت فرهنگی دارد که مهمترین آن، تسلیم هویت های ملی (national identity) و مقاومت هویت های محلی (local identity) است. این شرایط منتهی به پدیده ای خواهد شد که می توان آنرا هویت دورگه ای فرهنگی (cultural identity of hybridist) نامید. (۷) هویتی که می توان در غذای برخی رستوران های چینی موجود در کشورهای مختلف دید که عملاً بجای پختن غذای واقعی چینی، غذایی می پزند که فرهنگ چینی و کشور میزبان، هر دو در آن است. (۸)

رابرتسون، در سال ۱۹۹۴، این بحث را مطرح کرد که فرایند "رستوران های پیوندی" در حال وقوع در جهانی شدن و نفوذ فرهنگی است. فرایندی که می توان "جهان - محلی شدن" نامید و مثال قدیمی آن را اجراهای متفاوت آثار شکسپیر در کشورهای مختلف دانست. (۹)

منفی ترین جهت گیری در باره تحولات جهانی شدن، بکار گیری اصطلاح «تهاجم فرهنگی» است که از سوی سیاست مداران و مصلحان اجتماعی ایرانی، مصری و سایر جوامعی شنیده می شود که در گذشته، سلطه خارجی، آسیب های جدی بر ثروت های مادی و معنوی آنها وارد کرده و از نظر نظام ارزشی نیز با غرب تفاوت دارند.

آیا فرایند جهانی شدن تا چه حد مشابه جریان تهاجم نظامی است؟

به نظر می رسد که میان تهاجم فرهنگی با تهاجم نظامی، سه شباهت ظاهری وجود داشته باشد: شباهت اول فاصله ارسال است. می دانیم که جنگ جهانی اول را آغاز دوران جنگ های نوین می دانند که اساس آن بر رزم دور به جای رزم نزدیک نهفته بود و در واقع مجموعه ای از فن آوری های نوین، به صورت اقدامات لجستیکی همراه با انواع استراتژی ها و تاکتیک های نظامی، تسلط آن را بر فاصله ممکن ساخت. [به جای نبرد تن به تن با شمشیر، یا شلیک با تفنگ به سوی هدفی که به چشم می آید، استفاده از انواع توپ های دوربرد و بمباران های هوایی تا استفاده از موشک های بالستیک بین قاره ای] (۱۰) این پدیده در حوزه ارتباطات نیز اتفاق افتاده و انسان توانسته به کمک فن آوری های ICT، توانایی بی نظیری در دستیابی به فواصل بسیار دور برای ارسال همزمان صوت، متن و تصویر متحرک دست یابد. در واقع در عصر حاضر هر دو (جنگ افزارها و رسانه ها) توانسته اند بر فاصله غلبه کنند.

دومین شباهت، مربوط به شیوه های عبور از موانع است. در حوزه نظامی، روزگاری بود که استفاده از خندق، سیم خاردار و انواع موانع دیگر، بازدارنده تهاجم نظامی می شد، در حالی که سالهاست موانع مذکور کارکرد خود را از دست داده و موشک های بالستیک از قاره ها عبور می کنند. در حوزه ارتباطات نیز دیوار آهنی عصر مائو، آخرین نمونه قرن بیستمی بازدارنده محسوب می شد که اگر دوران او مصادف با حضور در دهکده جهانی می شد، ایجاد آن دیوار آهنی مجازی امکان پذیر نبود. اکنون ICT خصلت عبور از تمامی مرزها و دیوارهای آهنی را به دست آورده است. این خصلت طبعاً مغایر با محدوده تعریف شده اقتدار چنین حکومت هایی است. ضمن آنکه نگرانی آنها، مشابه همان تجسم ورود موشک های بالستیک از قاره های دیگر است.

سومین شباهت، بسیار کم رنگ است و آن موضوع تفاوت میان «اشغال» با «حاکمیت» در هر دو نوع تهاجم است. تهاجم نظامی می تواند به اشغال منتهی شود. ادبیات علوم سیاسی، اشغال (Occupation) را به عنوان یکی از پیامدهای تهاجم، به صورت استقرار سلطه تعریف می کنند و توضیح می دهند که استقرار سلطه به مفهوم انتقال حاکمیت نیست. بطوریکه در شرایط اشغال، حاکمیت امور انتظامی و حتی قضایی می تواند کماکان بدون تغییر باقی بماند. به همین ترتیب، استمرار آنچه را که تهاجم فرهنگی می نامیم می تواند، با همان خصلت عدم حاکمیت، منتهی به اشغال فرهنگی شود. پدیده ای که در برخی از جوامع نوپای آسیا مانند سنگاپور، ظرف مدت ۵۰ سال روی داد. (وقتی برای کنفرانسی در سنگاپور بودم، دکتر عباس ملک زاده، استاد علوم ارتباطات در دانشگاه هوارد می گفت، اینجا همه چیز مثل آمریکا است.)

اما سوای این شباهت ها، به نظر من پنج تفاوت اساسی میان تهاجم نظامی و پدیده ای که آن را تهاجم فرهنگی می گویند، وجود دارد که اهمیت و نقش آنها به مراتب بیش از شباهت هاست:

۱- تفاوت در تعداد عناصر: می دانیم که تهاجم عبارت است از تاخت و تاز نیروهای مسلح یک کشور، در مناطق مرزی کشور دیگر، به قصد جنگ افروزی. جنگ نیز رفتار و عملی قهری است که منظور از آن، مجبور ساختن خصم به اجرای اراده ماست. (۱۱) در تهاجم، حداقل دو نیرو وجود دارد؛ اول، نیروهای بیگانه یا مهاجم و دوم نیروهای خودی یا مدافع. در حالی که در تهاجم فرهنگی به جای دو عنصر، سه عنصر وجود دارد؛ اول، نیروی مهاجم که همان «ارتباط گر» یا منبع پیام وابسته به منابع قدرت است. دوم، رهبرانی از جامعه مورد تهاجم که به درک وقوع تهاجم می رسند و سوم، ارتباط گیران یا توده های گیرنده که عملاً گزینش گر پیام هستند.

در جنگ، هر دو نیرو در تلاش بیشترین آسیب به طرف مقابل و کمترین آسیب به خود هستند. (۱۲) در حالی که در تهاجم فرهنگی، تعبیر عنصر دوم آن است که تلاش عنصر اول در تأثیرگذاری بر عنصر سوم، عملاً اعمال بیشترین آسیب بر عنصر دوم، به منظور حفظ منافع عنصر اول است.

۲- تفاوت در نقش ها: مهمترین تفاوت، مربوط به نقش های عناصر تشکیل دهنده تهاجم فرهنگی با تهاجم نظامی است. در تهاجم نظامی، هنگامی که مهاجم شلیک می کند، مدافع در پذیرش گلوله به خود تمایلی ندارد و قطعاً در تلاش نفی فیزیکی و معنوی آن است. در حالی که در تهاجم فرهنگی، عنصر سوم یا همان توده های مردم که به تعبیر عنصر اول، نشانگاه اصلی این تهاجم هستند، می توانند در پذیرش یا عدم پذیرش این گلوله ها اراده نماید و حتی در نفوذ این گلوله ها بر تن خود اشتیاق نشان دهد.

در تهاجم نظامی، گلوله گلوله است در حالی که در تهاجم فرهنگی، حتی میزان باور مردم به منشاء شلیک، یعنی وسایل ارتباط جمعی بیگانه و خودی می تواند در تعبیر گلوله موثر باشد. آن چنان که در دوران انقلاب اسلامی، توده های مردم، صدای رادیوهای بیگانه را خودی تر از صدای رادیوی رژیم شاه می دانستند.

در واقع در تهاجم نظامی، طرفین متفق القول هستند که گلوله هایی که شلیک می شود مخرب است در حالی که در تهاجم فرهنگی الزاماً چنین اتفاق نظری میان عناصر سه گانه وجود ندارد. به گونه ای که ممکن است مهاجم، همان گلوله هایی را که به سوی عنصر سوم وابسته به مدافع شلیک می کند، به خود نیز شلیک کند.

می دانیم در گذشته این باور وجود داشت که عنصر سوم، یعنی مخاطبان وسایل ارتباط جمعی، در مقابل این وسایل، نقشی انفعالی دارند. اما می دانیم که مخاطبین رسانه ها، می توانند گزینش پیام کنند، جذب پیام شوند و یا حتی به آن پشت کنند. آنگونه که در ماه های آخر حکومت رژیم شاه در ایران، مردم رو به دیوار نوشته ها و پشت به تلویزیون شاه ایستادند. (۱۳) در واقع اکثر تحقیقات چند دهه اخیر در باره مقوله برجسته سازی (Agenda Setting) و تمامی کتابهای شیوه های اقناع، اثبات کننده رفتار غیرانفعالی مخاطبین در مقابل رسانه هاست.

۳- تفاوت در مدت پویایی تهاجم: شکل گیری ارتباطات چند رسانه ای و در واقع توسعه تکنولوژی های اطلاعاتی - ارتباطی، پهنه گزینش عنصر سوم را بسیار وسیع تر کرده است و شکل های تازه ای از دریافت شلیک را فراهم ساخته که دور از چشم عنصر اول و عنصر دوم، از طریق ارتباطات میان انسانی، انسانی و رقومی و میان رقومی، امکان پذیر شده است.

در تهاجم نظامی، عناصر اولیه و دوم، به طور مشترک فعالیتی را شروع می کنند و تا هر دو به توافق نرسند یا یکی، دیگری را نابود نکند، توقف روی نمی دهد. در حالی که در پدیده ای که تهاجم فرهنگی می گوئیم، سوای آنکه هر سه عنصر، هر گاه اراده کنند، می توانند صحنه تهاجم را ترک کنند، بلکه عنصر سوم می تواند بدون عنصر اول و دوم، خود به مبادله پردازد. نمونه بارز این پدیده و بلاگ ها هستند. در وبلاگ ها، به خلاف نبردهای نظامی، هیچ تعهدی برای استمرار نیست. در تهاجم نظامی فرار هر سرباز از میدان نبرد، منتهی به تیرباران او از سوی نیروهای خودی خواهد شد، در حالی که در وبلاگ ها، هر آن ممکن است فرد، میدان مبادله را ترک کند.

۴- تفاوت در نقش های موازنه قدرت: در تهاجم نظامی، هر چقدر تفاوت قدرت طرفین بیشتر باشد، احتمال وقوع اشغال بیشتر خواهد بود. در حالی که در تهاجم فرهنگی، موازنه قدرت الزاماً مانع تداوم تهاجم نخواهد شد.

۵- آخرین تفاوت میان تهاجم نظامی و تهاجم فرهنگی، درجه توانایی بکارگیری گلوله هاست. در تهاجم نظامی مهم نیست که گلوله ها ساخت کدام یک از طرفین جنگ باشد، آنچه که از غنایم جنگی می توان بر علیه طرف مقابل استفاده کرد. در حالی که در تهاجم فرهنگی، گلوله های مهاجم قابل استفاده برای تهاجم مشابه از سوی مدافع رو به مهاجم نیست. در نتیجه نا برابری در میان تولید کنندگان پیام در بازار پیام، [متعاقباً در باره بازار پیام توضیح خواهیم داد] به مراتب عمیق تر از مصرف کنندگان تسلیحات نظامی است.

وجود پنج تفاوت مهم میان تهاجم نظامی و آنچه که تهاجم فرهنگی گفته می شود، و تحولات پیش رو در حوزه جهانی شدن که مهمترین مشخصه آن افزایش بی نظیر قدرت گزینشگری گیرندگان پیام است، پدیده ای را به دنبال خواهد داشت که می توان با تجسم عصر پس از دهکده جهانی، آن را بیشتر شناخت.

### بازار پیام

به نظر من توسعه ICT در آینده، سبب خواهد شد که در دهکده جهانی، وضعیتی به وجود آید که می توان آن را مشابه نظام حاکم بر مبادلات کالا در بازارهای سنتی قرون گذشته مشرق زمین دید. در آن وضعیت سپهر ارتباطات در جهان (Global Communication Space) تبدیل به بازاری خواهد شد که می توان آنرا "بازار پیام" (Message Bazaar) نامید.

برای شناخت بازار پیام، قبل از هر چیز باید بازار سنتی قرون گذشته مشرق زمین، بویژه ایران که خاستگاه بازار از آنجاست را شناخت. بازار سنتی شرقی، به دو ردیف دکان اطلاق می شود که رو به رو هم زیر سقف مشترکی قرار دارند [برخی از این دکان ها مشتمل بر چند حجره و برخی در حد حتی نیم حجره اند] این واژه، یک واژه ایرانی است که در زبان بسیار کهن و باستانی ایران (پهلوی) به شکل "واکار" تلفظ می شده و بعدها اعراب آن را تبدیل به "البازار" نموده و به همین شکل از طریق زبان فرانسه به سایر زبانهای اروپایی راه یافت. (۱۴)

از آنجا که امتداد بسیاری از بازارهای شهرهای بزرگ به یک میدان عمومی متصل می شد، بازار نقش راه "میان بر" برای رفتن از یک بخش شهر به بخش دیگر را نیز ایفا می کرد، پس بسیاری بودند که از بازار عبور می کردند، بدون اینکه خریدار یا فروشنده باشند.

توصیف برخی از سفرنامه نویسان اروپایی از بازارهای ایران در قرون گذشته، می تواند به تجسم بازار پیام در آینده کمک کند. یک سیاح روسی در سال ۱۴۶۸، درباره بازار ایران می نویسد: اخبار در بازار زودتر از همه جا منتشر می شده است. (۱۵) سیاح روسی دیگری در سال ۱۸۳۴ در توصیف بازار ایران می نویسد: "بازار محل اجتماع مردم کنجکاو و پر حرف است. در آن جا اخبار تازه شهر بازگو می شود و دهان به دهان می چرخد. کسی هم که بار دلش سنگین است، یا زبانش هوس و راجی دارد، خود را به بازار می رساند، گروهی از مردم بیکاره را به دور خود جمع می کند و چیزهایی را که می داند با آن چه نمی داند برایشان به تفضیل بیان می کند." (۱۶)

یک سیاح فرانسوی در باره آنچه در سال ۱۸۷۷ در بازار دیده می نویسد: "بازار مرکز پر جنب و جوشی است که مردم در آنجا از اولین ساعات طلوع تا دم غروب به طور مداوم در حال حرکت و فعالیت هستند. (تصویر/ مدل شماره ۱) آنجا محل ملاقات و قراردادهای عمومی است... اخبار، شایعات، تهمت زدن ها، نشر اکاذیب، جنجال ها بدگویی ها و افشاگریها، همه از بازار سر چشمه می گیرد. آنجا مردم همچنان که درباره مسایل و منافع شخصی و تجاری خود بحث و گفتگو می کنند، درباره مسایل عمومی و امور دولتی نیز به شور و تبادل نظر می پردازند." (۱۷)

آیا نمی توان توصیف های فوق را برای وب لاگ های (web log) عصر حاضر نیز مناسب دانست؟ سبک معماری، سازمان (organization) و نهاد (institution) حاکم بر بازارهای سنتی در ایران و برخی کشورهای غرب آسیا، شرایط، امکانات و محدودیت هایی را بوجود آورده بود که اگر بازار مذکور را سپهر جهانی ارتباطات و فرستنده پیام را جانشین فروشنده بازار و گیرنده پیام را به جای خریدار بازار فرض کنیم، خواهیم توانست مشابهت هایی میان کنش های متقابل (interaction) در بازارهای سنتی کالا با بازار جهانی پیام بیابیم:

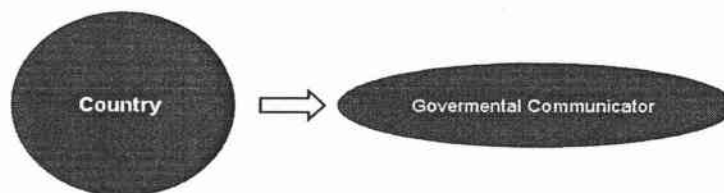
۱- در بازار جهانی پیام، نوع ارتباط، افقی خواهد بود نه عمودی. این وضعیت مشابه بازارهای سنتی است که به دلیل حرکت دائم فروشنده در فضای داخل و جلوی حجره و تا حدودی تابع حرکت خریدار و در واقع عدم استقرار او در نقطه ای ثابت، برتری ارتباطی خاصی از نظر فاصله میان فروشنده، خریدار و عابر وجود نخواهد داشت. یکسانی و محدودیت فاصله حجره ها از روبرو نیز به این امر کمک می کند که یک درهم تنیدگی و درهم لولیدگی مشابه بازار های سنتی (تصویر/ مدل شماره ۱) فراهم شود که دیگر اجرای ارتباط عمودی (یعنی ارتباط دستوری، از بالا به پایین و فرمایش ملوکانه ای) در آن امکان پذیر نباشد.





تصویر شماره ۱- بازار وکیل شیراز در قرن نوزدهم

به این ترتیب می توان تصور کرد که در بازار پیام، ارتباط گران، بازیگران اصلی هستند، نه دولت ها. حال اگر در یک مدل فرضی، دولت های ارتباط گر را به صورت دایره و ارتباط گران را به مثابه حجره های موجود در بازار سنتی است، به صورت بیضی نشان دهیم. می توان انتظار داشت که در بازار پیام، دولت های ارتباط گری که ارتباطاتشان از نوع عمودی است، تبدیل به ارتباط گران دولتی، اما با ارتباط از نوع افقی شوند. (تصویر / مدل شماره ۲)



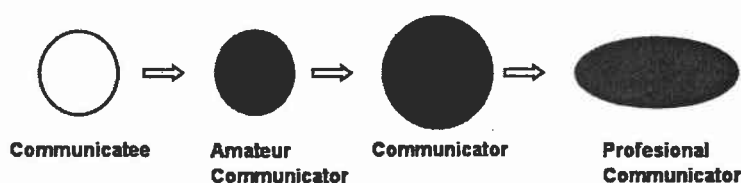
تصویر/ مدل شماره ۲- در بازار پیام، دولت‌ها ی ارتباط گر تبدیل به ارتباط گران دولتی خواهند شد. (تبدیل ارتباط عمودی به افقی)

۲- به دلیل نقش جانبی «راه میان بر» بازار سنتی، در معماری آن، درب عمومی که بتوان آنرا بست پیش بینی نمی شد. ضمن آنکه درب تمام حجرها نیز به گونه ای ساخته شده بود که هنگام باز بودن حجره، در خاصی برای آن حس نمی شد. بنابراین یک آمد و شد کاملاً آزاد، میان همه فروشندگان، همه خریداران و همه عابران، در تمام مدت برقرار بود. در بازار جهانی پیام نیز مشابه بازار های سنتی و به گونه ای مشابه آنچه اکنون در اینترنت می گذرد، مبادله پیام، بی وقفه و بدون تعطیل ادامه خواهد داشت.

۳- در بازارهای سنتی، همچون هر داد و ستدی، هنگامیکه فروشنده، کالایی را می فروخت، مالکیت آن را از دست میداد و مالکیت به خریدار منتقل می شد. در حالیکه در بازار پیام، وقتی پیام به دیگری داده می شود، دهنده نیز کماکان مالک پیام خواهد بود. به همین دلیل، حجم بازار پیام، به صورتی جهشی، دایم در حال افزایش خواهد بود. همین امر سبب می شود که مبادله در بازار پیام، به گونه ای فراتر از داد و ستد دو سویه باشد و از خصلتی فراتر از درهم تنیدگی بازارهای سنتی برخوردار شود. خصلتی که می توان آن را درهم تنیدگی پویا (Dynamic Web) نامید.

۴- در بازارهای سنتی مشرق زمین، پدیده ای وجود داشته که می توان آن را تک فروشی (mono selling) نامید. تک فروشان، افرادی غیره حرفه ای بوده اند که اگر چه برای مدتی کوتاه نقش فروشنده دورگرد (peddler) را ایفا می کردند، ولی به خلاف فروشنده های دوره گرد، فروشنده حرفه ای نبودند. آنها روبروی حجره بزرگی از بازار، تک کالای خود را عرضه می کردند و ممکن بود که همزمان با فروش آن، خریدار کالایی از حجره های بزرگ نیز باشند. هنوز نیز در شهر مدینه در عربستان سعودی، می توان زائرنانی را دید که کالایی (مثلاً کمی زعفران) همراه خود آورده و برای تأمین قسمتی از هزینه سفر، آن را در بازار، به سایر زوار عرضه می کنند. به عبارت دیگر، در بازارهای سنتی، همه می توانستند هر دو نقش خریدار (یا ارتباط گیر) و فروشنده (یا ارتباط گر) را ایفا کنند و اگر خریداران، متعدد بودند، فروشندگان نیز می توانستند متعدد باشند. در بازار پیام نیز همه، می توانند هم ارتباط گیر و هم ارتباط گر باشند.

حال اگر در مدل فرضی فوق، گیرندگان پیام، یا ارتباط گیران (communicatees) را به صورت دایره سفید و فرستندگان پیام یا ارتباط گران آماتور را به صورت دایره سیاه نشان دهیم، در بازار پیام این امکان بوجود خواهد آمد که ارتباط گیران (دایره های کوچک سفید) تبدیل به ارتباط گران آماتور (دایره های سیاه کوچک) شوند و چه بسا برخی از آنها به ارتباط گران آماتور پر مخاطب و حتی ارتباط گران حرفه ای کوچک (بیضی های سیاه کوچک) تبدیل شوند. (تصویر/ مدل شماره ۳)

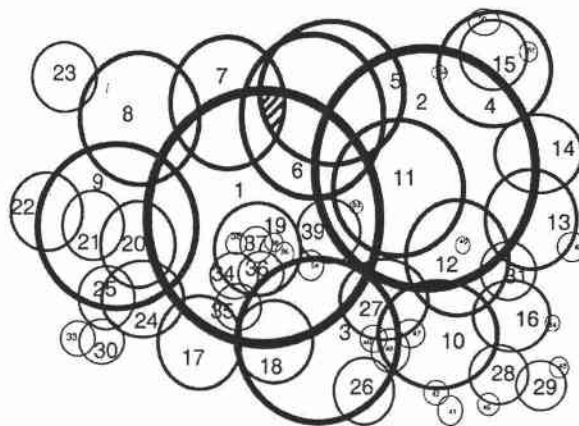


تصویر شماره ۳- در بازار پیام، ارتباط گیران می توانند به ارتباط گران آماتور و حتی حرفه ای تبدیل شوند.

۵- در بازارهای سنتی، همچون هر داد و ستدی، هنگامیکه فروشنده، کالایی را می فروخت، مالکیت آن را از دست میداد و مالکیت به خریدار منتقل می شد. در حالیکه در بازار پیام، وقتی پیام به دیگری داده می شود، دهنده نیز کماکان مالک پیام خواهد بود. به همین دلیل، حجم بازار پیام، به صورتی جهشی، دایم در حال افزایش خواهد بود. همین امر سبب می شود که مبادله در بازار پیام، به گونه ای فراتر از داد و ستد دو سویه باشد و از خصلتی فراتر از درهم تنیدگی بازارهای سنتی برخوردار شود. خصلتی که می توان آن را درهم تنیدگی پویا (Dynamic Web) نامید.

۶- در بازار پیام، چون مخاطبان یا ارتباط گیران، به بزرگ ترین تکرر رسانه ای (media pluralism) طول تاریخ دست خواهند یافت، نه تنها فاقد خصلت توده (mass) خواهند بود، بلکه از هر نوع یکپارچگی دیگر نیز دور شده و با حفظ فردیت، هر لحظه دارای مجموعه ای از خصلت های مشترک با برخی اقلیت ها و یا اکثریت های مختلفی خواهند بود که او نیز از میان هزاران گزینه، خود را در معرض فرستنده ای مشابه قرار داده است. مثلاً تحقیقات نشان داده که افراد با تحصیلات پایین، بیشتر به فرستنده هایی توجه می کنند که مطالب کوتاه تر را عرضه می کنند. (۱۸) و یا افراد وابسته به یک طبقه اجتماعی خاص، خود را در معرض فرستنده هایی قرار می دهند که با عضویت طبقاتی آنها هماهنگ باشد. (۱۹) به این ترتیب هر ارتباط گیر، خصلتی خواهد داشت مشابه یک شیشه رنگی مستقل که چون در مقابل آن تکرر رسانه ای بی نظیر قرار دارد، می تواند خود را در معرض فرستنده متناسب با آن رنگ قرار دهد. ضمن آنکه در آن لحظه، در اثر اشتراک با گزینه ارتباط گیری

دیگر، یا شیشه ای به رنگ دیگر، رنگ جدیدی ایجاد خواهد شد که نماینده ارتباط گیران برای ارتباط گری خاص است. به عنوان مثال، یک مرد (خصلت اول)، کم سواد (خصلت دوم) و ضمناً دارای ویژگی طبقاتی خاص (خصلت سوم)، موجودی خواهد بود که اگر به دلیل خصلت اول، خود را در معرض یک فرستنده قرار می دهد، به دلیل خصلت دوم، با فرد دیگری که مشابه او، خصلت دوم را دارد (چه خصلت اول را داشته باشد و چه نداشته باشد) خود را در معرض فرستنده دیگری قرار دهد. ترکیب این رنگ هاست که مخاطبان رسانه ای خاص را تشکیل خواهند داد، نه «توده». البته در بازار پیام، این اتفاق ممکن است روی دهد که به یکباره تمام رنگ ها، خود را در معرض فرستنده ای خاص قرار دهند که مثلاً فرود اولین انسان بر سطح کره مریخ را گزارش می کند. برای تجسم چنین وضعیتی می توان هر یک از خصلت ها را به صورت شیشه ی مدور رنگی نشان داد که هر رنگ با یک شماره مشخص شده است. به این ترتیب فرستندگان پیام در هر لحظه، مخاطب فردهایی هستند همچون شیشه های رنگین. چه به صورت تک رنگ و چه اشتراک ۲، ۳ تا n رنگ. در تصویر شماره، بخشی که هاشور خورده، نماینده مخاطبی است با ترکیبی از رنگهای 1.5.6.7. در بازار پیام، تنوع بالقوه سلیقه و نیاز مخاطبان را می توان بر اساس فاکتورهای تعداد رنگ ها و تعداد اشتراک ها برآورد کرد. رقم مذکور، عدد بزرگی خواهد شد که نماینده وضعیتی خواهد بود بسیار متفاوت با روزگاری که مخاطب رسانه ها را «توده» می شمردند. (تصویر / مدل شماره ۴)



مدل شماره ۴- تجسم مخاطبان یا ارتباط گیران در بازار پیام، به صورت شیشه های رنگی

۷- در بازارهای سنتی، حضور افراد به عنوان عابر مسیر «میان بر» - نه الزاماً مشتری - و از سوی دیگر قرار گرفتن حجره های کالایی خاص در یک راسته و در کنار هم، سبب می شد که عابر، نقش جستجوگر و

گزینشگری را ایفا کند که برای جستجوی خود، نیاز به کمترین انرژی را دارد. زیرا در هر لحظه، امکان سرک کشیدن او به هریک از حجره ها و همچنین تک فروش ها وجود داشت و در این جستجو، قبل از آنکه بزرگی یا کوچکی حجره برایش اهمیت داشته باشد، کالا اهمیت داشت.

در بازار پیام نیز وجود موتورهای جستجو در اینترنت، در آینده توسعه خواهد یافت و سوای نوشته، صدا و تصویر ثابت و متحرک را نیز در بر خواهد گرفت. این موتورها کمک خواهند کرد که فرد کاملاً جستجو گر و گزینشگر باشد نه مصرف کننده منفعل. این امر سبب خواهد شد که رابطه ای متقابل میان باور به خبر و دریافت خبر فراهم شود. در نتیجه، پدیده دروازه بانی خبر (gate keeping) که خاص ارتباط گران بود، در ارتباط گیران بسیار وسیع تر خواهد شد.

۸- در بازارهای سنتی مشرق زمین، محدود بودن فاصله حجره ها، همراه با باز بودن همه درها و امکان نظاره آمد و شد کالا از سوی هر سه گروه فروشنده، خریدار و عابر، همیشه این فرصت را برای همه از جمله فروشنندگان فراهم می کرد که از نیازها و سلیق مردم مطلع باشند. ضمن آنکه دستیابی به عملکرد رقبا و راز و رمزهای حرفه ای آنها کار دشواری نبود. به این ترتیب ممکن بود یک فروشنده بسیار بزرگ، از الگوی یک فروشنده کوچک پیروی کند. ضمن آنکه فروشنندگان کوچک، این امکان را داشتند که به رشد و توسعه فعالیت خود امیدوار باشند.

در بازار پیام نیز، نبود دیوارهای ارتباطی، سبب خواهد شد که نوآوری، همراه با اقتباس و تقلید در سبک و محتوای پیام، انحصار را از بین ببرد. ملاقات های چهره به چهره اما مجازی فرهنگ های مختلف با یکدیگر دیده بانی دائم تعداد مراجعه کنندگان به سایت ها و... سبب خواهد شد که آگاهی از سلیق و تامین آن، تکثر رسانه ای را در اندازه های بسیار متنوع توسعه دهد.

۹- در بازارهای سنتی، محدود بودن ارتفاع سقف بازار، بویژه حالت گنبدی و قوسی آن، امکان نصب تابلو و عناصر تبلیغاتی در ابعاد بزرگ را محدود می کرد، در نتیجه توان رقابتی حجره ها، قبل از اینکه تابع ابعاد تابلوهای تبلیغاتی آنان و یا بزرگی یا کوچکی دکان و تعداد حجره های در اختیار باشد، تابع ماهیت و خصایص کالا بود. در نتیجه امکان رقابت صاحبان کالاهای مرغوب و پرنیاز، اما در حجره های کوچک یا حتی بساط دست فروش ها، با صاحبان حجره های بزرگ فراهم بود.

در بازار جهانی پیام، نیز محدودیت صفحه مونیتورها، نابرابری امکانات تبلیغاتی عرضه کنندگان پیام را کاهش خواهد داد. در واقع فاصله توان تبلیغاتی رسانه های مختلف برای خود، کاسته خواهد شد. ضمن اینکه تبلیغ اصلی، عملاً ماهیت پیام خواهد بود، نه تبلیغ برای فرستنده آن پیام.

۱۰- در بازار پیام، تبلیغ برای کالا و خدمات از سوی رسانه ها - نه در باره رسانه ها - بسیار متنوع تر و گسترده تر خواهد شد. در این بازار، مؤسسات اقتصادی کوچک که تاکنون توان مالی کافی برای تبلیغ نداشته اند نیز خواهند توانست صدای خود را - هر چند محدود - به گوش دیگران برسانند. ضمن اینکه همیشه این احتمال وجود خواهد داشت که صدای آنها، در میان صدای بزرگ ها محو شود.

۱۱- در بازارهای سنتی مشرق زمین، مجاورت فیزیکی افراد - اعم از فروشنده و خریدار یا خریدار و فروشنده - این امکان را فراهم می‌کند که فروشندگان، خریداران و حتی عابران، علاوه بر هدف اصلی، به بحث و گفتگو در مورد مسائل روزمره میان خود نیز بپردازند.

در بازار جهانی پیام نیز ارتباط گران، ارتباط گیران و جستجوگران، بی توجه به دولت‌ها، به مراتب بیش از گذشته، خواهند توانست در باره مسایل روزمره خود به ارتباط بایکدیگر بپردازند و حتی از این طریق به درد دل با آدم‌های بیگانه و حتی تخلیه فشارهای روحی خود استفاده کنند.

۱۲- در بازارهای سنتی، فروشندگان، عابران و خریداران، همگی از یک امنیت یکسان در مقابل «باد و باران»، «سرما و گرما» برخوردار بودند. در بازار پیام نیز درجه امنیت در سپهر پیام، به یک استاندارد فرا ملی و همگانی خواهد رسید.

۱۳- در بازارهای سنتی قرون گذشته، بویژه بازارهای بزرگ مسیر جاده ابریشم، بازرگانان وابسته به ادیان مختلف، در اوقات فراغت به گفتگوهایی در باره ادیان خود می‌پرداخته‌اند و از آنجا که این گفتگوها بدون حضور عناصر کلیساها و مساجد، انجام می‌شده، به جای تلاش در کشف تفاوت‌ها و یا اصرار در رد طرف مقابل، تبدیل به گفتگوهای میان تمدنی شده و به شناخت مشابهت‌ها منتهی می‌شده است. مثلاً ممکن بود که یک غیر مسلمان، اما مخاطب مسلمان، مطلع شود که بر اساس آیات قرآنی، باید به تمامی پیامبران ایمان داشت و تفاوتی میان آنها قایل نشد (آیه ۱۳۶ از سوره بقره و ۱۵۰ و ۱۵۲ از سوره نساء).

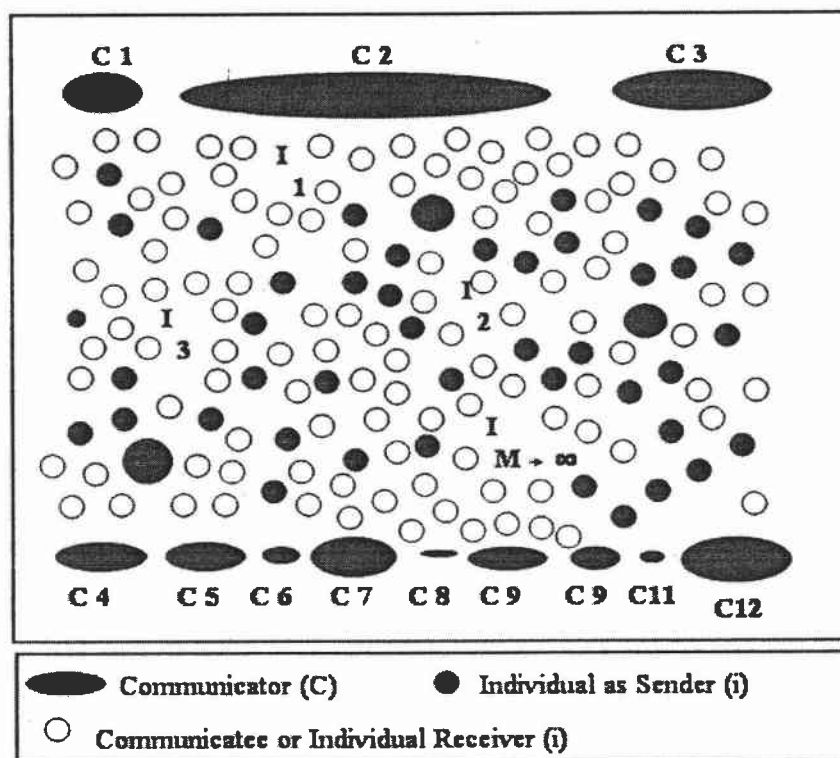
در بازار جهانی پیام، نیز فرصت شناخت تمدن‌ها، بدون دروازه بانی پروپاگاندیست‌ها بیشتر فراهم خواهد شد. ۱۴- به دلیل نمود شفاف مسأله نسبت در مسایل ارزشی، هنجاری و تا حدی اخلاقی میان فرهنگ‌های مختلف، مصلحان اجتماعی فرهنگ‌های گوناگون خواهند توانست موضوع تهاجم فرهنگی را تبدیل به اصطلاح دیگری نمایند که از راسته عطاران بازارهای سنتی مشرق زمین ملهم شده باشد.

در بازارهای سنتی و در راسته عطاران، به مشتریان آموزش داده می‌شد که کدام دو ماده غذایی (مثلاً عسل و خربوزه) با یکدیگر «ناهمسانی» دارد - بدون اینکه بحث در باره خوبی یا بدی هر یک از آن دو ماده غذایی به تنهایی مطرح باشد - آنها برای این آموزش به مشتریان خود توصیه می‌کردند که مراقب پدیده «تداخل» (Interference) باشند. تداخل در فرهنگ‌های لغت کهن فارسی به مفهوم آمیختن غذای منہضم با غیر منہضم بوده است: لوح فشرده دهخدا به نقل از فرهنگ آندراج)

به نظر می‌رسد که در حوزه فرهنگ - بویژه در مقوله ارزش‌ها - نیز بتوان با مواردی مشابه موضوع تداخل مورد نظر عطاران مواجه شد. به عنوان مثال، در غرب به خاطر پاسداری از آزادی‌های فردی، روی آوری بزرگسالان به هرزه نگاری (Pornography) منع نمی‌شود، ولی به صراحت آنرا برای کودکان مضر می‌دانند. در حالی که در جوامع اسلامی، بالعکس، منع بزرگسالان در روی آوری به هرزه نگاری به مراتب قوی‌تر و جدی‌تر از منع کودکان است. آنچنان که در قرآن، مؤمنان - اعم از زن و مرد - از این امر منع شده‌اند. (آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور) در واقع میان اسلام و هرزه بینی، تداخلی وجود دارد که می‌توان آن را تداخل فرهنگی (Cultural Interfere) نامید.

۱۵- دهکده جهانی شرایط مساعدی برای اجرای پروژه های تخریبی از سوی توانمندان ارتباطی جهان فراهم کرد. پخش جهانی فیلم بدون دخرم هرگز، برای تخریب تصویر مثبت ایران در ذهن جهانیان، هنوز از موفق ترین پروژه های از این دست هالیوود محسوب می شود. اما در بازار پیام، به دلیل توازن نسبی فن آوری های ارتباطی در میان جوامع، افزایش امکان ارتباط کتبی، کلامی، صوتی و تصویری فرهنگ ها، بدون وجود موانع زبانی، شرایط خنثی سازی عملیات تخریبی را افزایش خواهد داد. در واقع در بازار پیام «عمر دروغ های بزرگ» به سر خواهد آمد.

با توضیحات فوق، با اقتباس از نظام بازارهای سنتی در مشرق زمین، مدلی پیشنهاد می شود که در آن، کشورها به صورت بیضی هایی با اندازه های مختلف با حرف C نشان داده شده اند، مساحت هر بیضی تابعی از توان و امکانات سخت افزاری و نرم افزاری آن کشور در حوزه رسانه هاست. اما نحوه چیدمان بیضی ها به گونه ای است که فاصله دو بیضی مقابل هم - بی توجه به اندازه هایشان - یکی است. (تصویر/ مدل شماره ۵) در مدل، نحوه چیدمان کشورهای ارتباطی گر، مشابه چیدمان حجره ها در بازار بوده و در میان آنها، فردها، با نشانه  $i_1$  تا  $i_n$  بی نهایت، به صورت دوایر متعدد سفید یا سیاه قرار گرفته اند. (سفید به مفهوم فرد ارتباط گیر و سیاه به نشانه فرد ارتباط گر)



شکل ۵- مدل نظام بازار جهانی پیام

در مدل، تمامی دایره های سفید، مساحت یکسان دارند و دایره های سیاه که در رقابت با بیضی ها، علاوه بر مخاطب، فرستنده پیام نیز می باشند، اندازه های یکسان ندارند. ضمن آنکه دایره های سفید نیز می توانند تغییر رنگ داده و از مخاطب بودن، به مخاطب - فرستنده بودن (ارتباط گیر - ارتباط گر) تبدیل و به تدریج با افزایش مساحت، حتی تغییر شکل داده، از دایره به بیضی تبدیل و در محل چیدمان بیضی ها قرار بگیرند.

در این مدل، وجود فاصله های برابر، میان دو بیضی متقابل، امکان دسترسی دایره ها به بیضی ها را کاملاً یکسان می کند. میان بیضی ها و دایره ها، یا دایره ها و دایره ها، به شیوه مدل های سنتی ارتباطات، هیچگونه پیکانی ترسیم نشده است، زیرا می توان وجود میلیون ها پیکان (مطابق فاکتورهای تعداد دواير و بیضی ها) را متصور شد و این دقیقاً همان خصلت تار عنکبوتی جهانی شدن در حوزه ارتباطات است.

اما تا چه حد این پیش بینی ها می تواند خوشبینانه باشد؟ آیا دولت های استعمارگر نوین که صادرات جهانی پیام را در دست دارند، یا تراست های رسانه ای فعلی در دهکده جهانی که جریان اصلی تولید خبر در دست آنهاست و یا دولت های اقتدارگرا در جهان سوم که با انحصار رسانه ای در تلاش تثبیت سلطه خود بر ملت خویش هستند، اجازه خواهند داد که بازار پیام اینگونه که تصویر شد، شکل بگیرد؟

تصور من این است که اگر روابط ساده، مشارکتی و ارتباطات افقی و چهره به چهره در بازار های سنتی قرون گذشته مشرق زمین، در اثر تحولات فن آوری (به عنوان یک جبر تاریخی) از جمله انقلاب صنعتی، تولید انبوه، اختراع ماشین بخار و از این قبیل، سبب دگرگونی در ساختار و کارکرد بازارهای سنتی شد، این بار تداوم توسعه فن آوری های ارتباطی (به عنوان یک جبر تاریخی) احتمالاً سبب خواهد شد که پس از دهکده جهانی، جریان تحولات در سپهر ارتباطی جهان، مسیری معکوس تحولات بازارهای سنتی را دنبال کند.

تجربه تاریخی در حوزه رسانه ها، عملکرد برخی از این جبرها را نشان داده است. به عنوان مثال، به دنبال تولد هر رسانه جدید، پس از مدتی مقاومت از سوی رسانه های قدیم، آنها مجبور شده اند که برای جلوگیری از نابودی، به کارکردهای جدید روی آورند. اما این بار مقابله با جبر در پیش رو، به دلیل خصلتی که دارد، بسیار دشوارتر است. این خصلت، ناشی از تقابل و تضاد دو عامل اساسی است: تضاد میان «انبساط قدرت گزینشگری ارتباط گیران» از یکسو و «عدم انبساط سرمایه زمانی آنان» از سوی دیگر است. در واقع طی دهه های آینده، تحولات سخت افزاری در حوزه ارتباطات، اگر چه قدرت گزینشگری فرد را در همه حوزه های ارتباطات کلامی و تصویری بسیار افزایش خواهد داد، اما این امر در شرایطی است که زمان برای او منبسط نخواهد شد و کماکان هر ۲۴ ساعت او، ۲۴ ساعت خواهد بود. بازار مدرن توانست با دستیابی به تولید انبوه، به کمک شگردهای اقتصادی، مصرف و به تبع آن، قدرت خرید را افزایش دهد. اما اقتصاد، تجربه ای در باره سازوکارهای توسعه تراست های اقتصادی، در شرایط ثبات قدرت خرید و غیر قابل انبساطی بودن بازار مصرف را ثبت نکرده است بنابراین تمرکز بر این مجهولات و آسیب شناسی بازار پیام، باید یکی از مهمترین حوزه های مطالعاتی آینده باشد.



- 1) Mc Creery, John.(1994) Culture ? “Us” vs “Them”  
www.anatomy.usyd.au/danny/anthropology/anthro-I/archive/february  
1994 / 0041. html.
- ۲) آگ برن و نیم کف. (۱۳۴۲) زمینه جامعه شناسی. اقتباس امیر حسین آریان پور. تهران: امیر کبیر
- ۳) ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه کیهان.
- 4) Mac Bride, Sean.(1980).Many Voices, one World.London: Kogan Page Ltd.
- 5) Varis, Tapio. (1985) International Flow of Television Programmes. Reports and Papers on Mass Communication. No. 100. Paris: Unesco.
- 6) Wells, Alan. (1996).World Broadcasting .A Comparative Views .Newjersy : Ablex.
- 7) Hall, S. (1992). The Question of cultural identity. In S. Hall, D. Held & T. Grew (Eds.) Modernity and its futures.P.300. Cambridge: Polity Press.
- 8) Hall, S. (1997). Cultural Identity and Diaspora. In K. Woodward .(Ed.) P.52
- 9) Roberso, R. (1994) Globalization or Glocalization? Journal of international communication.
- ۱۰) امینی، محمد تقی (۱۳۷۴) تاکتیک جنگ نوین. ص ۷۳. تهران: دانشگاه امام حسین (ع)
- ۱۱) فرهنگ علوم سیاسی (۱۳۷۴) فرهنگ علوم سیاسی: فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی تهران: مرکز اطلاعات و مداراک علمی ایران
- ۱۲) امینی، محمد تقی (۱۳۷۴) ص ۲۴۰.
- ۱۳) محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۹) بررسی دیوار نوشته های دوران انقلاب. فصلنامه رسانه. شماره ۴. صص ۷۰ - ۷۷
- ۱۴) فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲) درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- ۱۵) نیکیتین، بی (۱۳۶۳) ایرانی که من شناختم. تهران: انتشارات معرفت
- ۱۶) کورف. اف (۱۳۷۲) سفرنامه بارون فیودور کورف. تهران: نشر فکر
- ۱۶) سلطان زاده، حسین (۱۳۸۰) بازارهای ایران. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی
- ۱۷) سلطان زاده، حسین (۱۳۸۰) بازارهای ایران. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی
- 18) Nimmon, Dan. D. and Keith R. Sanders.(1981). Hand book of Political Communication.P.317. London: Sage
- 19) Defleur, Melvin and Sandra Rokegch. (1989) Theories of Mass Communication. P. 169. New York: Longman.

## سند چشم‌انداز، اخلاق و فناوری اطلاعات؛ به سوی تدوین یک الگوی بومی

دکتر محسن الویری

استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

alviri@isu.ac.ir

### چکیده

تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ سیاست‌گذاریهای کلان در کشور ما به حساب می‌آید. این سند که جنبه آرمانی آن عده‌ای را در قابلیت تحقق آن به تردید انداخته است، تلاشی است در قالب و چارچوب قانون اساسی برای ارائه الگویی نو و دست‌یافتنی از توسعه مبتنی بر ارزشهای اخلاقی و دینی. در این سند سخنی از فناوری اطلاعات به میان نیامده است، اما مفاد آن، توجه به فناوری اطلاعات را به یکی از الزامات اجتناب‌ناپذیر تحقق سند تبدیل ساخته است. از سویی دیگر فرهنگ و اخلاق از برجسته‌ترین مؤلفه‌های شکل دهنده به سند چشم‌انداز است. چنین به نظر می‌رسد می‌توان بر اساس سند چشم‌انداز الگویی برای تعامل اخلاق و فناوری اطلاعات طراحی کرد که هم با آرمانهای نظام جمهوری اسلامی ایران همراه باشد و هم با تحولات نظام ارتباطی و اطلاعاتی جهان همپا. مهمترین پایه‌ها و ویژگیهای این الگوی نوین چنین است:

- تبیین مفهوم اخلاق در محیطهای مجازی و جامعه اطلاعاتی برای پاسخ به این پرسش بنیادین که آیا برآستی مفهوم اخلاق دگرگون شده است و یا تنها مصادیقی نو پیدا کرده است.
- بازتعریف مفاهیمی همچون فقر و غنای اطلاعاتی و شکاف اطلاعاتی با رویکردی ارزش‌محور.
- تمییز مرزهای اخلاق با حقوق و توجه به تفاوت سیاستها و اقدامات مناسب برای رسیدن به اهداف اخلاقی با سیاستها و اقدامات مناسب برای رسیدن به اهداف حقوقی و قانونی.
- بومی‌گرایی فعال همراه با رویکرد جهانی انتقادی، سنجیده و اثرگذار.
- تلاش برای خلق خرده‌فرهنگهای مجازی و حقیقی جدید و سامان‌دهی آنها.
- جامعیت و همه‌جانبه‌نگری همراه با رویکردی مسأله‌محور در مسائل خرد اخلاقی جامعه اطلاعاتی.
- توجه همزمان به ابعاد حق و وظیفه شهروندان و نهادهای عمومی و حکومتی در فرایند تولید و مصرف پیام.

- توجه ویژه به مزیت نسبی کشور در تولید پیام در کنار تلاش برای بهره‌گیری از همه ظرفیتهای کشور در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات.
- برتری دادن دروازه‌بانی دریافت‌کنندگان پیام و تقویت آن در مقایسه با دیگر شکل‌های احتمالی دروازه‌بانی پیام.
- بازنگری در شاخصهای توسعه اطلاعاتی و ارتباطی و تبدیل شاخصهای کمی میزان بهره‌مندی از فناوری به شاخصهای کیفی چگونگی بهره‌گیری از آن.

\*\*\*\*\*

تجربه برنامه‌ریزی میان‌مدت در کشور ما عمری دراز ندارد. شاید حدود ۸۰ سال پیش یعنی در سال ۱۳۰۶ ش. وقتی که کمیسیون اقتصادیات مرکب از شش نفر از "شعب منجلس و نمایندگان دولت" برای مطالعه و تهیه گزارش جامع از "نواقص زراعت، توسعه و بهبود راهها، بهداشت، آموزش و پرورش و دیگر امور عمرانی بالاستفاده از مطلعین و افراد بصیر" تشکیل شد، نخستین گام برای برنامه‌ریزی بلندمدت در کشور برداشته شد. بعدها که سازمان برنامه شکل گرفت، پای تدوین برنامه‌های میان‌مدت توسعه هفت ساله نیز به میان آمد و از سال ۱۳۲۸ ش. تا ۱۳۵۷ ش. شش برنامه توسعه تدوین و پنج برنامه توسعه اجراء شد:

۱. برنامه اول (۱۳۲۸ - ۱۳۳۴)

۲. برنامه دوم (۱۳۳۵ - ۱۳۴۱)

۳. برنامه سوم (۱۳۴۲ - ۱۳۴۶)

۴. برنامه چهارم (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱)

۵. برنامه پنجم (۱۳۵۲ - ۱۳۵۶)

۶. برنامه ششم که در سال ۱۳۵۶ آماده شد ولی اجراء نشد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل شرایط ویژه ایام دفاع مقدس، مجالی برای طراحی برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت فراهم نیامد؛ گرچه گفته می‌شود در همان ایام، زیر نظر مدیر اندیشمند شهید بهشتی برنامه‌ای در نخست‌وزیری تدوین شد ولی ظاهراً این برنامه نه اجراء شد و نه حتی در چرخه بررسی و تصویب در نهادهای ذی‌ربط قرار گرفت. ولی در نخستین سالهای پس از جنگ، تدوین برنامه‌های پنج ساله توسعه آغاز شد و تاکنون سه برنامه پنج‌ساله (برنامه اول: ۱۳۶۹ - ۱۳۷۳ ش؛ برنامه دوم: ۱۳۷۴ - ۱۳۷۸ ش؛ برنامه سوم ۱۳۷۹ - ۱۳۸۳ ش.) به اجرا گذاشته شده است و برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴ - ۱۳۸۷ ش.) در نخستین سال اجراء قرار دارد. همزمان با مطالعات و بررسیهای تدوین برنامه چهارم توسعه، مسؤولان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی‌های

کلان در کشور ضرورت داشتن برنامه‌های بلند مدت را به عنوان بستر و زمینه و هدایت‌کننده برنامه‌های میان مدت احساس کردند و بدین‌سان تدوین سند چشم‌انداز وارد ادبیات برنامه‌ریزی‌های کلان کشور شد و عملاً نقطه عطفی رو به کمال در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور پدید آمد. فرایند تدوین این سند نیازمند واکاوی و بررسی انتقادی به منظور ثبت تجربه‌های ویژه در کشور است و امید است دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام مستندات آن را چاپ کند و دسترس دانش‌پژوهان کشور قرار دهد. در فرایند تدوین سند چشم‌انداز، مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان شورای مشورتی رهبر معظم انقلاب اسلامی<sup>۱</sup> نقش محوری داشت و نهادهایی مانند دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و جمعی از اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی نقشی مؤثر ایفا کردند. سند چشم‌انداز واسطه‌ای است بین قانون اساسی که زمان‌مند نیست و برنامه‌های میان‌مدت توسعه کشور که ویژه دوره‌های پنج‌ساله است.<sup>۲</sup> اهمیت و ضرورت تدوین و ابلاغ این سند را شاید بتوان در قالب محورهای زیر برشمرد:

۱. وحدت بخشی به هدف و ایجاد انسجام بین همه دستگاه‌های اجرائی و نهادهای اجتماعی در مسیر پیشرفت کشور در چارچوب قانون اساسی.
۲. فراهم آوردن امکان مرحله‌بندی توسعه کشور و ارزیابی مستمر آن.
۳. فراهم آوردن زمینه مشارکت عمومی و تبدیل آرمانهای شخصی به آرمانهای مشترک و تحقق بخشیدن به وفاق اندیشه‌ای در بستر اجراء. اکثر نخبگان کشور دیدگاهها و نگرانیهایی در باره آینده کشور دارند، سند چشم‌انداز ظرفیتی بسیار مناسب برای همگرا کردن این دیدگاهها و برطرف کردن این نگرانیها فراهم آورده است.
۴. فراهم کردن بستر یک توسعه دین‌محور و بهره‌مندی از از زمینه مناسب جهانی - با توجه به بحرانیهای معرفتی کنونی - برای ارائه مدل و نظریه‌ای جایگزین در باره توسعه.
۵. معنی بخشی به زندگی مردم و نفی منفی‌نگری و ایجاد نشاط.

رهبر معظم انقلاب در سخنان مورخ ۱۵ / ۵ / ۱۳۸۲ خود جایگاه و اهمیت چشم‌انداز را اینگونه بیان فرمودند:

سیاست‌ها و برنامه باید به چشم‌اندازی متوجه باشد ... این چشم‌انداز توقع ما را از کشور در ... آینده مشخص خواهد کرد، البته نه به‌طور دقیق - چون روند زمان محاسبات و پیشامدها را کم و زیاد خواهد

<sup>۱</sup> قانون اساسی، اصل ۱۱۰.

<sup>۲</sup> جوهره برنامه‌ای یا غیربرنامه‌ای سند چشم‌انداز در اینجا مد نظر ما نیست.

کرد - اما به طور تقریبی مشخص می‌کند که در ... آینده باید در کجا قرار داشته و در چه وضعی باشیم ... بنابراین شاخص‌هایی در زمینه چشم‌انداز و سیاست‌های کلی باید در ذهن‌ها باشد.

وجه آرمانی سند چشم‌انداز، سبب شده است که برخی منتقدان در باره قابلیت تحقق آن تردید داشته باشند. اما بی این که در پی بحثی مستوفی در این زمینه باشیم، باید بگوییم مزیت این سند در گشودن راهی نو و ارائه الگویی بومی و جدید برای توسعه و نهادینه کردن آن است. این سخن به این معنی نیست که کلی بودن سند و جزئی نبودن آن - که هیچ گریزی از آن نیست - راه را برای برداشتهای متفاوت و گاه غیرهمسو نبسته است، ولی طبیعی است که برای خروج از این مشکل ساز و کارهایی اندیشیده شده و یا اندیشیده خواهد شد.

سند چشم‌انداز با مقدمه‌ای کوتاه آغاز می‌شود و پس از آن افق مطلوب چشم‌انداز با عبارت زیر بیان شده است:

*ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.*

پس از این عبارت ویژگیهای ایران در افق چشم‌انداز در هشت بند بیان شده است. بند اول به الگوی توسعه متناسب با تحقق سند چشم‌انداز نظر دارد و بند دوم به جنبه علمی و فناوری اختصاص یافته است. بند سوم سند چشم‌انداز وجه امنیتی و دفاعی را مد نظر قرار داده است و در بند چهارم نیز به ویژگیهای رفاهی، اجتماعی و زیست‌محیطی پرداخته شده است. مفاد بند پنجم به آن صبغه‌ای فرهنگی داده است و بند ششم نیز ضمن توجه به موضوعهای اقتصادی به جایگاه منطقه‌ای ایران نیز اشاره کرده است. بند هفتم ویژه الهام‌بخشی ایران اسلامی و مؤلفه‌های آن است و سرانجام در بند هشتم نیز سیاست خارجی و اصول آن مورد تأکید قرار گرفته است. پایان‌بخش سند چشم‌انداز ملاحظه‌ای در باب تدوین شاخصهای کمی کلان متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز است.

در سند چشم‌انداز اشاره‌ای روشن به فناوری اطلاعات و ارتباطات نشده است، اما مفاد بندها عملاً پیوندی محکم با فناوری اطلاعات دارد. در کادر اصلی چشم‌انداز که بیانگر افق مطلوب بیست ساله می‌باشد، رسیدن به جایگاه اول در سطح منطقه در سه جنبه اقتصادی، علمی و فناوری پیش‌بینی شده که با توجه به مطلق بودن فناوری، شامل فناوری ارتباطات و اطلاعات هم می‌شود. همچنین در بند دوم از بندهای هشت‌گانه که به شرح افق مطلوب می‌پردازد، برخورداری از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری ذکر شده که این تعبیر در بردارنده فناوری اطلاعات هم هست. این موضوع بار دیگر در بند ششم به صورتی دیگر تکرار شده است: دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم. جایگاه اول فناوری نیز مطلق است و

شامل همه انواع فناوری از جمله فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌شود. از بند هشتم نیز که تعامل سازنده و مؤثر با جهان را مورد تأکید قرار داده، بهره‌گیری از همه روشهای ارتباطی رایانه‌ای و اینترنتی را که در پیوند با فناوری اطلاعات و ارتباطات است می‌توان برداشت کرد.

بر خلاف فناوری اطلاعات، مقوله اخلاق حضوری برجسته و پررنگ در سند چشم‌انداز دارد. در بند اول از بندهای هشت‌گانه اتکاء بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی به عنوان اولین ویژگی ایرانی اسلامی در افق مطلوب مورد اشاره قرار گرفته است. ویژگیهای مندرج در بند پنجم هم مانند فعال بودن و مسؤولیت‌پذیر بودن و ایثارگر بودن و مؤمن بودن ضمن قرار گرفتن در ویژگیهای اجتماعی، ویژگیهای اخلاقی هم هستند. در بند هفتم هم الهام‌بخشی در جهان اسلام با ارائه الگویی از یک جامعه اخلاقی همراه با دیگر ویژگیها مورد تأکید قرار گرفته است. افزون بر این موارد که به صورت مستقیم از اخلاق سخن می‌گوید، دلالت‌های فرهنگی سند نیز به صورت غیر مستقیم بر اخلاق دلالت دارد، یعنی بخشی از سند به صورت مستقیم به اخلاق پرداخته است و در بخشی دیگر به صورت غیرمستقیم و از طریق تأکید بر مقوله فرهنگ. مروری بر مقوله فرهنگ در این سند نشان می‌دهد که هم در کادر اصلی سند که چشم‌انداز بیست ساله به طور مختصر در آن بیان شده و هم در بندهای هشت‌گانه آن و هم در ملاحظه‌ای که در پایان سند چشم‌انداز آمده است، فرهنگ یک مقوله شاخص و برجسته است. در تلاشی که برای تحلیل بُعد فرهنگی سند چشم‌انداز صورت گرفته، بیست و هشت عنوان واژه فرهنگی در این سند شناسایی شده است.<sup>۳</sup> اضافه بر این بیست و هشت عنوان که می‌توان آنها را واژگان و مفاهیم اصلی فرهنگی سند چشم‌انداز نامید، تعدادی دیگر از واژه‌ها هستند که به طور غیر مستقیم به فرهنگ ارتباط دارند، یعنی اگر صریحاً واژه فرهنگی نیستند دارای وجه فرهنگی یا دلالت فرهنگی و یا اقتضای فرهنگی هستند که این واژگان و مؤلفه‌ها را نیز تا سی و شش عنوان می‌توان برشمرد.<sup>۴</sup> مثلاً فعال بودن گرچه یک مفهوم صد در صد فرهنگی نیست ولی قطعاً دارای وجه فرهنگی هم هست. برخی از واژگانی که در بخش اول قرار می‌گیرند، عبارتند از: اتکاء بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، کرامت انسان، مؤمن و مفتخر به ایرانی بودن. واژگان زیر نیز نمونه‌هایی برای دسته دوم هستند: مسؤولیت‌پذیر، ایثارگر، به دور از فساد.

بر این اساس، تحقق الگوی توسعه متناسب با سند چشم‌انداز لاجرم یک الگوی معطوف به اخلاق و ارزشهای انسانی است که تعاملی گسترده نیز با دنیای پیرامونی خود دارد. از سوی دیگر گامهایی که در سالهای اخیر برای رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و عمومی‌سازی آن برداشته شده حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی را به

<sup>۳</sup> مؤلفه‌های فرهنگی سند چشم‌انداز، کمیته فرهنگی کمیسیون علمی - راهبردی تحقق سند چشم‌انداز؛ ۱۳۸۴ش. (تکثیر محدود).

<sup>۴</sup> همان

حرکتی غیرقابل اجتناب تبدیل ساخته است. طرح توسعه و کاربرد فناوری اطلاعات (که به اختصار تکفا) نامیده می‌شود؛ تشکیل شورای عالی اطلاع‌رسانی به ریاست رئیس جمهور؛ گسترش صنایع مخابراتی و رایانه‌ای به ویژه اینترنت و تلفن همراه و قابلیت‌های آن، طراحی ماهواره‌های مخابراتی و قرار گرفتن در آستانه پیوستن به کشورهای سازنده و دارای ماهواره مخابراتی، اشتغال به کار ۴۹۲ مرکز آموزش عالی و تخصصی برای آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات از مهمترین نشانه‌های رویکرد اخیر ایران به سوی جامعه اطلاعاتی می‌تواند به حساب آید.<sup>۵</sup>

با توجه به آن چه گذشت، با وجود این که در سند چشم‌انداز به صراحت از تعامل اخلاق و فناوری اطلاعات و ارتباطات سخنی به میان نیامده است، اما به استناد وضعیت کنونی کشور و مفاد و دلالت‌های این سند در حوزه فناوری و اخلاق، چنین به نظر می‌رسد که می‌توان در چارچوب سند چشم‌انداز، الگویی برای تعامل اخلاق و فناوری اطلاعات و ارتباطات طراحی کرد که هم با آرمانهای نظام جمهوری اسلامی ایران همراه باشد و هم با تحولات نظام ارتباطی و اطلاعاتی جهان همپا و همسو.

این نکته را نیز در اینجا باید یادآور شد که مقوله اخلاق که در دهه‌های اخیر مورد توجه خاص غربیها قرار گرفته است، در مباحث مربوط به جامعه اطلاعاتی نیز جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است. یکی از منظرهای توجه به اخلاق تأثیرگذاری رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی نوین بر اخلاق عمومی جامعه به ویژه جوانان است. پیش‌فرض این منظر خنثی نبودن رسانه است.<sup>۶</sup> حجم منابعی که از این زاویه به موضوع اخلاق پرداخته‌اند بسیار زیاد است. شکافهای مختلف دیجیتال در دنیای معاصر مانند شکاف از جنبه دسترسی، کاربری، فناوری، آگاهی و فرهنگ‌سازی، مخارج و تعرفه‌ها، موقعیتی و سنی<sup>۷</sup> نیز معمولاً با نگاه آسیب‌شناختی اخلاق مطرح می‌شود. یکی دیگر از نشانه‌های رویکرد اخلاقی نوین در حوزه ارتباطات و اطلاع‌رسانی، علاقه دست‌اندرکاران بخشهای مختلف این حوزه به تعیین چالشها و ضوابط اخلاقی حوزه خود است، به عنوان نمونه سیاهه‌ای از مسائل کلان و خرد اخلاق نظام اطلاعاتی از سوی انجمن اطلاع‌رسانان آمریکا در سال ۱۹۸۴م. فراهم آمده است. و انجمنها و مؤسسات و پژوهشگران متعددی هم در این زمینه به فعالیت پرداخته‌اند.<sup>۸</sup> شاهدهی دیگر در این زمینه، انعکاس

<sup>۵</sup> برای گزارشی سودمند در این زمینه، رک. ایران و جامعه اطلاعاتی - وضعیت، پیشرفت و چشم‌انداز؛ جمعه ۲۱ آذر ۱۳۸۲؛ در:

<http://www.iranwsis.org/Default.asp?C=IRNW&R=&I=#۳۳BN33>

<sup>۶</sup> ذکائی، محمد سعید، جوانان و رسانه‌ها، در: <http://iranwsis.org>؛ ۳ آذر ۸۳/

<sup>۷</sup> پورخصالیان، عباس، نقدی بر متون فارسی مربوط به اطلاعات، جامعه اطلاعات و و اجلاس جهانی جامعه اطلاعات، ماهنامه دنیای مخابرات و اطلاعات.

<sup>۸</sup> آزاد، اسدالله، لزوم پایبندی به اصول اخلاقی در اطلاع‌رسانی، فصلنامه اطلاع‌رسانی، دوره شانزدهم، شماره ۱ و ۲.

موضوع اخلاق در همایشهای بزرگی است که سازمانهای بین‌المللی مانند یونسکو برپا می‌کنند، به عنوان مثال در نشستهای اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در ژنو، شرکت‌کنندگان در میزگردها از همه طرف‌های ذینفع خواستند تا بر آگاهی خود از ابعاد اخلاقی بکارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بیفزایند، و تعدادی از سخنرانان نیز به اهمیت اخلاق برای جامعه اطلاعاتی که باید جامعه‌ای مروج عدالت و حافظ شأن آدمی باشد، اذعان کردند و همچنین تأکید کردند که برای جلوگیری از مقابل اسپیم (هرزنامه) معاهده‌ای بین‌المللی تدوین گردد.<sup>۹</sup> همچنین در چندین بخش از بیانیه اصول ایجاد جامعه اطلاعاتی: چالشی جهانی در هزاره جدید به موضوع اخلاق توجه خاص شده است. از جمله در بند ۱۹ بخش اول این بیانیه با عنوان الف. دیدگاه مشترک ما پیرامون جامعه اطلاعاتی توجه به ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی تصریح شده است، و در ردیف سی و هفتم بیانیه، ذیل بند پنجم (ایجاد اعتماد و امنیت در استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی) از بخش دوم بیانیه با عنوان ب. جامعه‌ای اطلاعاتی برای همگان: اصول اساسی، نیز تصریح شده است که: هرزنامه معضل مهم و فزاینده‌ای برای کاربران، شبکه‌ها و کل اینترنت است. برخورد با هرزنامه و امنیت سایبری باید به گونه‌ای مناسب در سطح ملی و بین‌المللی صورت بگیرد. افزون بر این بند دهم این بیانیه نیز با عنوان ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی با چهار بند (بندهای ۵۶ تا ۵۹) ویژه مباحث اخلاقی است.<sup>۱۰</sup> اجلاس آتی جامعه اطلاعاتی نیز که ۲۵ تا ۲۷ آبان ۱۳۸۴ ش. در تونس تشکیل خواهد شد موضوع اخلاق را به عنوان موضوعی محوری در دستور کار خود دارد:

مسأله مهم بعدی که نیاز است در تونس مورد توجه جدی قرارگیرد مسأله اخلاق در جامعه اطلاعاتی است. اهمیت این بحث به حدی است که در صورت عدم موفقیت در کانالیزه کردن آن هر نوع موفقیت دیگر خدشه‌پذیر تلقی خواهد شد. واقعیت آن است که مباحث توسعه بدون بومی شدن نخواهند توانست تأثیرات مثبتی بر طالبان توسعه داشته باشند. اگر اینترنت نیز تنوع اخلاقی و فرهنگی را نادیده بگیرد حتی اگر مظاهر توسعه به کشورها راه بیابد باز مشکل عمده‌ای به نام نفوذ تمدن غربی باقی خواهد ماند و این مسأله می‌تواند تمام توفیقات موجود را زیر سؤال ببرد<sup>۱۱</sup>

این بحث را با جمله‌ای از فیلیپ گنو مدیر پیشین بخش جامعه اطلاعاتی یونسکو به پایان می‌بریم:

<sup>۹</sup> اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در ژنو؛ گزارش رسمی: بخش ششم و پایانی، [www.jamejamonline](http://www.jamejamonline)، دوشنبه، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۴.

<sup>۱۰</sup> بیانیه اصول ایجاد جامعه اطلاعاتی: چالشی جهانی در هزاره جدید، <http://iranwsis.org>.

<sup>۱۱</sup> صمدی، مهدی، WSIS و تونس ۲۰۰۵، ۱۷ فروردین ۱۳۸۴، <http://iranwsis.org>.



تنها اخلاق می‌تواند «حقوق طبیعی» را، که حقوق مشترک بشریت است، پایه‌گذاری کند.<sup>۱۲</sup>

بنابراین سخن گفتن از ضرورت تدوین الگوی تعامل اخلاق و فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اساس سند چشم‌انداز، یک گرایش آرمانی نیست و با توجه به تحولات جهان معاصر حرکتی همسو با گرایشهای جهانی نیز به حساب می‌آید، البته طبیعی است که الگوی متناسب با سند چشم‌انداز مبتنی بر مبانی معرفتی خاص خود است که بحث در باره آن را باید به فرصتی دیگر موکول کرد، اما شاید بتوان مهمترین پایه‌ها و ویژگیهای آن را به شرح زیر برشمرد، به این امید که در فرصت و مجالی دیگر به دقت و وسعت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد:

- تبیین مفهوم اخلاق در محیطهای مجازی و جامعه اطلاعاتی - تحولات ارتباطی و اطلاعاتی نوین پاره‌ای مفاهیم نو پدید آورده است و پاره‌ای از مفاهیم را نیز دستخوش تحولی بنیادی کرده است. این پرسش بنیادین در باره اخلاق مطرح است که آیا برآستی مفهوم اخلاق نیز دگرگون شده است و یا تنها مصادیقی نو پیدا کرده است و مفهوم پیشین آن همچنان به قوت خود باقی است. آیا در محیطهای مجازی همه چیز از جمله اخلاق به راستی مجازی می‌شوند یا پاره‌ای از مفاهیم معنی حقیقی خود را همچنان حفظ می‌کنند. اگر رویکرد نخست را بپذیریم، ناگزیر از ارائه تعریفی جدید از اخلاق هستیم و اگر رویکرد دوم را بپذیریم، تنها باید در باره مصداقهای اخلاق در محیطی جدید که محیط مجازی خوانده می‌شود بحث و بررسی کنیم و نیازی به بازتعریف نیست. این مختصر مجالی برای بحث تفصیلی در این زمینه نیست، ولی به نظر می‌رسد مقوله‌هایی مانند ارزشهای اخلاقی و دینی مفهومی مجازی پیدا نمی‌کنند و هیچ‌گاه جامعه حقیقت از تن به در نمی‌کنند، بنابراین همان تعریفی که از اخلاق در محیطهای حقیقی در دست داریم می‌تواند برای محیط مجازی هم مد نظر قرار گیرد.

- بازتعریف مفاهیمی همچون فقر و غنای اطلاعاتی و شکاف اطلاعاتی با رویکردی ارزش‌محور - یکی دیگر از ویژگیهای تدوین الگوی ملی تعامل اخلاق و فناوری اطلاعات، تعریف مفاهیم بنیادی مرتبط با جامعه اطلاعاتی متناسب با نظام و مبانی معرفتی خاص و دین‌محور ماست. تجربه جوامع شرقی در به کارگیری واژه‌هایی که بار مفهومی خاص خود را متناسب با محیطهای غربی دارد، تجربه‌ای تلخ است. بنا بر این

<sup>12</sup> معتمدزاد، ۲ / ۲ / ۸۴، <http://iranwsis.org>

اتخاذ موضع در باره مفهوم این واژه‌ها و تعریف آنها بر اساس مبانی خود امری بسیار مهم و ضروری است، به عنوان نمونه، فقر و غنای اطلاعاتی امروزه تنها با معیارهای کمی سنجیده می‌شود، اما چه بسا بتوان با ارائه معیارهایی نو - البته به گونه‌ای که قابل فهم در سطح جهان باشد - تعریفی نو بر اساس نوع پیام و اطلاعات ارائه داد؛ به عنوان مثال فقر اطلاعاتی را ناتوانی در تولید و مصرف اطلاعات در مسیر رشد و کمال انسانی تعریف کرد، هر چند کمیت اطلاعات تولید شده بسیار بالا باشد و بر عکس غنای اطلاعاتی را توانمندی در تولید پیامها و اطلاعات اثر بخش و انسانی به رغم ضعف در صنعت اطلاع‌رسانی و ارتباطات دانست.

• تمییز مرزهای اخلاق با حقوق و توجه به تفاوت سیاستها و اقدامات مناسب برای رسیدن به اهداف اخلاقی با سیاستها و اقدامات مناسب برای رسیدن به اهداف حقوقی و قانونی. یکی از مهمترین چالشهای رویکردهای اخلاقی معاصر به ویژه در آن چه به جامعه اطلاعات ارتباط می‌یابد عدم تمییز بین مرزهای اخلاق و حقوق و در هم‌ریختگی این دوست.<sup>13</sup> در اکثر مباحث معاصر موضوع اخلاق و حقوق خلط شده است، و به همین دلیل به نظر می‌رسد مادام که مرزی روشن بین اخلاق و حقوق تعیین نشود، تلاشهایی که برای رشد اخلاق صورت می‌گیرد راه به جایی نبرد. البته نشانه‌هایی از توجه به تفاوت‌های این دو و درونی دیدن اخلاق و مطرح ساختن نیاز به یک علم اخلاق هزاره سوم و اخلاق مبتنی بر مذهب در آثار معاصرین به چشم می‌خورد.<sup>14</sup>

• بومی‌گرایی فعال همراه با رویکرد جهانی انتقادی، سنجیده و اثرگذار - الگوی فناوری اطلاعات معطوف به اخلاق و متناسب با سند چشم‌انداز، لاجرم رویکردی بومی دارد و در درجه نخست باید ناظر به جامعه ایرانی و مسائل آن باشد. اخلاقیات جامعه اطلاعاتی ایرانی گرچه کاملاً گسسته از مسائل اخلاقی جهانی نیست، اما بدون تردید همه مسائل و مشکلات اخلاقی جهانی نیز عیناً برای جامعه ایرانی یک مشکل به حساب نمی‌آید. اما این بومی‌گرایی فعال به مفهوم غفلت از محیط پیرامون نیست. ما نیازمند نگاهی هستیم که هم تحولات جهانی را نادیده نگیرد و هم همه چیز را به آن نسپرد، هم یکسره به جهان چشم ندوزد و هم یکباره از آن چشم نبندد.

<sup>13</sup> برای بحثی مبسوط و مستدل در این زمینه، رک. الویری، محسن، اخلاق و فناوری اطلاعات، در

[http://www.bashgah.net/modules.php?name=News&new\\_topic=4](http://www.bashgah.net/modules.php?name=News&new_topic=4)

<sup>14</sup> صمدی، مهدی، WSIS و تونس ۲۰۰۵، ۱۷ فروردین ۱۳۸۴، <http://iranwsis.org>.

- تلاش برای خلق خرده‌فرهنگهای مجازی و حقیقی جدید و سامان‌دهی آنها- حضور اخلاقی فعال در صحنه جهانی نیازمند فضا سازی و خلق خرده‌فرهنگهای مجازی همسو با گرایشهای کشور ایران و حمایت از آنهاست. چه بسا این روند به تشکیل اتحادیه‌هایی مانند اتحادیه جامعه اطلاعاتی کشورهای اسلامی یا اتحادیه جامعه اطلاعاتی کشورهای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی ( شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه؛ مطابق تعریف سند چشم‌انداز) بیانجامد. در دنیایی که هنوز تکثرگرایی اینترنتی در سطح ناچیزی قرار دارد و سهم کشورهایایی که اصطلاحاً به آنها جهان سوم می‌گویند در این دنیای مجازی گسترده بسیار اندک است،<sup>15</sup> ما باید بکوشیم از سهم حضور اندک خود بهره‌ای مناسب ببریم.
- جامعیت و همه‌جانبه‌نگری همراه با رویکردی مسأله‌محور در مسائل خرد اخلاقی جامعه اطلاعاتی - الگوی متناسب با سند چشم‌انداز لاجرم باید الگویی همه‌جانبه‌نگر و جامع باشد. کلان‌نگری گاه دست‌اندرکاران را به کلی‌گویی و کل‌گرایی و غفلت از مسأله‌ها می‌کشاند. الگوی مطلوب باید ضمن جامع‌نگری و برخورداری از نگاهی کلی، ناظر به مسائل خرد اخلاقی ارتباطاتی باشد. گزارشهایی از نگرشها در باره مسائل خرد و کلان اخلاقی اطلاع‌رسانی و ارتباطات و دسته‌بندی آنها ( مثلاً مسائل خرد اخلاقی مربوط به تولید، اشاعه و کاربرد اطلاعات ) در منابع مختلف آمده است.<sup>16</sup>
- توجه همزمان به ابعاد حق و وظیفه شهروندان و نهادهای عمومی و حکومتی در فرایند تولید و مصرف پیام - در فرایند تولید، توزیع و مصرف پیام دولت و مردم دارای نقش و سهم هستند. این نقش گاه برخاسته از حقی است که این دو نسبت به طرف مقابل بر عهده دارند و گاه معطوف به وظیفه‌ای که بر دوش دارند. طراحی و اجرای الگویی کارآمد و دین‌محور از تعامل اخلاق و فناوری اطلاعات و ارتباطات در چارچوب سند چشم‌انداز، تنها وقتی میسر است که همزمان به حق و وظیفه همه ذی‌نفعان این فرایند توجه شود. به عنوان نمونه در پیش‌نویس اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، از این اصل که دانستن حق مردم است وظایفی برای خبرنگار برداشت شده که آزادی یکی از آنهاست؛ اما این که رشد و توسعه فضائل

<sup>15</sup> صدی، WSIS و تونس ۲۰۰۵، ۱۷ فروردین ۱۳۸۴، <http://iranwsis.org>.

<sup>16</sup> از جمله ر.ک. آزاد، اسدالله، لزوم پابندی به اصول اخلاقی در اطلاع‌رسانی، فصلنامه اطلاع‌رسانی، دوره ۱۶، شماره ۱ و ۲.

اخلاقی هم حق مردم است و فراهم آوردن فضای مناسب برای آن وظیفه دولت، مورد توجه قرار نگرفته است.

• توجه ویژه به مزیت نسبی کشور در تولید پیام در کنار تلاش برای بهره‌گیری از همه ظرفیتهای کشور در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات - گامهای بلندی در زمینه سخت‌افزاری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور ما برداشته شده است و بازار اقتصادی و اشتغال‌آفرینی این فناوری به یکی از حوزه‌های قابل توجه در اقتصاد کشور تبدیل شده است، با این همه به نظر می‌رسد در مقیاس جهانی، مزیت نسبی کشور ما - که ما را از دیگران برتر می‌نهد - تولید پیام است. براساس گزارش برنامه سوم توسعه، هر چند در بخش سخت‌افزاری فناوری اطلاعات، صنعت مونتاژ یارانه‌های شخصی از رونق خوبی برخوردار است و کشور در سه زمینه اصلی الکترونیک مخابرات و نرم‌افزار و همچنین نیروی انسانی دارای مزیت نسبی رقابتی است ولی به هر حال در مقایسه با دیگر کشورها در تحقق این مزیت دچار مشکل است. هر چند بر اساس سند چشم‌انداز ما باید از همه ظرفیتهای کشور در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بهره بگیریم ولی نباید از یاد ببریم در این فرایند طولانی آن چه که به طور نسبی مختص ماست و امکان سرمایه‌گذاری دیگران روی آن از کشور ما کمتر است نوع پیام تولید شده است و مزیت ما در دیگر جنبه‌ها محدود، آسیب‌پذیر و گذراست. جوهره این پیام که تجلیات متنوع و متعددی می‌تواند داشته باشد، نگاه نوینی است که به انسان و تعامل او با هستی و چگونگی زیست او داریم.

• برتری دادن دروازه‌بانی دریافت‌کنندگان پیام و تقویت آن در مقایسه با دیگر شکل‌های احتمالی دروازه‌بانی پیام - دروازه‌بانی پیام یکی از مهمترین مسائل یک فرایند ارتباطی و اطلاع‌رسانی است. پیش از این به اختصار توضیح داده شد، که حقوق امری بیرونی و اجتماعی و اخلاق امری درونی است، و نمی‌توان یک نظام اخلاقی مطلوب را تنها با ساز و کارهای قانونی و حقوقی و کنترل اجتماعی محقق ساخت، بلکه باید روی تربیت درونی انسانها نیز سرمایه‌گذاری کرد، بر این اساس و بر اساس مبانی معرفتی سند چشم‌انداز، بهترین و کارآمدترین شکل دروازه‌بانی پیام این است که دریافت‌کنندگان پیام خود بر اساس معیارهای اخلاقی دست به گزینش پیام بزنند. این سخن به مفهوم آزادی مطلق و بی‌قید و شرط تولید پیامهای غیراخلاقی نیست ولی باید در کنار کنترل و جلوگیری از تولید این گونه پیامها - که خود

گونه‌ای از دروازه‌بانی پیام به شمار می‌آید - در اندیشه‌ی ساز و کارهایی بود که دریافت‌کنندگان پیام به بهترین و قابل‌اعتمادترین دروازه‌بانان تبدیل شوند.

• بازنگری در شاخصهای توسعه‌ی اطلاعاتی و ارتباطی و تبدیل شاخصهای کمی میزان بهره‌مندی از فناوری به شاخصهای کیفی چگونگی بهره‌گیری از آن - شاخصهای رایج و کنونی در جهان برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی در حوزه‌ی اطلاعات و ارتباطات مجموعه‌ای از شاخصهای کمی است که معمولاً دربردارنده‌ی موارد زیر است: زیرساختها، منابع انسانی، بودجه و توانمندی مالی، دولت و قوانین.<sup>۱۷</sup> همچنین براساس برنامه توسعه تعیین شده از جانب سازمان ملل متحد برای تجزیه و تحلیل توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای مختلف چهار شاخص کلی زیر مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد: شاخص قابلیت اتصال، شاخص دسترسی، شاخص کاربری و شاخص آزادسازی.<sup>۱۸</sup> هر یک از این شاخصها دارای مؤلفه‌های جزئی متعددی است. به نظر می‌رسد در یک نظام اطلاعاتی و ارتباطاتی معطوف به اخلاق در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، این شاخصهای کمی کارآمدی لازم را برای سنجش توسعه‌یافتگی ارتباطاتی و اطلاعاتی نیست. این شاخصها در بهترین حالت می‌توانند میزان بهره‌مندی از فناوری اطلاعات و ارتباطات را نشان دهند، اما با این پیش‌فرض که توسعه‌یافتگی بیش از آن که میزان بهره‌مندی ارتباط داشته باشد به چگونگی بهره‌مندی ارتباط پیدا می‌کند، باید به سراغ تجدید نظر در این شاخصها رفت و شاخصهایی کیفی برای نشان دادن و اندازه گرفتن چگونگی استفاده از این فناوری تدوین کرد.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گذار از جامعه صنعتی و ورود به جامعه اطلاعاتی امری اجتناب‌ناپذیر شده است، و نظام مدیریت و کنترل اجتماعی بوروکراسی مستقل از اراده ما رفته رفته جای خود را به اینفوکرسی می‌دهد. کشور ما با مشکلاتی در این مسیر روبروست، اما در سالهای اخیر و در قالب اجرای برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، گامهای بسیار خوبی برای ارتقای فناوری اطلاعات و ارتباطات برداشته شده است و عملاً حرکت به سمت جامعه اطلاعاتی آغاز شده است، اما هنوز مسؤولان کشور به تعریفی مورد وفاق از جامعه اطلاعاتی دست نیافته‌اند و در باره سمت و سو و

<sup>17</sup> حسنی، فرنود، تظاهرات دیجیتال جامعه اطلاعاتی ایران، قسمت سوم، <http://iranwsis.org>، ۱۹ اسفند ۸۳

<sup>18</sup> حسنی، فرنود، تظاهرات دیجیتال جامعه اطلاعاتی ایران، قسمت چهارم، <http://iranwsis.org>، ۲۲ اسفند ۸۳

ویژگیها و مزیت‌های ما و چگونگی تعامل با جامعه جهانی به تدبیر ننشسته‌اند.<sup>۱۹</sup> در پرتو شرایط پدید آمده پس از ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، اکنون فرصتی بسیار مناسب پیش روی ماست تا طرحی نو در زمینه تعامل اخلاق و فناوری اطلاعات و ارتباطات دراندازیم. چنین طرحی نه تنها برآورنده نیازهای بومی ماست، بلکه می‌تواند برای دیگران هم نقش الگویی داشته باشد.

<sup>19</sup> در زمینه افق آینده جامعه اطلاعاتی در ایران، ر.ک. یوسفی، رضا، چالش‌های پیش روی جامعه اطلاعاتی؛ جامعه اطلاعاتی، چالش‌ها، فرصت‌ها (نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ویژه نامه نظام جامع رسانه‌ها شماره ۴۲ چاپ زمستان ۱۳۸۲)؛ ماهنامه مخابرات و ارتباطات: <http://www.tcwmagazine.com/tahlil/m4-5.htm>؛ ایران و جامعه اطلاعاتی - وضعیت، پیشرفت و چشم‌انداز؛ جمعه ۲۱ آذر ۱۳۸۲ در:

<http://www.iranwsis.org/Default.asp?C=IRNW&R=&I=#۳۳BN33>



## نسبت میان فلسفه اخلاق و فلسفه تکنولوژی

دکتر شاپور اعتماد

مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور (مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

Etemad@nrsp.ir

در اینجا، اصل را بر این می‌گذاریم که تعریفی از تکنولوژی ارائه دهیم، و در پرتو آن به مسأله موردنظر بپردازیم. چون ما در زمینه فلسفه اخلاق سابقه دیرینه داریم و انواع و اقسام بحث‌های مختلف از باستان یعنی از زمان تأسیس فلسفه در جریان بوده است و مفاهیم برجسته‌ای در آنجا ساخته شده و مفهوم‌پردازی شده است و شکل ظاهراً قطعی یافته که امروز لااقل می‌توانیم بگوییم که وقتی صحبت از فلسفه اخلاق می‌کنیم صحبت از اصول مجردی می‌کنیم که به کمک این اصول مجرد سعی می‌کنیم مفاهیمی را که انگیزه اصلی برای تأسیس فلسفه اخلاق بوده - انواع و اقسام مفاهیمی که به صورت پرسش فلسفی مثل عدالت چیست، آزادی چیست و قس علیهذا - تبیین کنیم، مفاهیمی که در آن چارچوب صورت‌پردازی شده است امروز به کمک مفاهیم و اصول مختلفی در چارچوب نظام اجتماعی معاصر صورت‌بندی می‌شود و از آن براساس انواع و اقسام مسائلی که جامعه یا افراد یا نهادهای اجتماعی با آن مواجه می‌شوند استفاده می‌گردد. هنگامی که سعی می‌کنیم ارتباطی برقرار کنیم سعی می‌کنیم بفهمیم که آیا مثلاً فلان تکنولوژی آزادی‌های ما را گسترش می‌دهد یا مثلاً سبب گسترش عدالت می‌شود و یا نه. اما بر خلاف فلسفه اخلاق، فلسفه تکنولوژی بر خلاف انتظار یک بحث کاملاً جدیدی است و حتی طول عمرش از یک قرن یا یک قرن و نیم بیشتر نمی‌گذرد با اینکه امروز به نحوی فلسفه تکنولوژی و فلسفه علم در هم تداخل کردند و با هم پایه‌ها پیش می‌روند و ارتباطشان مشهودتر و مشهودتر شده است ولی به طریقی در دوره باستان آن اهمیتی که برای معرفت‌نظری یا علمی قائل می‌شدند برای جسم یا معرفت عملی قائل نشدند و این بی‌اعتنایی روی هم رفته دوام پیدا کرد. تا عصر معاصر که به دلایل مختلفی که در ارتباط با تکنولوژی بشر با موقعیت‌های معینی مواجه شد، تکنولوژی از حالت پس زمینه از حالت یک عنصر زمینه‌ای‌اش خارج شد و با تحقیقی که یکسری از فلاسفه در مورد این مفهوم انجام دادند آن را بیگانه به متنش کردند و با بیگانه کردن نسبت به متن اجتماعی‌مان که تکنولوژی درش درج شده بود توانستند از تکنولوژی پدیده‌ای بسازند که ارزش فکر کردن داشته باشد و بتوانیم در موردش مطالبی بگوییم که فراتر از آن جنبه مادی تکنولوژی آن طور که تداعی می‌شود برود. اکنون سعی می‌کنیم به نحوی به ماهیت تکنولوژی اطلاعاتی یا ارتباطی نزدیک شویم. برای این منظور این سوال مطرح می‌شود که آیا مصنوعات سیاست دارند؟ (این سوال همرا با متن مقاله‌ای در ارتباط با آن به طور محدود میان حضار توزیع شده است).

این پرسش ساده‌ای است که مطرح می‌شود. در درجه اول هم خیلی بیگانه به مفروضات روزمره زندگی ما

است.



از جمله چیزهایی را که اهل سیاست می‌دانیم لاقلاً فکر نمی‌کنیم که مصنوعات چنین خصوصیتی دارند و مقاله سعی می‌کند که یک همچنین خصلتی را به تکنولوژی نسبت دهد. برای اینکه نشان داده باشد که تکنولوژی را یک امر ساده به معنی خنثی کلمه تلقی نکنیم که می‌تواند اختراع شود و در زندگی ما درج گردد و کنار ما قرار بگیرد و زندگی ما همانطور به سیر خودش با افزوده شدن این عنصر جدید ادامه دهد، جنبه انسانی که مطرح می‌شود این است که عملاً ورود هر تکنولوژی به نحوی موقعیت زیست - جهانی ما را تغییر می‌دهد و تاثیرات خودش را دارد و معمولاً هم عناصر تکنولوژی که وارد عرصه زیست - جهان ما می‌شوند اگر دوامی داشته باشند این دوام نسبتاً پایدار است و در موردشان کار چندانی هم نمی‌شود کرد. اگر کاری هم بشود کرد در همان ابتداء است ولی به مجردی که ما از آن مراحل ابتدایی گذشتیم دیگر عملاً جزو لاینفک کل زندگی ما می‌شوند. با هر مقصودی هم که در ابتدا اختراع شده باشند فرق چندانی نمی‌کند. بعد از اینکه مصادیقی که در مورد مساله تکنولوژی ارائه کند در آمریکا به خصوص در ارتباط با یک معمار مشهور نیویورکی که انواع و اقسام مصنوعات جدیدی را به شهر نیویورک اضافه کرد از بزرگراه گرفته تا جاهای تفریحی تا ساختمان‌های استثنایی سپس نظرش را در مورد تکنولوژی ارائه می‌دهد و در اینجا نتیجه‌گیری‌های او را یک جا ارائه می‌کنیم "چیزهایی را که ما تکنولوژی می‌خوانیم شیوه‌های گوناگون ایجاد نظم در جهان مان هستند بسیاری از وسایل و دستگاه‌هایی که برای زندگی روزمره مهم‌اند و به درد انواع و اقسام روش‌های نظم بخشیدن به فعالیت انسان‌ها می‌خورند در بطن خود امکان‌های مختلفی دارند. چه آگاه و چه ناخودآگاه چه عمداً و چه سهواً. جوامع انسانی برای تکنولوژی‌ها ساختاری‌هایی را انتخاب کردند که بر نحوه کار کردن مردم بر نحوه ارتباط برقرار کردنشان و بر نحوه مصرف کردنشان برای مدت‌های مدید تاثیر می‌گذارد در طول فرآیند تصمیم‌گیری در مورد این ساختارها افراد مختلف در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارند و نه یکسان صاحب قدرت‌اند و نه یکسان به این امر وقوف دارند. بیشترین دامنه انتخاب فقط زمانی وجود دارد که یک ابزار خاص یا یک دستگاه معین یا یک دستگاه مشخص برای نخستین بار مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. چون بعد از هر انتخاب همین گزینش‌ها به تدریج در قالب ابزار مادی سرمایه‌گذاری اقتصادی و عادت اجتماعی شکل بسیار ثابتی به خود گیرد به بیان دیگر با تصمیم‌گیری‌های ابتدایی عملاً تمام انعاف‌پذیری اولیه از بین می‌رود. از نظر نوآوری‌های تکنولوژیک مشابه مصوبات قانونی یا پایه‌گذاری نهادهای سیاسی هستند [و این مهم است که فرآورده تکنولوژیک را یا فرآورده جدید تکنولوژیک را با یک لایحه و قانون مقایسه می‌کند] که کارشان در واقع تامین چارچوبی است برای نظم عمومی. که معمولاً برای مدت چند نسل دوام می‌آورد. به همین دلیل همانطور که در مورد قواعد نقش‌ها و رابطه‌های لازم در سیاست همیشه وقتی استثنایی برای مطالعه اختصاصی آنها صرف می‌کنیم همین وقت را نیز باید در مورد ساختن برنامه راه‌های ایجاد شبکه‌های تلویزیونی و اضافه کردن خصوصیات به ظاهر ناچیز به ماشین‌ها و دستگاه‌های جدید اختصاص دهیم. مسائلی که مردم جامعه را در برابر هم یا در کنار هم قرار می‌دهد فقط از طریق نهادها و روش‌های سیاست به معنای محدود کلمه حل نمی‌شود بلکه افزون بر آن، گر چه این مطلب بسیار دور از ذهن است، به آرایش ملموس آهن و بتون، ترانزیستور و پیچ و مهره نیاز است." این یک مفهوم جامع و عمومی است که این مقاله مطرح می‌کند و به طور ضمنی، ضمن اینکه می‌گوید این فرآورده تکنولوژیک ما می‌تواند به صورت پلاستیک عمل کند در عین حال می‌گوید که ممکن است نسل‌ها دوام بیاورد و ما کاری از

عده‌مان برنیاید و نمونه‌ای که اینجا به خصوص در نظرش هست استفاده از انرژی هسته‌ای است برای تولید برق و مشکلاتی که یک نیروگاه می‌تواند در یک موقعیت اجتماعی فراهم کند. و اینکه یک همچون نیروگاهی متضمن چه نظام اجتماعی است که با خودش می‌آورد. حالا به صورت مجرد چه می‌توانیم بگوییم یعنی فرض را بر این بگیریم که شما با یک تکنولوژی سروکار دارید این تکنولوژی که استفاده‌اش مد نظرتان هست به ترتیبی در این زیست - جهان شما درج می‌شود. فرض کنید که این زیست - جهان مرکب است از جهانی که مقابل شما قرار دارد و جهانی که یک عنصرش تکنولوژی و جهانی که یک عنصرش خود انسان است.

### جهان - (تکنولوژی - انسان)

اگر این سه عامل اصلی را در نظر بگیرید موقعیتی که معمولاً پیش می‌آید به چه صورت است؟ این است که با نوعی شفافیت روبرو می‌شویم خود واقعیت امور را چنان به ما عرضه می‌کند که در حقیقت ما اصلاً از عهده دیدن خود این مساله تکنولوژیک بر نمی‌آییم. معمولاً مثالی که در این زمینه آورده می‌شود مثال چکش است. وقتی که می‌خواهید با چکش میخی را بکوبید، عملاً وقتی را که سرگرم این کار می‌شوید این چکش بعد از مدتی جزو وجود شما می‌شود و دیگر حس نمی‌کنید عنصری است بیگانه و کارتان را به کمک آن انجام می‌دهید. و در تمام مدتی که آن کار را انجام می‌دهید در خدمت شماست. یا اگر کامپیوتر را در نظر بگیرید تا زمانی که تایپ می‌کنید و وقتتان پیش می‌رود. در حقیقت صفحه کلید و مانیتور در اختیار شماست و به نوعی تقویت‌کننده توانایی‌های شما به حساب می‌آید و عملاً هیچ توجه خاصی جز توجه به کار خودتان ندارید. چه موقع پیش می‌آید که شما متوجه می‌شوید که یک وجودی سوای وجود شما در کار است؟ در چنین موقعیتی فقط هنگامی که از کار بیفتید. مثلاً سر چکش بپرد یا در مورد کامپیوتر برق برود در آن حالت است که یکدفعه چکش به جای اینکه جزو وجود شما باشد در برابر وجود شما قرار می‌گیرد. آن موقع است که پی می‌برید به وجود شی‌ای که تا حالا به صورت وجودی داشتید از آن استفاده می‌کردید و دنیای شما را نظم می‌داد و کارتان را پیش می‌برد. این نسبتی را که برقرار می‌شود نسبت تجسمی embodiment relation می‌گویند.

### جهان - (تکنولوژی - انسان)

به این معنی که به نحوی شی‌ای که با آن سرو کار دارید به عنوان وسیله کاری در جسم شما ادغام می‌شود. در هنگام اجرای کار با کامپیوتر هم آن وسیله محو می‌شود و شما کارتان را ادامه می‌دهید و به این اعتبار این در توان زبانی شما ادغام شده و موجود مستقلی از خود ندارد. بنابراین در این شکل اساسی است که تکنولوژی‌ها یا مصنوعات با وجود انسانی ارتباط برقرار می‌کنند و در هنگام کار یا جریان زندگی جزو لاینفک وجود آنان می‌شوند.

اکنون نحوه پی بردن ما به این موجودات تکنولوژی یا مصنوعات چگونه است؟ در موقعیتی ما به وجود این مصنوعات پی می‌بریم (مثلاً همانطور که در بالا گفتیم وقتی در هنگام کار کردن با کامپیوتر ناگهانی برق

می‌رود یا وقتی که سر چکش از دسته آن جدا می‌شود) حال اگر این دید را تعمیم دهیم یعنی کار با یک ابزار یا Technology in\use را ادامه دهیم به کجا می‌رسیم: چگونه ضمن اینکه در مورد نحوه ادغام تکنولوژی‌های مختلف در زندگی‌مان تأمل می‌کنیم به یک مساله اخلاق هدایت می‌شویم؟

وقتی این حالت in-use را با non-use مقایسه کنیم (یعنی اینکه یک تکنولوژی in-use در این حالت مصنوع خودش را پس می‌کشد و محو می‌شود در وجود ما و یا در حالت non-use قرار گیرد یعنی از کار بیفتد). حال اگر این مساله را با چشم‌انداز تاریخی نگاه کنید در مورد تکنولوژی چه می‌توانیم بگوییم؟ آیا می‌توانیم به نحوه دیگری به وجود تکنولوژی پی‌ببریم؟ و آیا می‌تواند ما را هدایت کند به موقعیت دیگری؟ در دوره جدید شاهد این بودیم که چگونه تکنولوژی علمی امکان این embodiment یا تجسم بخشی را بیشتر کرده است و ما از قلمروای به قلمرو دیگر رفته‌ایم و موقعیت قدرت خودمان را تقویت کرده‌ایم، در واقع چه اتفاقی افتاده است؟ اتفاقی که افتاده این است که ما به قدری در این قدرتمان اصرار داشتیم که به قدری در این سلطه‌مان توفیق داشته‌ایم که از قرن بیستم به بعد با یک موقعیت استثنایی روبرو شده‌ایم. که این حالت in-use و کاربردپذیری از بین می‌رود. حال این به چه معناست؟ به این معنا (و در واقع حرف هایدگر، یکی از فلاسفه، عملاً این است) ما با in-use فرض کردن هر چیزی با قابلیت استفاده هر چیزی عملاً دنیایی را به فرض گرفتیم که این دنیا وجودش فقط برای این است که ما از آن استفاده کنیم. به این معنا که دنیایی را که چنین فرضی را در مورد آن می‌کنیم یک دنیای لایزال است. که تصور او از این لایزال این است که هر چقدر ما از آن استفاده کنیم انگار انتهایی برای استفاده بشری وجود ندارد. و نتیجه‌گیری می‌کند که ما اکنون به موقعیتی رسیده‌ایم که این جهان لایزال در مقابل ما قیام کرده و ما متوجه شدیم که اینطور نیست. و جهان ما جهانی است متناهی با منابع محدود در نتیجه اگر شما در آن جهان لایزال توانستید فرض را بر این چنین بی‌اخلاقی بگذارید که هر چقدر خواستید از آن استفاده کنید. لاقلاً در این موقعیت جدید دیگر نمی‌توانید با محدود بودن این منابع در آن موقعیت قرار بگیرید که استفاده لایزالی بکنید. منظور از دخالت فلسفه اخلاق یا مسائل و اصول اخلاقی به این نحو است. حال در این گونه جهان ما قرار است چه نظمی ببخشیم که بتوانیم از این جهانی که به آن تعرض کردیم استفاده معقول کنیم. در پرتو چنین موقعیتی است که باید به رشد روزافزون تکنولوژی اطلاعات نگرست و اینکه آیا می‌تواند نقشی در تقویت مسئولیت‌پذیری جهانی ایفا کند یا آنکه درست به دلیل حذف وجود جسم در کاربرد متعارف آن، تماس ما را با واقعیت حذف کرده و موقعیت خطیر موجود را خطرناک‌تر می‌کند.

حال اگر بخواهیم در مورد ماهیت فناوری اطلاعات، مشابه آن چیزی که در مورد مصنوعات صحبت کردیم، صحبت کنیم چه می‌توانیم بگوییم؟ آیا مصنوعاتی که در اینجا درج می‌شوند و ما استفاده می‌کنیم مشابه همان حالت مصنوعات به طور کلی هستند؟

برای اینکه به نمونه‌های تکنولوژی‌های اطلاعاتی بپردازیم می‌توان با نمونه‌های مختلف کار کرد ولی مهم این است که با در نظر گرفتن مصادیق آن، ببینید با چه عناصری روبرو هستید؟ مصادیقی که ما می‌توانیم برای تکنولوژی اطلاعاتی بگوییم انواع و اقسام چیزهاست. از ساعت گرفته تا image processing systems یا انواع و اقسام موضوعاتی که سروکارشان با ساختن است حال وقتی وارد این عرصه می‌شویم اگر بخواهیم قرینه نسبت تجسمی یا (embodiment relation) را پیدا کنیم به چه صورت است؟ فرض کنیم که با یک

پدیده واحد سروکار دارید و این را می‌خواهید از یک طرف با یک تکنولوژی ابزاری بررسی کنید و از یک طرف هم با یک تکنولوژی ارتباطی یا اطلاعاتی. فرض کنید پدیده‌ای که در نظر می‌گیریم پدیده اندازه‌گیری دما باشد شما از یک طرف دماسنج را دارید. و اگر بخواهید به صورت ابزاری این کار را انجام دهید می‌توانید یک میله فلزی را در نظر بگیرید که یک سر آن در محیط موردنظر برای اندازه‌گیری قرار گیرد مثلاً در هوای آزاد بیرون از خانه. هر دوی این‌ها اطلاعاتی در مورد دما به ما می‌دهند ولی فرق دماسنج با میله فلزی چیست؟ دماسنج وسیله‌ای است که مدرج شده است و عملاً باید آنرا قرائت کنید یعنی عملاً نوعی متن است. اگر از این زاویه متن و قرائت نگاه کنید آن موقع می‌توان گفت که ماهیت تکنولوژی اطلاعاتی یا فناوری اطلاعات عملاً در خصلت تفسیری بودن آن‌ها خلاصه می‌شود. در نتیجه وقتی اینجا از تکنولوژی زبانی یا متنی صحبت می‌کنیم به این معناست که اساساً شما با موقعیتی مواجه می‌شوید که متنی تولید شده که باید طبق قواعدی قرائت شود اگر از این زاویه زبانی نگاه کنیم یک اختلاف اساسی بین تکنولوژی‌های زبانی در قیاس با تکنولوژی‌های ابزاری هست، اگر آنها خیلی معطوف به طبیعت بودند اینها خیلی معطوف به فرهنگ هستند. به معنای فرهنگ در برابر طبیعت، بنابراین نحوه درج آنها در یک فرهنگ خیلی می‌تواند تعیین کننده باشد. حال چه مشکلات و مسائل اخلاقی می‌تواند برای ما یک چنین ماهیتی به وجود آورد؟ در سال‌های هفتاد هنوز برنامه‌های کامپیوتری از عهده پردازش‌ها و شبیه‌سازی‌های زبانی زیاد خوب بر نمی‌آمدند. یکی از دانشمندان سعی کرده بود برنامه‌ای بنویسد که این کار را انجام دهد. این برنامه تا حدی می‌توانست با نحوه زبان بازی کند و یک مقدار هم در معنی‌شناسی زبان متعارف دخالت کند. برنامه‌ای تحت عنوان الیزا نوشته بود که مقصود از نوشتن برنامه این بود که رفتار یک روانشناس را شبیه‌سازی کند. به طوری که با این برنامه روانشناس کامپیوتری بتواند با مریض ارتباط برقرار کند و پایه‌پای هم پیش بروند اما اتفاقی که می‌افتد این است که (به دلیل کنجکاوی یا فضولی) به طور اتفاقی منشی این پروفیسور با برنامه ارتباط برقرار می‌کند. سپس این پروفیسور می‌بیند که منشی تا چه حد تحت تأثیر این برنامه قرار گرفته است. در واقع این برنامه توانسته بود اعتماد کاملی را به فرد تلقین کند و باعث شده بود که آن فرد موقعیت انسانیش را تسلیم یک ماشین بکند. واقعیت امر این است که شما می‌توانید در چنین موقعیتی قرار بگیرید و خیلی ساده به ماشین نسبت‌هایی را بدهید که واقعیت امر آن را تأیید نمی‌کند. در نتیجه یک بحران اخلاقی برای فرد پیش می‌آید که چطور ما در هنگام استفاده از ماشین می‌توانیم تسلیم آن شویم یا خود باخته آن گردیم.

مسئله اساسی این است که شما وقتی با هر تکنولوژی سروکار داشته باشید این تکنولوژی در موقعیت‌های مختلف می‌تواند از خودش رفتارهای مختلفی را نشان دهد بنابراین ما هیچوقت با چیز ثابتی روبرو نیستیم. بلکه با چیزی روبرو هستیم که در کاربرد تعریف می‌شود نه مقدم بر کاربرد. در واقع با هر تکنولوژی که سروکار پیدا می‌کنید از چنان درجه‌ای از ابهام برخوردار است که نمی‌توانید آنرا تعریف کنید. در یک چارچوب معین ابهام یک خاصیت فطری هر تکنولوژی است. حالا در مورد تکنولوژی اطلاعاتی این را می‌توانید به خاطر خصلت زبانی آن تکنولوژی جنبه مضاعف هم بدهید. در کاربرد هست که یک تکنولوژی، یا یک مصنوع، خصلت خودش را تعریف می‌کند و می‌تواند چارچوبی باشد برای اینکه ما در کنارش مسائل اخلاقی را تعریف کنیم. اینکه شما بتوانید شهروند جهان باشید شاید جنبه‌ای است که می‌تواند از نظر

اخلاقی اهمیت چشم‌گیری داشته باشد اما به هر صورت آنچه که می‌توانیم ادعا کنیم این است که با این تکنولوژی‌های (science based) که بر علم استوارند و دائم رو به گسترش بوده‌اند در بعضی از قلمروها به نحو بنیادی باید در اخلاق متعارفمان تجدیدنظر کنیم.

بارزترین مثالش در مورد تکنولوژی‌های تولد یا مرگ (birth and death tech) است که شما عملاً با امکانات پزشکی که فراهم شده است می‌توانید زمان تولد یا مرگ را تعیین کنید یا بنابر ملاحظات اخلاقی، اطرافیان شما این کار را نکنند. بنابراین این قدرت تصمیم‌گیری شما در پرتو این تکنولوژی‌ها فوق‌العاده زیاد شده است. از این نظر با انواع و اقسام بحران‌های اخلاقی روبرو هستید. که قسم بقراط یکی از آنهاست. و یا اینکه تکنولوژی آنقدر برای شما امکانات زیستی فراهم می‌کند. که روان شما اجازه دوام آوردن پا به پا با آن را ندارد. به اعتبار چنین موقعیت‌هایی، اکنون فرهنگ هم از تکنولوژی اشباع شده است. پیامدهای این موقعیت در قالب فرهنگ اینترنتی همچنان قدم‌های اولیه را برمی‌دارد. در ایام قدیم علیرغم وجود تکنولوژی نازل (low technology) فرهنگ والا (high culture) امری محال نبوده است. امروزه بیشتر شاهد آن بودیم که علیرغم وجود تکنولوژی پیشرفته (high technology) بیشتر شاهد فرهنگی نازل بودیم باید دید که آیا تکنولوژی عالی مغایر با فرهنگ والا است یا خیر.

#### منابع

M. Heidegger, the Question Concerning Technology, New York, Harper and Row, 1977.

Joseph Weizenbawn, Computer Power and Hunan Reason, Penguin, 2 Edition, 1982

## اینترنت امن: فرهنگ ایجاد محتوا و بکارگیری اینترنت در ایران

علی محمد زارع بیدکی  
Zare\_b@yahoo.com

فاطمه ناصر اسلامی  
Fatemehna2001@yahoo.com

مریم محمودی  
MaryamMahmoudi@yahoo.com

آزمایشگاه فناوری اطلاعات  
مرکز تحقیقات مخابرات ایران

### چکیده

فناوری اطلاعات و ارتباطات و انقلاب کامپیوتری و اینترنتی در چند سال اخیر تغییرات بسیاری در جنبه‌های مختلف زندگی جوامع اعم از فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و... پدید آورده است. از یک سو این فناوری به عنوان مهمترین ابزار، روش و سرمایه برای توانمندسازی جوامع در قرن جدید برای ایجاد تغییرات اساسی در زندگی، آموزش، اشتغال، نحوه حکومت، و صنعت محسوب شده است. و از سوی دیگر به زعم بسیاری سوء استفاده هایی که از این طریق افراد متخلف و سودجو برای رسیدن به اهداف سودجویانه خود انجام می دهند، این فناوری مخاطره آمیز شده است. بنابراین منجر به نگرانی هایی در مورد تأثیر آن بر رشد و سلامت کودکان شده است. آنچه در اینجا اهمیت دارد آموزش بکارگیری مفید و فرهنگ سازی در استفاده از این رسانه شگفت‌انگیز و پویا، و ایجاد بستری امن برای استفاده کودکان و نوجوانان است که هنوز از قدرت تشخیص و تمییز کاملی برخوردار نیستند. در این مقاله سعی شده است با مرور اجمالی بر کارهای انجام شده و وضعیت موجود در ایران در این زمینه و با توجه به عدم انجام کاری منسجم در زمینه کودکان و نوجوانان، طرحی مطابق با نیازمندی های جامعه و به خصوص اولیاء و مربیان پیشنهاد گردد.

واژه های کلیدی: اینترنت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، فیلترینگ، رده بندی محتوا، موضوعات غیراخلاقی اینترنت.

### ۱ مقدمه

اکنون قریب به ۱۳ سال از ورود اینترنت به ایران می‌گذرد و درست از همان آغازین روزهای ورود، چالش‌های بسیاری را نیز با خود به همراه داشته است. برخی از دیدگاه فنی، برخی فرهنگی و گروهی نیز از ابعاد سیاسی و امنیتی به ارزیابی مساله می‌پردازند. بدیهی است که تمامی علوم به نوعی از ابعاد مثبت و منفی قابل بررسی هستند و هر دستاورد بشری به همراه خود تبعات مفید و مضر خواهد داشت. مطمئناً هرگز شاهد این موضوع نبوده‌ایم که تأثیرات منفی یک دستاورد، موجب خارج شدن آن از جریان زندگی بشر شود. بنابراین مطمئن ترین راه حل برای استفاده از چنین دستاوردهایی شناختن و آگاهی از خطرات و جنبه های منفی آن و نحوه برخورد با آنها است. متأسفانه اکثر کاربران ایرانی در حالی برای اولین بار پشت رایانه و اینترنت قرار می‌گیرند که هیچ گونه اطلاع قبلی و یا آموزش مناسبی برای استفاده صحیح از آن ندارند. از زمان مطرح شدن بحث فیلترینگ گزارشاتی در مورد تحولات و خطرات اینترنت در روزنامه ها و سایت های خبری خارجی منتشر می‌شود. اما متأسفانه صفحه مطبوعات ایرانی همچنان بی تأمل بر این موضوع می‌گذرند و کمتر صفحه ای در مطبوعات داخلی به مسائل اینترنتی ایران پرداخته است.

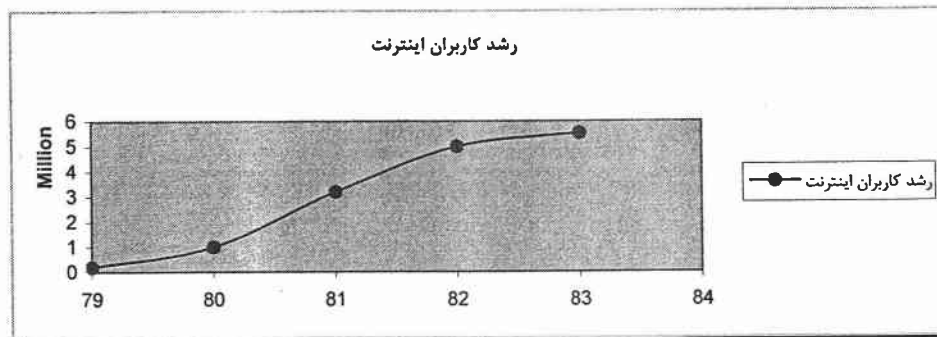
به همین علت در بسیاری از موقعیت های بوجود آمده اولیا و مربیان و همچنین کودکان و نوجوانان، آمادگی و آگاهی لازم را برای مقابله با مشکلات و موارد نامناسب را نخواهند داشت. به منظور آگاه ساختن اولیا و مربیان و مطلع شدن از نیازمندی های آنان برای تامین اینترنت امن برای کودکان و نوجوانان، لازم است اقدامات جدی صورت گیرد.

به طور کلی، کاربران اینترنت در ایران را می توان به دو دسته بزرگ تقسیم کرد: کاربرانی که با دیدگاه علمی از اینترنت استفاده می کنند و کاربران بسیار زیاد دیگری که فقط جنبه های تفریحی اینترنت را مورد استفاده قرار می دهند. آماری که حدود یک سال پیش در سایت IT ایران منتشر شد حاکی از این بود که جوانان ایرانی سالیانه میلیاردها تومان را برای گفتگو<sup>1</sup> در اینترنت آن هم با دوستان و همکلاسی های خود که هر روز در مدرسه یا دانشگاه ملاقات می نمایند، صرف می کنند[1].

## آمار استفاده از اینترنت در ایران [2]

استفاده از اینترنت در سال های اخیر در کشور ما رشد چشمگیری داشته است. هر چند هنوز هم تا همه گیر شدن استفاده از این پدیده راه درازی در پیش است و هر چند هنوز هم عده زیادی از اینترنت فقط برای گفتگو یا در نهایت پست الکترونیکی<sup>2</sup> استفاده می کنند، با این وجود تعداد کاربران اینترنت در چهار سال اخیر ۲۵ برابر شده است.

در انتهای سال ۷۹ تعداد کاربران اینترنت در ایران ۲۰۰ هزار نفر بوده است که در پایان سال ۸۱ به ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر و در انتهای سال ۸۲ این میزان به ۵ میلیون نفر افزایش یافته است. (طبق اطلاعات گرفته شده از دبیر خانه ICT تعداد کاربران اینترنت در سال ۸۳، ۵/۵۲۰/۰۰۰ است). در حال حاضر ضریب نفوذ اینترنت به ازای هر ۱۰۰ نفر ۷/۵ است که با توجه به این شرایط ایران از جنبه تعداد کاربران رتبه مناسبی دارد.



شکل ۱- رشد کاربران اینترنت

بر اساس آمار، تعداد کل دانش آموزان مقطع دبیرستان در کشور در سال ۸۱، حدود پنج میلیون نفر (۴ میلیون و ۹۶۲ هزار و ۴۷۸ نفر) بوده است که از این میزان بیش از یک میلیون نفر در تهران مشغول تحصیل بوده اند[3]. بنابراین در می یابیم که ارایه آموزش بر پایه ICT و طریقه استفاده صحیح از اینترنت، به این قشر عظیم از جامعه تا چه حد می تواند تأثیر گذار باشد.

## تصویر ایران در سال ۲۰۱۰

با توجه به تصویری که از ایران در سال ۲۰۱۰ ارایه شده است، سرعت انتقال اطلاعات به ۱۰۰۰ کیلومتر در هر ۱۵ دقیقه خواهد رسید. گرایش به فناوری دیجیتال تا به حدی بالا خواهد رفت که تعداد شبکه های رایانه ای در هر سال با سه برابر افزایش روبه رو می شود، ضریب نفوذ اینترنت در شهرستان ها به بیش از ۹٪ افزایش می یابد، بر تعداد کاربران جوان روبه روز افزوده می شود و هر فرد در هفته به طور میانگین ۲۰ ساعت از اینترنت استفاده خواهد کرد[4].

## ۲ راه حل های موجود

### ۱-۲ اتحادیه اروپا

اهمیت این موضوع در اروپا به حدی بوده است که کمیسیون اروپا طرحی را با نام SIAP<sup>۲</sup> برای مهیا کردن محیطی امن تر برای شهروندان و به خصوص کودکان و نوجوانان تهیه و با اجرای پروژه های متعددی به اجرا رسانید. این طرح حول سه محور اصلی فعالیت کرده است: آگاهی، ایجاد

<sup>1</sup> chat

<sup>2</sup> E-mail

ارتباط مستقیم با افراد، و ساخت ابزار برای رده بندی محتوی و فیلترینگ بطوریکه با بررسی ها و مطالعات انجام گرفته بر روی پروژه های اتحادیه اروپا، سعی شده با نحوه عملکرد آنها و نتایج کاری آنها آشنا شده و از تجارب آنها برای این اقدام مهم بهره جست.

## ۲-۱-۱ اطلاع رسانی<sup>۴</sup>

راه برخورد با مخاطراتی که فناوری اطلاعات و ارتباطات به همراه دارد، کنار گذاشتن کامپیوتر و اینترنت و رها شدن از آنها نیست. بلکه باید برای سالم سازی و ایجاد یک محیط امن به تحلیل خطرات و انتخاب راه های عملی پرداخت.

اولیاء مربیان و کودکان می بایست از عوامل بالقوه و مضرات اینترنت آگاهی یابند و تنها مطلع بودن از ابزارهای محافظت از کودکان و نوجوانان در برابر محتوای نامطلوب بسنده نیست. اقدامات اطلاع رسانی به جلب اعتماد و اطمینان والدین و معلمان به استفاده صحیح کودکان و نوجوانان از اینترنت کمک می کند[5].

اطلاع رسانی در واقع آگاه نمودن اولیاء، مربیان و کودکان از جنبه های مثبت اینترنت و به همان نسبت مضرات و مشکلات آن است. به طور کلی همکاری و تبادل تجربیات در زمینه اینترنت است. پروژه های اطلاع رسانی، اطلاعات مفیدی را راجع به روش های بکارگیری اینترنت توسط کودکان و نوجوانان، درک بهترین روش برای ارائه پیام های استفاده امن، و تولید ابزارهای آموزشی فراهم می آورد.

## ۲-۱-۲ ایجاد ارتباط مستقیم با افراد

Hotlineها راهکارهایی هستند که شکایات اینترنتی راجع به موضوعات غیرمجاز اینترنتی را از کاربران دریافت می کنند. آنها بایستی از اصول آیین نامه ای شفاف و واضحی جهت رسیدگی به شکایات برخوردار باشند. هر hotline با توجه و حمایت دولت ملی مناسب، صنعت اینترنتی، دفاتر اجرای قانون و سازمان حمایت از کودکان اختیارات خاص خود را داراست. آنها توسط سازمان های مختلفی از جمله صنعت، کاربران، سازمان حمایت از کودکان و نوجوانان و انجمن های همگانی حمایت و اداره می شوند. Hotlineها شکایات را از عموم راجع به محتوی غیرمجاز دریافت می کنند و پس از غربال شکایات، آنها را به انجمن مناسب - پلیس، ISPها یا یک hotline گزارشگر - ارسال می کنند. تفاوت های قانونی و اجتماعی چالش های ویژه ای را در زمینه نحوه همکاری hotlineها با یکدیگر و ارتباطات آنها با دفاتر اجرای قانون در جهت ایجاد آن و توسعه آنها به منظور مبارزه با موضوع هرزه نگاری کودکان در اینترنت، مطرح می کنند[6][7].

## ۲-۱-۳ ساخت ابزار برای رده بندی محتوی و فیلترینگ

برای مکانیزم رده بندی و فیلترینگ روش های مختلفی وجود دارد که در زیر ارائه شده اند. پالایش به سه روش انجام می شود: یکی بر مبنای آدرس ها (URL) که ابزارهایی مانند Websense از آن استفاده می کنند، بدین معنی که لیستی از آدرس هایی که باید پالایش شوند را در یک پایگاه ذخیره می کنند. دوم استفاده از آنالیز متن بر اساس الگوریتم های خاص پردازش، یعنی محتوای متن های دریافتی توسط ابزاری برای پالایش بررسی می شوند و راه حل سوم استفاده از برچسب زنی سایت ها و صفحات با استفاده از روش ها و استانداردهای ارائه شده است. در این سیستم ها، عمل پالایش یا قبل از عمل جستجو و یا قبل از اینکه هرگونه اطلاعاتی به کاربر نشان داده شود، انجام می شود. از لحاظ فنی این عمل می تواند در سمت کاربر و یا سمت سرور و ISP انجام شود. تصمیم اینکه نرم افزار در کجا قرار گیرد به عوامل متعددی بستگی دارد: کنترل فردی، نظر جامعه یا سازمان در برابر نظر فرد، مسئولیت تولید لیست ها، کلید واژه ها و برچسب ها، مسئولیت تغییرات، بروزرسانی و تحلیل ریسک. البته شایان ذکر است که ترکیب اینها می تواند کارایی و انعطاف پذیری بیشتری ایجاد کند.

<sup>3</sup> Safer Internet Action Plan

<sup>4</sup> Awareness

<sup>5</sup> Internet Service Provider



## ۲-۲ استانداردها و سازمان های فعال

### ۱-۲-۲ استانداردهای موجود

استاندارد PICS<sup>6</sup> [8] توسط کنسرسیوم W3C<sup>7</sup> گسترش یافته و آخرین مشخصه های فنی آن در اوایل ۱۹۹۶ تکمیل شده است. پس از آن، PICS در تعدادی از محصولات درج شد و سرویس های رده بندی مبتنی بر PICS برای وب توسعه یافتند و همچنین ابزارهای فیلترینگ متعددی همساز با آن تولید شد.

PICS با درج برچسب های الکترونیکی در اسناد متنی یا تصویری، امکان بررسی محتوا قبل از نمایش در کامپیوتر به طور الکترونیکی را فراهم می آورد.

سیستم PICS از دو جزء تشکیل شده است:

- سیستم رده بندی: این سیستم معیارهایی را برای چگونگی رده بندی محتوا معرفی می کند. PICS برای تعریف طبقات و مقادیر مختلف جهت رده بندی محتوا، یک فرا زبان ایجاد کرده است.
  - برچسب رده بندی: در واقع اطلاعاتی در مورد رده بندی است. برچسب می تواند به عنوان بخشی از متن HTML صفحه وب باشد، یا در یک سایت دیگر، و یا هر جایی که توسط برنامه های کاربردی خاص قابل دسترس باشد، قرار گیرد. PICS گرامری را برای برچسب های رده بندی تعریف کرده است و همچنین پروتکل های بسیاری را برای پشتیبانی برچسب ها گسترش داده است.
- سیستم PICS با انطباق برچسب ها با سیستم های مربوطه شان کار می کند. نرم افزار سمت کاربر - بخشی از مرورگر وب یا برنامه کاربردی - به والدین اجازه تنظیم سطوح دسترسی فرزندان به محتوای اینترنت را می دهد. سپس مرورگر وب یا هر برنامه آشنا به PICS، برچسب ها را پیدا و مورد بررسی قرار می دهد تا دریابد که آیا با سطح تنظیمی متناقض است که در چنین حالتی از نمایش محتوای مورد بررسی جلوگیری می شود.
- PICS به عنوان یک سیستم رده بندی یا یک طرح برای رده بندی محتوا تعریف نشده است. آن در واقع یک قالب و زبان جهت تعریف معیارهای رده بندی مورد نظر است.

### ۲-۲-۲ سازمان های فعال

به طور کلی سه سازمان اصلی در دنیا برای رده بندی محتوای وب وجود دارد [9]:

<sup>9</sup>RSAC : RSAC/ICRA در سال ۱۹۹۴ راه اندازی شد و سیستم رده بندی را برای بازی های کامپیوتری و نهایتاً وب سایت ها در آمریکا تاسیس کرد. این سازمان موضوعات را به مسائل جنسی<sup>10</sup>، برهنگی<sup>11</sup>، خشونت<sup>12</sup> و زبان نامناسب<sup>13</sup> رده بندی می کرد. اخیراً ۱۶۰۰۰۰ سایت توسط RSAC رده بندی شده اند.

در اواخر دهه ۹۰ تمام حقوق مربوط به RSAC به ICRA واگذار شده است و این سازمان به ICRA تغییر نام پیدا کرد. در دسامبر ۲۰۰۰، ICRA طرح های پیشنهادی خود را برای نیل به سیستم رده بندی موفق به RSAC پیشنهاد داد. این سیستم جدید - که کاملاً آزمایش شده است - عینی تر و پیچیده تر بوده و همچنین موضوعات متنی و فرهنگ های مختلف را در نظر می گیرد. این سازمان پشتیبانی قوی و فعالی را توسط مدیران بسیاری در صنعت دارد.

<sup>14</sup>IWF [13]: به عنوان انجمنی مستقل و سازمانی که اثرات اینترنت را در انگلیس بررسی و کنترل کند، همچنین در پاسخ به حساسیت مطبوعات، پلیس و جامعه به موضوعات غیر قانونی و غیر اخلاقی در اینترنت به خصوص مسائل جنسی کودکان، مابین پروژه SafetyNet و بخش های دولتی انگلیس، پلیس شهر و انجمن های تولید کنندگان سرویس های<sup>15</sup> اینترنتی، ایجاد شد.

<sup>6</sup> the Platform for Internet Content Selection

<sup>7</sup> World Wide Web

<sup>8</sup> Recreational Software Advisory Council

<sup>9</sup> the Internet Content Rating Association

<sup>10</sup> sex

<sup>11</sup> nudity

<sup>12</sup> violence

<sup>13</sup> bad language

<sup>14</sup> Internet Watch Foundation

اعضای آن عبارتند از: سازمان صنعت اینترنتی، انجمن های آموزش و پرورش کودکان، سامان دهی در رسانه مرتبط، علائق طرفداران آزادی و مصرف کننده است، یکی از اهداف مهم IWF، ایجاد تکنیک های فیلترینگ و رده بندی محتوی برای تشخیص محتوای غیرقانونی بر روی اینترنت و راه اندازی سرویس Hotline جهت گزارشگیری از مقولات غیر قانونی است.

**SafeSurf**: این سیستم توسط شرکت Safesurf ایجاد و توسعه یافت. این سیستم پیچیده تر از سیستم RSACi<sup>16</sup> است و از نه مقوله برای رده بندی محتوا استفاده می کند. سیستم استاندارد SafeSurf سیستمی است که جهت حفاظت کودکان برای والدین و شهروندان شبکه در جهت تصمیم گیری برخط طراحی و ایجاد شد. سیستم اختیاری رده بندی، طبقه بندی، فیلترینگ و آموزش و پرورش والدین را در بر می گیرد. ساختار سیستم با دیگر سیستم های رده بندی از جهت نحوه ارائه محتوی و انعطاف پذیری خود تنظیمی تفاوت دارد.

**NetShepherd (NSI CRS)**: جزء یکی از سرویس های پایگاه داده ای رده بندی تجاری مورد قبول PICS است. Netshepherd به این خاطر که در سراسر آن مشترکین می توانند بدون نام، سایت ها را مبنی بر سطوح رشد و خصوصیات، رده بندی کنند، سیستم رده بندی متعلق به کاربر است. خصوصیات در پنج سطح سنی رده بندی می شوند، مثل بزرگسال، سنین ۱۳-۱۹ سال، قبل از نوجوانی، کودکان، عمومی برای همه سنین.

ICRA و Safesurf از self\_rating سایت های اینترنتی ایجاد شده توسط ناشرین وب استفاده می کنند. این در حالیست که self\_rating اختیاری است و به دلیل این که هیچ مجوز اقتصادی خوبی برای سازمان هایی که سایت هایشان را رده بندی کنند وجود ندارد، به شکلی وسیع پیاده سازی نشده است. با این حال NetShepherd که بر اساس مرجع ثالث (third rating) کار می کند، رده بندی وب سایت ها را انجام می دهد.

### ۳ طرح پیشنهادی

از آنجا که کودکان و نوجوانان از حساسیت بالایی نسبت به سایر افراد جامعه برخوردار هستند و در جامعه ما نیز رشد کودکان و نوجوانانی که از اینترنت استفاده می کنند روز به روز افزایش می یابد، لازم است که تمرکز این طرح بر رده بندی محتوی برای استفاده کودکان و نوجوانان از اینترنت باشد.

از آن جهت که عمده تمرکز ایران در حوزه رده بندی محتوی در زمینه اخلاقیات و مسایل سیاسی در رابطه با عموم مردم است و کمتر روی مسایل خاص کودکان و نوجوانان بحث شده است، فعالیت در این زمینه مفید فایده خواهد بود.

#### طرح مورد نیاز ایران

اهداف اصلی در این طرح را می توان در لیست زیر خلاصه کرد:

- تحلیل نیازمندی های اولیاء و مربیان در زمینه رده بندی و فیلترینگ.
- اطلاع رسانی در جهت بالا بردن سطح آگاهی مردم در زمینه ویژگی های اینترنت و روش های برخورد با آنها.
- ایجاد ارتباط مستقیم با افراد جهت بررسی شکایات مردم از محتوای نامناسب اینترنت و دادرسی از حقوق آنها در وب.
- ایجاد یک روال رده بندی و سازمان برچسب زنی در ایران حتی الامکان با همکاری سازمان های فعال بین المللی.
- پیاده سازی فیلتری متناسب با فرهنگ بومی ایران و در جهت رفع کمبودها.
- ارزیابی کامل مدل نمونه.

#### تحلیل نیازمندی های اولیاء و مربیان در زمینه رده بندی و فیلترینگ

برای انجام این طرح لازم است که تحلیل نیازمندی ها صورت گیرد. این نیازمندی ها را می توان از طریق پرسشنامه هایی بین کودکان، نوجوانان، اولیاء و مربیان جمع آوری کرد. پرسش ها را می توان پیرامون مسایل زیر تهیه کرد:

- علاقه مندی های کودکان و نوجوانان برای استفاده از اینترنت و مکان هایی که از اینترنت استفاده می کنند.

<sup>15</sup> Internet Service Provider Associations (ISPA and LINX).

<sup>16</sup> Recreational Software Advisory Council on the Internet

- قوانینی که اولیا و مربیان برای کاربران کودک و نوجوان در مورد استفاده از اینترنت استفاده می کنند.
- چگونگی دریافت اطلاعات در مورد نحوه کنترل فرزندان در استفاده از محتوای نامناسب اینترنت
- چگونگی آگاهی در مقابل دریافت محتوای نامناسب.

با جمع آوری پرسشنامه از اқشار مختلف با فرهنگ های متفاوت و بررسی و تحلیل این داده ها توسط کارشناسان زده می توان نیازمندی های عموم را بدست آورد. با کمک گرفتن مشاوران تربیتی و روش های خواسته شده توسط اولیا و مربیان می توان سطوح رده بندی را مشخص کرد و برای کلمات مورد نظر برای فیلترینگ شدت و ضعف تعیین کرد.

### اطلاع رسانی در جهت بالا بردن سطح آگاهی مردم در زمینه ویژگی های اینترنت و روش های برخورد با آنها

اهمیت موضوع جلوگیری از دستیابی کودکان به سایت های خطرناک یا استفاده غیر مجاز از اینترنت از بحث های بالا به خوبی درک می شود، بنابراین لازم خواهد بود برای نجات فرزندانمان و آگاهی اولیا و مربیان اقدامات لازمه صورت گیرد. یکی از راه حل هایی که نقش بسیار مهمی را ایفا می کند، اطلاع رسانی صحیح و به موقع به کمک ابزارهای آموزشی و رسانه های جمعی مختلف در این مورد است. با بالا بردن سطح آگاهی در زمینه فواید و مضرات این تکنولوژی نوین، می توان عموم مردم به خصوص اولیا و مربیان را با مسائل و مشکلاتی که کودکان را تهدید می کنند، آشنا ساخت و راه حل ها و رهنمودهایی را برای کنترل فرزندانشان در اختیارشان قرار داد.

جهت ایجاد فرهنگ بکارگیری مفید اینترنت و تعلیم روش های صحیح استفاده از اینترنت می توان از ابزارهای متنوع الکترونیکی و چاپی به ویژه سایت اطلاع رسانی بهره گرفت. در واقع هدف، توسعه محصولات در جهت یاری رساندن به اولیا و مربیان برای از بین بردن حس رعب و متقاعد نمودن آنها برای پذیرفتن اینترنت به عنوان یک فعالیت خانوادگی و ترغیب برای تعلیم در کنار فرزندانشان راجع به اینترنت است.

**ایجاد ارتباط مستقیم با افراد جهت بررسی شکایات مردم از محتوای نامناسب اینترنت و دادرسی از حقوق آنها در وب**

با توجه به اینکه اغلب کاربران اینترنت از نحوه گزارش موارد غیر اخلاقی و زمان مشاهده آن آگاه نیستند، همچنین این مسائل هرزه نگاری کودکان و نوجوانان بخشی از محتوای اینترنت را تشکیل می دهد [12]. اینجا است که نقش hotlines و راندمان کاری آنها نمایان می شود. تفاوت های قانونی و اجتماعی چالش های ویژه ای را در زمینه نحوه همکاری hotlineها با یکدیگر و ارتباطات آنها با دفاتر اجرای قانون در جهت ایجاد آن و توسعه آنها به منظور مبارزه با موضوع هرزه نگاری کودکان در اینترنت، مطرح می کنند. بنابراین یکسری راه حل های موجود عبارتند از:

- همکاری Hotlineها به منظور مشارکت
- ساخت یک شبکه بین المللی از hotlineها با توجه به روش ها و فرهنگ ها، تفاوت های اجتماعی و قانونی مختلف.
- ارتباطات با دفاتر اجرای قانون.
- استانداردهای حمایت و نگهداری hotlineهای درگیر خارج از اروپا جهت همکاری و آموزش.
- حمایت و پشتیبانی از hotlineهای جدید
- افزایش نقش Hotlineها در آگاهی و آموزش.

### ایجاد یک روال رده بندی و سازمان برچسب زنی در ایران حتی الامکان با همکاری سازمان های فعال بین المللی

از جمله مواردی که باید در تحلیل نیازمندی ها و بومی سازی تجارب سایر کشورها مد نظر قرار گیرد، تعریف دسته ها و سطوح هر دسته متناسب با فرهنگ و شئون اسلامی-ایرانی است. این مهم با توجه به نظر و مشاوره کارشناسان امور تربیتی، جامعه شناسی و زبان شناسی و با دریافت بازخور از اولیا، مربیان و کودکان و نوجوانان حاصل می شود.

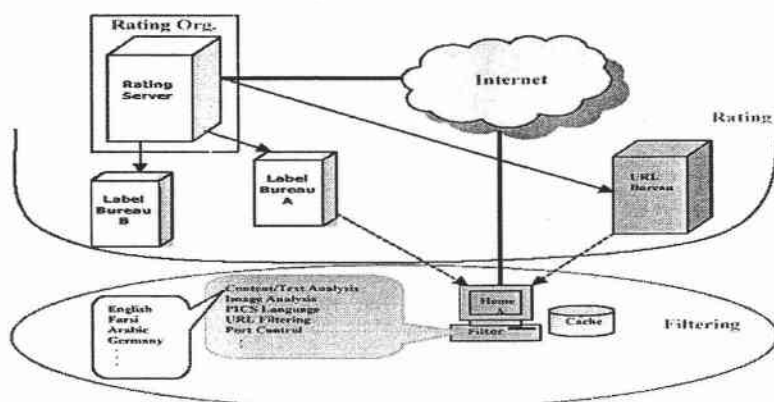
از دیگر مواردی که باید مورد توجه قرار گیرد ساز و کار و مکانیزم رده بندی و امکان سنجی وجود سازمانی برای هماهنگی ملی در دسته بندی و انتشار نتایج دسته بندی است. این مسئله می تواند مانند تجربه IWF در سطح انگلستان، با هماهنگی سازمان بین المللی ICRA و با اضافه کردن مقتضیات بومی بوجود آید.

برای پالایش محتوای وب تنها نرم افزار فیلترینگ در سمت کاربر کافی نبوده و نیاز به بخش های دیگری از جمله سازمان های برچسب زنی است. بنابراین در آینده نیاز خواهد بود تا این سرویس برای بالا بردن کارایی از طریق به اشتراک گذاشتن اطلاعات رده بندی و پالایشی، به سیستم اضافه شود. سیستم مورد نظر شامل دو بخش اصلی رده بندی و پالایش محتوا خواهد بود (شکل ۲).

### رده بندی (Rating):

عمل رده بندی به عبارت ساده تر دسته بندی صفحات و سایت های موجود در اینترنت (یا در مجموعه خاص) است. که به دنبال اهداف زیر است:

- طبقه بندی کردن صفحات مطابق با فرهنگ ایران و متناسب با عرف، اخلاقیات و شعائر مذهبی جامعه.
  - ایجاد مرجعی (bureau) که بر چسب ارائه داده و در اختیار عموم قرار دهد.
  - برچسب گذاری به صورت ابزاری یا دستی.
  - برچسب زنی به صورت offline و فیلتر بر اساس برچسب عمل می کند.
  - برچسب گذاری در صفحات (meta-tag) توسط ایجاد کننده.
  - تهیه لیست URLها به صورت اتوماتیک یا دستی.
- در نتیجه عمل برچسب زنی را ایجاد کنندگان سایت یا مراجع سوم که نتیجه را در label bureau قرار می دهند، انجام خواهند داد. برای URLها عموماً مرجع سوم به نام URL bureau این کار را انجام خواهند داد.



شکل ۲- ساختار کلی سیستم شامل رده بندی و پالایش.

همانطور که در شکل نشان داده شده است سیستم از دو بخش مهم Rating و Filtering تشکیل شده است. قسمت رده بندی شامل بخش های سازمان های رده بندی (Rating Org.) و Label/URL Bureau است. بخش سازمان های رده بندی مسئول ایجاد label bureauها است. بخش پالایش محتوا در قسمت زیر آورده شده است.

### پیاده سازی محصول فیلتر متناسب با فرهنگ بومی ایران و در جهت رفع کمبودها

هدف طراحی فیلتری است که مشخصات زیر را داراست:

- در سمت کاربر قرار می گیرد (لازم به ذکر است که با تغییراتی در مکان هایی مانند مدارس و کتابخانه های عمومی می تواند روی سرور پروکسی نیز قرار بگیرد).
- عمل پالایش (filtering) را به دو صورت بر مبنای URL و برچسب انجام می دهد در نتیجه استاندارد PICS را پشتیبانی خواهد کرد. در صورت لزوم (اگر سایتی دارای برچسب نبوده و همچنین داخل پایگاه URLها نباشد) می توان متن صفحه را به صورت برخط پردازش کرد و وجود بعضی از کلمات و جملات را جستجو کرد.
- مدل لایه ای نرم افزار و پشتیبانی استانداردهای لازم.

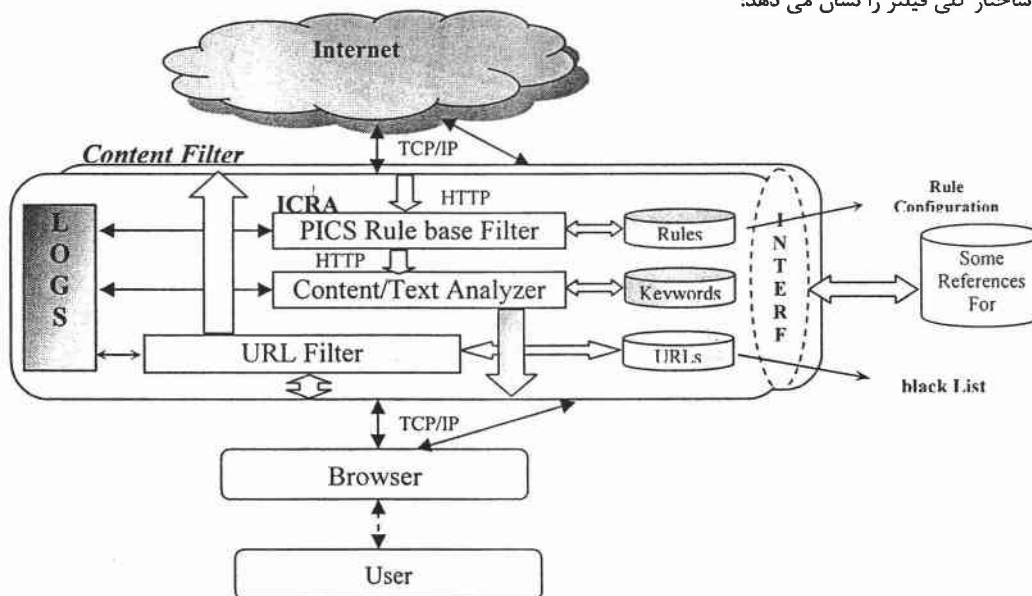
- چند زبانه بوده و به صورت پیش فرض دو زبان فارسی و انگلیسی را پشتیبانی می کند. همچنین دسته بندی مطلب به صورت بومی مختص ایران انجام خواهد گرفت که قابل تغییر است.
- پشتیبانی زبان فارسی با کدینگ های مختلف.
- قابلیت فیلتر کردن اتاق های جستجو و نامه های الکترونیکی.
- صفحات و سایت های دیده شده/بلاک شده توسط کاربر را ثبت (log) می کند.
- قابلیت گزارش گیری، مدیریت و نظارت.

#### سناریوی عملکرد فیلتر به صورت زیر است:

1. کاربر آدرس مورد نظرش را از طریق مرورگر وارد می کند.
2. فیلتر بررسی می کند که آیا آدرس در مجموعه URL های مناسب قرار دارد یا خیر؟ در صورت وجود، تصمیم مورد نظر اتخاذ شده و در صورتی که جزء لیست های نامناسب باشد صفحه مورد نظر بلاک می شود و به مرحله پایانی می رود.
3. وجود برچسب در صفحه مورد نظر بررسی می شود. در صورت وجود برچسب عملیات خاص مربوط به استاندارد RSACi روی آن انجام می شود و در صورت مثبت بودن نتیجه، صفحه مورد نظر نمایش داده می شود.
4. در صورت نداشتن برچسب، محتوای صفحه آنالیز شده و کلمات مورد نظر جستجو خواهد شد تا در صورت وجود از نشان دادن صفحه جلوگیری شود.
5. مرحله پایانی.

لازم است در تمام مراحل فوق با نمایش پیغامی مناسب به کاربر دلیل بلاک شدن صفحه اعلام شود.

شکل زیر ساختار کلی فیلتر را نشان می دهد:

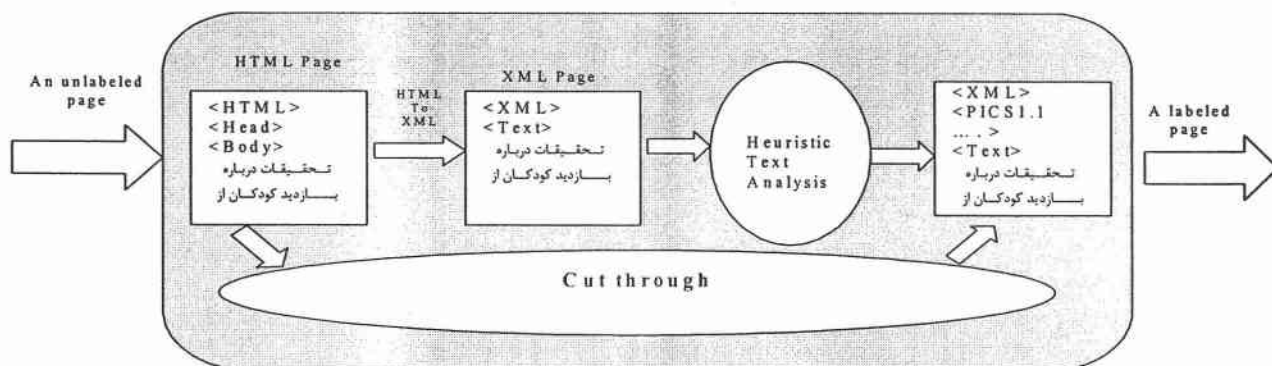


شکل ۳- معماری و نمای کلی نرم افزار فیلتر کننده سمت مشتری

رابط (Interface) نشان داده شده در شکل برای بروز رسانی و تغییر پایگاه های URL، PICS Rules و کلید واژه ها به کار می رود. همچنین رابط می تواند مستقیماً به label/URL bureau ها برای درخواست برچسب و وضعیت URL متصل شود.

## پردازش محتوا

برای پردازش و دسته بندی محتوا روش های مختلفی وجود دارد که دقت و سرعت آنها متفاوت است. برای مثال یکی از روش های مرسوم که دارای دقت بالایی است (Support Vector Machine) SVM [11] [10] نام دارد. SVM<sup>17</sup> صفحات مناسب و نامناسب را به عنوان ورودی دریافت می کند و در نتیجه آموزش می بیند که چه صفحاتی مناسب و چه صفحاتی نامناسب است تا در آینده با استفاده از اطلاعات خود صفحات را بلاک کند. در اینجا برای سادگی کار که هم دارای دقت قابل قبول و سرعت مناسبی باشد از روش ابتکاری ( heuristic ) استفاده می شود که شکل زیر بیانگر این مطالب است.



شکل ۴-: پردازش محتوا به صورت خودکار و با استفاده از الگوریتم ابتکاری برای برچسب زنی صفحات.

همانطور که شکل فوق نشان می دهد صفحه ورودی (که بدون برچسب هست) به یک صفحه XML تبدیل می شود و سپس توسط واحد آنالیز ابتکاری متن، نوع صفحه تشخیص داده و بر طبق آن برچسب زده خواهد شد. گمان می رود که روش پیشنهادی از روش های دیگر به دلیل پردازش کمتر، سریعتر عمل کند. لازم به ذکر است، در صورتی که تعداد کلیدهایی که باید جستجو شوند، کم باشند از جویشرهایی مانند گوگل می توان کمک گرفت (روش Cut through). چون تمام صفحات وب را از قبل پردازش کرده و به صورت کلمات در صفحات نمایه سازی کرده است. در نتیجه لازم به آنالیز محتوا نخواهد بود.

### ثبت<sup>18</sup> صفحات و سایت های دیده شده/بلاک شده

یکی از امکانات ضروری یک فیلتر ثبت کردن صفحات خاص است (صفحاتی که به دلایلی بلاک شده است). با این امکان می توان احتیاجات و درخواست های کودکان را ردیابی کرده و بهتر درباره آنها تصمیم گرفت. به عبارتی دیگر حتی اگر هیچ صفحه ای بلاک نشود لازم خواهد بود تا از سایت های مورد علاقه فرزندانمان مطلع شده و در صدد رفع نیازهای آنها به صورت صحیح برآییم. بنابراین، سیستم باید شامل یک واسط کارا برای گزارشگیری از لاگ ها باشد تا بتوان سوالاتی مانند سایت های بلاک شده و تعداد بازدیدهای انجام شده (موفق یا نا موفق) در سایت ها را توسط کاربر جواب داد و حتی فهمید که کارایی فیلتر استفاده شده چقدر بوده و درجه رضایت کودک و والدین را بدست آورد.

<sup>17</sup> SVM برای دسته بندی (classification) به کار می رود نه برای پردازش محتوا.

<sup>18</sup> Log

## ارزیابی کامل مدل نمونه

ارزیابی و تست یک سیستم از دیر باز مورد بحث بوده است و در هر سیستمی لازم است برای پیدا کردن مشکلات و مطمئن شدن از کارکرد صحیح آن عملیات ارزیابی صورت گیرد. ما برای ارزیابی سیستم پیشنهاد شده دو روش را ارائه کرده ایم: ابتدا سیستم را با مجموعه های موجود ارزیابی کرد، یعنی خروجی سیستم را با استفاده از مجموعه تست های از قبل آماده شده تهیه کرده و با خروجی سیستم های موجود مقایسه نمود. این روش را می توان به صورت اتوماتیک توسط برنامه تست انجام داد. در این نوع تست پارامترهای مختلفی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. یکی از پارامترها دقت سیستم رده بندی است، به عنوان مثال سیستم طراحی شده چند درصد از سایت های مشکل دار را بر طبق پیکربندی های انجام شده در سیستم بلاک خواهد کرد. از پارامترهای دیگر سرعت کار سیستم (بلاک کردن سایت) که شامل پردازش URL، سرآمد صفحات و محتوای صفحات است. خواص دیگری نیز عموماً مورد بررسی قرار می گیرد که شامل: ریمبندای سمت کارگزار یا سمت کاربر بودن، قابلیت گسترش و تغییر پذیری آن با استانداردهای موجود، پایداری و... است. دومین روش ارزیابی توسط کاربر صورت می گیرد. بدین منظور که یک سری لیست از خواص سیستم تهیه کرده و توسط کاربران پر خواهد شد. و در آخر با میانگین گیری از آنها می توان سیستم را ارزیابی کرد.

## ۴ نتیجه گیری و کارهای آینده

هنوز تحقیقاتی جامع و کامل در زمینه رده بندی محتوی در ایران انجام نشده است و ایران نیز مانند سایر کشورها باید از دیدگاه های مختلف به این مبحث بپردازد.

به نظر می رسد، یکی از مهمترین نیازمندی های ایران در این زمینه فرهنگ سازی است چرا که تنها با ایجاد محدودیت نمی توان مسأله را حل کرد. متأسفانه در ایران بیشترین گرایش در اینترنت به سمت اتصال به سایت هایی است که باید فیلتر شوند و حل چنین مشکلی تنها با استفاده از ابزارها و تکنولوژی ها انجام نمی گیرد. بحث فرهنگ سازی در این زمینه بسیار ثمر بخش خواهد بود. بدین طریق افراد جامعه و دست اندرکاران این طرح در کنار یکدیگر خواهند بود نه در مقابل هم. با تحلیل صحیح از نیازمندی ها و پرداختن به مباحث فرهنگ سازی می توان ابزارهای مناسبتری برای انجام رده بندی اطلاعات تهیه کرد.

از جمله مواردی که باید در تحلیل نیازمندی ها و بومی سازی تجارب سایر کشورها مد نظر قرار گیرد، تعریف دسته ها و سطوح هر دسته متناسب با فرهنگ و شئون اسلامی-ایرانی است. این مهم با توجه به نظر و مشاوره کارشناسان امور تربیتی، جامعه شناسی و زبان شناسی و با دریافت بازخور از اولیاء، مربیان، کودکان و نوجوانان حاصل می شود.

از دیگر مواردی که باید مورد توجه قرار گیرد ساز و کار و مکانیزم رده بندی و امکان سنجی وجود سازمانی برای هماهنگی ملی در دسته بندی و انتشار نتایج دسته بندی است. این مسئله می تواند مانند تجربه IWF در سطح انگلستان، با هماهنگی سازمان بین المللی ICRA و با اضافه کردن مقتضیات بومی بوجود آید.

## مراجع

[۱] م. صالحی، س. حاجی زاده، ف. ناصر اسلامی، م. محمودی، ع. م. زارع بیدکی، رده بندی محتوا در وب، گزارش داخلی پژوهشکده فناوری اطلاعات، مرکز تحقیقات مخابرات، ۱۳۸۳.

[2] <http://www.iritn.com/index.php?action=show&type=news&id=3326>

[3] Self\_labelling (The ICRA experience), [www.icra.org/press/www2004](http://www.icra.org/press/www2004)

[4] <http://www.irantelecom.ir/?page=127&code=10>

[5] [http://europa.eu.int/information\\_society/activities/sip/index\\_en.htm](http://europa.eu.int/information_society/activities/sip/index_en.htm)

[6] Action Line1 Creating a safer environment and creating a European network of hotlines

[7] Association of Internet Hotline Providers in Europe (2000)

[8] <http://www.w3.org/PICS/>

[9] Self\_labelling (The ICRA experience), [www.icra.org/press/www2004/](http://www.icra.org/press/www2004/)

[10] Vapnik, V., "The Nature of Statistical Learning Theory", Springer-Verlag, New-York, 1995

[11] Joachims, Thorsten, "Text Categorization with Support Vector Machines: Learning with Many Relevant Features", 1998

[12] <http://www.inhope.org/>

[13] Internet Watch Foundation, [www.iwf.org.uk](http://www.iwf.org.uk)

## جایگاه ساختارهای تولید، پردازش و توزیع اطلاعات در پراکندگی یا انسجام اجتماعی

دکتر محمد منصورنژاد

مدیر گروه ادیان و مذاهب مؤسسه مطالعات ملی

نوشتار حاضر تحت عناوین زیر سامان یافته است: الف) مدخل بحث، ب) ساختار اطلاعاتی و پراکندگی یا انسجام اجتماعی، ج) نتیجه گیری.

الف) مدخل بحث: برخی نکات قابل تذکر به عنوان مقدمه نوشتار ضروری می نماید:

### ۱) تأملی در تحولات مفاهیم اساسی:

۱-۱) مراد از تکنولوژیهای ارتباطی و اطلاعات تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی (CITS) را مانوئل کاستلز در تعریف جامعه ای از تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی جدید به نحو زیر ارایه کرده است: "تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی عبارت از مجموعه ای همگرا از تکنولوژی ها در میکروالکترونیک ها، کامپیوترینگ (شامل ماشین و نرم افزار) ارتباطات راه دور، مخابره و پخش و الکترونیک های نوری می باشند؛

این تکنولوژیها از دو بخش تکنولوژی ارتباطی (چه قدیمی و چه جدید مثل تلفن، فاکس، تکنولوژیهای بخش، ماهواره، تلویزیون کابل، کابلهای نوری پهن باند و غیره) و تکنولوژی های اطلاعاتی (کامپیوترها، نرم افزارها و ...) تشکیل شده اند. نوآوری بحث آنجاست که امروزه پیوند فزاینده ای بین تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی ایجاد گردید. و امروزه به طور فزاینده ای ادامه دارد. سه نوآوری مهم در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ کار پیوند این دو چشم تکنولوژی را آسانتر و عملی تر ساختند. اول عبارتست از اختراع کابلهای نوری پهن باند و با ظرفیت انتقال حجمهای عظیمی از اطلاعات در شکل متن تصویری صدا، گرافیک و جایگزین ساختن آنها به جای سیمهای مسی (در بخش تکنولوژی ارتباطی)؛ دوم ارقامی سازی فزاینده داده ها و اطلاعات در اشکال گوناگون؛ سوم اختراع ابزاری به نام مودم توسط دو دانشجو اختراعات و نوآوریهای فوق باعث پیدایش شبکه های الکترونیکی و این بزرگراهی اطلاعاتی گردید. از طریق این شبکه ها این امر امکانپذیر گردید که داده ها بین کامپیوتر در سراسر جهان از طریق پروتکلهای استاندارد انتقال در واحد ۲۴ ساعته تبادل گردد<sup>۱</sup>

۲-۱) مراد از پراکندگی یا انسجام اجتماعی:

در این نوشتار با اندکی مسامحه مفاهیم قریب الاققی چون همبستگی اجتماعی و وفاق اجتماعی معادل با انسجام اجتماعی گرفته شده و مقصود از این مفاهیم آن است که در جامعه نوعی توافق جمعی در خصوص باورها، ارزشها و هنجارهای محوری جامعه وجود دارد. و در مقابل تفرقه و اختلاف، معادل پراکندگی اجتماعی گرفته شده و مقصود از آن این است که در جامعه بر روی اصول، ارزشها، باورها، هنجارها توافق وجود نداشته و به نوعی کشمکش و چالش تبدیل گردد.<sup>۲</sup>

۲) تأملی در متغیرها: واضح است که در این مکتوب، ساختارهای تولید، پردازش و توزیع اطلاعات نقش متغیر مستقل را ایفا نموده و پراکندگی یا انسجام اجتماعی، متغیر وابسته تحقیق است و از این رو از تأثیرات متغیر مستقل بر وابسته سخن به میان

۱- صدوقی مرادعلی: تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، دکتر سیاسی و بین المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰ ص ۵۵

۲- برای آشنایی تفصیلی با مفاهیم یاد شده حداقل مراجعه شود به میز گردی از اساتید مختلف در: فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲-۳ زمستان ۷۸، بهار ۷۹



خواهد آمد. اما می دانیم که نه عوامل موثر بر پراکندگی یا انسجام، در مجموع مناسبات مربوط به داده ها و اطلاعات خلاصه می شوند و عوامل عدیده دیگر (مثلاً عوامل مذهبی و فرهنگی و اقتصادی و ...) از غیر مجاری اطلاعاتی نیز می توانند بر وحدت و یا تفرقه در یک جامعه موثر افتند و نیز تأثیرات ساختار اطلاعاتی و ارتباطاتی در سطح نفاق افکنی و یا وفاق بخشی خلاصه نمی گردد و به جهت موضوع تحقیق در ابعاد یاد شده و در حدود تحدید شده مباحثی ارایه خواهد گردید.

همچنین از جهت روش گر چه می شد در یک کار میدانی و تجربی متغییر مستقل بر متغیر وابسته را تست نمود، اما روش تأمل در این نوشتار استقرایی و میدانی نیست و ابعادی نظری و قیاسی در تعامل متغیرهای مورد بحث مورد توجه قرار خواهند گرفت. و البته مدل نظری تبیین و توصیف موضوع نیز عمدتاً "نظریه سیستمی" خواهد بود که در آن ساختار اطلاعاتی از طریق نظام سیاسی نقش ورودیها را در تفرقه یا وفاق به عنوان خروجیها یک سیستم را به عهده خواهند داشت.

### ب) ساختار اطلاعاتی و پراکندگی یا انسجام اجتماعی:

درباره اقسام ساختار اطلاعاتی در یک نگاه مجموعه ساختارهای موجود را می توان به دو دسته فرو کاست. (۱) ساختار اطلاعاتی در جوامع غیر مردمسالار؛ (۲) ساختار اطلاعاتی در جوامع مردمسالار.

**۱) ساختار اطلاعاتی در جوامع غیر مردم سالار:** گر چه در عالم نظر می توان بازیگران عرصه های اطلاعاتی را در سطح "فردی، گروهی و دولتی" مورد ارزیابی قرار داد، اما در جوامع غیر مردمسالار به جهت بسته بودن سیستم و نظام سیاسی معمولاً سطوح فردی و گروهی از تولید، پردازش و توزیع اطلاعات، باز مانده و دولتها بازیگران اصلی میدان ارتباطات و اطلاعاتند. از مصادیق بارز و تجربه شدید رژیمهای غیر مردمسالار، رژیمهای توتالیتری اند. گفته شده که ویژگیهای بنیادین همه نظامهایی توتالیتری در این شش مشخصه خلاصه می شود: یک حزب واحد (تک حزبی) که مشخصاً توسط یک فرد رهبری می شود؛ یک پلیس تروریستی، انحصار ارتباطات، انحصار تسلیحات و یک اقتصاد متمرکز. و در توضیح ویژگی چهارم می خوانیم که انحصار نسبتاً کامل کنترل حزب و کادرهای فرمانبر در آن بر همه وسایل ارتباط جمعی موثر مانند مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون، انحصار کنترلی که مشروط به تکنولوژی است.<sup>۱</sup> تاکید بر نکته اخیر و گره زدن ارتباطات به تکنولوژی، ساختار اطلاعاتی را با مباحث اطلاعاتی و تکنولوژیهای مربوط پیوند می زند.

از محصولات چنین نظامهایی توتالیتری مثل فاشیسم و نازیسم آن است که جامعه به صورت تک صدایی اداره می شود. به صورت تک صدایی تغذیه می شود. اطلاعات و داده ها بوسیله تشکلهای سیاسی و رسمی تولید، پردازش و توزیع می گردند و هدف و غایت آنها نیز ایجاد جوامع همگرا و همگون است و از اینرو در این جوامع پراکندگی اجتماعی جایی ندارد و به شدت سرکوب می گردد و همه افراد مجبورند که یک راه، هدف، شعار و ... را داشته باشند و به عبارت دیگر تظاهر به انسجام و توافق داشته باشند و از اینرو اگر انسجام واقعی هم در جامعه وجود نداشته باشد، از جهت صوری افراد میل به وحدت و وفاق دارند.

چنانچه هیتلر می گوید: "مردمی که تنها خویشان را می بینند و بدنبال سعادت خویش می روند بتدریج از بهشت دور و به دوزخ نزدیک می شوند. از این رو هدف تعلیم و تربیت بایستی در آن جهت باشد که به افراد بیاموزند که از هر نوع عرض اندام و خود نمایی خود داری کنند و مخصوصاً به بچه های بیاموزند که وقتی مورد سرزنش قرار می گیرند، یا حتی مورد ستم واقع می شوند خاموش باشند و دم برنیاورند."<sup>۲</sup>

می دانیم که در نظام نازیسم هیتلری در دوران جنگ دوم جهانی، برای اینکه اطلاعات جامعه را هماهنگ کند دست به تأسیس "وزارت تبلیغات" زد که "گوبلز" با توانایی بالایی آنرا تا شکست آلمان هدایت کرد و از سوی او بر فیلمها نظارت شد. گوبلز رادیو را

۱- کارل - برزینسکی زیگنیو: مقاله فاشیسم به مثابه تولید توتالیترانیسم، انسان و تکنولوژی در جایگاه فاشیسم در تاریخ اروپا ترجمه حشمت الله رضوی سازمان انتشارات کیهان: ۱۳۷۱، ص ۵-۱۲۳

۲- فروم اریش، گریز از آزادی، ترجمه امیر اسماعیلی، انتشارات توسن: ۱۳۶۲، ص ۸۶

ابزار جدیدی در آورد که باید آنرا به وسیله تبلیغاتی با نفوذ فراگیر تبدیل کند و خود او گفته است که "ما به وسیله استفاده از رادیو توانسته ایم روحیه شورش و عصیان را محو سازیم،"<sup>۱</sup>

ممکن است گفته شود که با پیشرفت ساختارهای اطلاعاتی و پیچیدگیهای عصر ارتباطات و تجهیزات کامپیوتری و اینترنتی کنترل و هدایت در تولید، پردازش و توزیع داده ها نمی توان فضاهای توتالیتری امثال هیتلرو گوبلز را در جامعه اطلاعاتی اعمال کرد و در عصر جهانی شدن و وجود جامعه مجازی و تجارت الکترونیکی و پست الکترونیکی و ... کنترل همه فرآیند مربوط به اطلاعات امکانپذیر نیست و از اینرو نمی توان گفت که در نظامهای غیر مردمسالار ساختار اطلاعاتی به کنترل دولتها در می آید.

اگر این اشکال جای طرح داشته باشد نیز حداقل د ر برخی محدوده ها می تون از توان دولتها د ر کنترل ساختار اطلاعاتی برای همسان و همشکل سازی جامعه و جلوگیری از پراکندگی افکار عمومی سخن به میان آورد. زیرا؛ اولاً: برای تعامل اطلاعاتی و تولید و پردازش آن حداقل نیاز به وجود سخت افزارهای مناسب جامعه اطلاعاتی است که دولتها اگر بخواهند می توانند بر خرید و فروش سخت افزارهای اطلاعاتی کنترل و نظارت جدی نموده و حتی ورود آنها را محدود نموده، یا جهت داده و معین نمایند. پس یک مرحله از مداخلات دولت در ساختارهای اطلاعاتی، مرحله سخت افزاری است؛ ثانیاً: در تولید و پردازش و توزیع در ابعاد نرم افزاری نیز دولتها با اعمال فیلترینگ و برخورد با کسانی که در قالب وبلاگها و اطلاع رسانی، غیر سیاستهای رسمی را تعقیب می کنند، می توانند در محتوای داده ها به جد موثر افتند. گر چه می توان در عمل از سیاستهای دولتی تخطی نمود. اما چون این کار به شدت هزینه بر بوده و تبعات سنگین دارد، جز قلیلی از افراد و گروهها به سراغ آن نخواهند رفت و محصول کار نهایتاً آن خواهد شد که ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی عمداً در دست دولت هدایت و کنترل شده و افکار عمومی در مسیر خواسته های دولتمردان ساخته و پرداخته می شوند. خواسته هایی که یکدست و همگرا با آمال آنهاست. از اینرو در جوامع غیر مردمسالار دولتها در جلو گیری از پراکندگی فکری و عملی مردم نقش جدی دارند. این مدعا همچنین نافی مدعای امثال "فردیناند تونیس" است که معتقد است جوامع انسانی به دو نوع اصلی قابل تمایزند. اول: اجتماع (Gemeinschaft)؛ که برخی از آن به جامعه معنوی نیز تعبیر کرده اند که در آن هر حرکت نه در خدمت فرد و مصالح شخصی او است، بلکه برای وحدت جمع و تحقق غایتهای آن صورت می گیرد. بدینسان جامعه معنوی می تواند در صدد ایجاد ذوب روانی بین اعضا، به وفاق اجتماعی یا اجماع دست یابد و به نوع یا سبک تشابه پذیرد. اراده اورگانیک، مستلزم عضویت تام افراد در یک واحد (گروه و جمع ...) بوده و ارتباط عمومی بین افراد برقرار است.

دوم: جامعه (gesellschaft) که از آن برخی به جامعه صوری نیز تعبیر کرده اند، که در چنین جامعه ای آنچه بیش از همه تعیین کننده است، تراکم انسانها است و جامعه صوری چار جویی است که در آن هر اقدام انسانی تابعی از عقل گرایی، مصلحت اندیشی و حتی در معنای مطلوبیت گرایی است. فرد به عنوان عنصری منفک از جامعه و در پیوندی قرار داوری با آن صرفاً مصالح خویش را به هنگام ارزیابی سود و زیان هر اقدام و اخذ تصمیم در نظر دارد. و روابطی شکننده او را با دیگران پیوند می دهد. شهرهای بزرگ مأمن جنایتکاران است و انسان در آن منزلت شناخته شده ندارد. افراد در تماس با یکدیگر بدون آنکه زوایای روانی یکدیگر را ببینند، صرفاً جهات فیزیکی و مادی آنان معیار قضاوت در باب یکدیگر است.<sup>۲</sup>

اشکال نگاه تونیس آن است که اجتماع وحدت گرا، سنتی تلقی شده و جامعه محصول فضای مدرن از آن تکرر و اقتراق می جوشد و حال آنکه جوامع توتالیتریستی (فاشیستی، نازیستی، استالیستی) در حالیکه مدرن اند، کم و بیش ویژگی جامعه ای را دارند که تونیس از آن به اجتماع (گیمین شافت) تعبیر کرده است. نهایتاً اگر با لسان اطلاعاتی و ارتباطاتی بخواهیم سخن بگوییم در نظامهای غیر مردمسالار ساخت اصلی و مسایل ارتباطی که عبارتند از اینکه کی، چه می گوید؟ از کدام مجرا، با کی، با کدام نتیجه، بدین نحو تفسیر می شود که افراد منتخب از نظام سیاسی از مجرای وسایل ارتباطی و اطلاعاتی، خواسته ها و آمال دولتمردان را برای تأمین منافع آنها که به ظاهر به منافع ملی نیز گره می خورد می گوید و نتیجه آن نیز یکدست شدن افکار عمومی تا حد بالایی در جهت خواست صاحبان قدرت است. و در لسان دیگر اگر ساخت اطلاعاتی در دو دسته زیر ساخت (ابزار

۱- مانول راجر - فرنکل هاینریش، گوبلز، ترجمه مهدی شهشانی، موسسه انتشارات امیر کبیر: ۱۳۶۵، ص ۱-۲۵۰

۲- ساروخانی باقر، جامعه شناسی ارتباطات، انتشارات (اطلاعات) (چاپ دهم) ۱۳۸۰، ص ۸-۵۷

تکنولوژیک ارتباط و اطلاعات) و زیر ساخت (سازمانها و قوانین) قابل تحویل اند، در نظامهای غیر مردمسالار هر دو این سطوح یاد شده توسط دلتمردان سامان و جهت می یابند و از این رو از پراکندگی در طرح ایده ها و اندیشه ها به شدت جلوگیری خواهد شد و جامعه در مسیر وحدت (هر چند مصنوعی) سیر می کند.

اگر مطالب فوق را در راستای غایت این همایش بخواهیم تفسیر کنیم، نکته قابل تأمل آن است که معلمان اخلاق و متون اخلاقی به دنبال این غایت اند که نهایتاً «قلبی سالم» که از ویژگیهای آن صداقت، یکرنگی، اعتماد، صفا، دوستی، صراحت، زلالی و شفافیت است، به آدمیان عطا نموده و به تبع آن جامعه و روابط اجتماعی را به همدلی، همگرایی، قرابت، وفاق و انسجام با مبنای درست بکشانند.

در جامعه با حکومتهای غیرمردمسالار، چنین هدف و مقصودی نمی تواند محقق شود، زیرا با ابزار و امکانات مختلف و از جمله وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها و با تحکم و اجبار، از مردم شیوه های خاصی از تفکر و کنش را می طلبند و با غیر از آنچه که از سوی نظام سیاسی خواسته می شود، برخورد خواهد شد. از این رو در این جوامع، به جای وجود جامعه یی که افراد در آن صداقت و صراحت دارند، به جامعه یی می رسیم که نفاق، دورویی، نیرنگ و دورنگی در آن موج می زند؛ زیرا از سویی آدمیان دارای خلق و خوی همسانی نیستند، چون تفاوت فردی انسانها یک اصل است و از سوی دیگر اگر بخواهند، آنچه را که می پسندند و می طلبند، هر چند معقول هم باشد، را بطلبند و مطرح کنند، ممکن است هزینه بر بوده و مجبور باشند که بهای سنگینی برای آن پرداخت کنند.

از این رو غالب آدمیان سعی می کنند که با شرایط موجود و خواسته هایی که خواسته های خود آنها نیست، خود را موافق نشان بدهند، علیرغم اینکه در قلب و فکرشان چیز دیگر می گذرد. تظاهر و نفاق از ضدازشها و از مصادیق سوء اخلاقی است که در جوامع غیرمردمسالار به صورت عادی و طبیعی شکل گرفته و به صورت یک فرهنگ درمی آید. از این رو چون در تولید این فرهنگ ساختارهای اطلاعاتی نیز نقش ایفا می نمایند، نتیجه کلی و نهایی آن خواهد شد که در چنین نظامهایی، وسایل ارتباطی و اطلاعاتی در همه مراحل تولید، پردازش و توزیع، به اخلاق جامعه و آحاد مردم آسیب وارد می کنند.

**۲) ساختار اطلاعاتی در جوامع مردمسالار:** اگر در جامعه ای نظام مردمسالار پذیرفته شود، واضحترین و اولیه ترین مطلبی که مبنای آن نظام است، پذیرش سالار بودن مردم است و اگر مردم مدار و محور ند، از آن رو که به تعداد آدمیان، اندیشه و فکر و به تبع عمل وجود دارد، از اینرو پذیرش تکثر در نظر و عمل از مبادی و مبانی نظامهای مردمسالار است که از محصولات آن می توانند تعدد آراء، پراکندگی اندیشه و در نتیجه دوری از انسجام اجتماع و ملی باشد. در چنین جامعه ای در زیر ساخت ها (ابعاد سخت افزاری وسایل اطلاعاتی و ارتباطاتی) و نیز رو ساختها (سازمانها مقرر است و ابعاد نرم افزاری جامعه اطلاعاتی) مردم حداقل در سه شکل می توانند حضور داشته و به سوی وحدت یا تفرقه سیر کنند: اول: نقش فردی؛ دوم: نقش گروهی؛ سوم: نقش دولتی (که در نظامهای مردمسالار تمام قوای حاکم به نحوی از مردم منبعت و متأثرند).

در این وجیزه کوتاه، مستند سازی اینکه افراد در سطح فردی و گروهی و یا ملی از طریق وسایل ارتباطی، در تولید پردازش و توزیع اطلاعات می توانند در پراکندگی و یا انسجام نقش آفرینی کنند، میسر نیست؛ از این رو تنها به یک شاهد که در همین ایام اخیر (فروردین ۸۴) منشأ تفرقه و نزاع قابل توجه در جامعه ایرانی شد و از مجاری اطلاعاتی نیز نشأت گرفته است، اشاره می گردد. در قالب ساخت و وسایل ارتباطی و اطلاعاتی خیر را بدین نحو می توان مطرح نمود: خیر از کجا؟ خبری که بنام محمد علی ابطحی مطرح شد، (هر چند که واقعیت نداشت و تکذیب شد) از کدام مجرا؟ اینترنت و در ویلاگها؟ چه می گوید: ادعا آن بود که نظام سیاسی علیه قومیت عرب اقداماتی را در دستور کار دارد؛ با کی؟ مخاطب آن عربهای خوزستان بودند با کدام نتیجه؟ ایجاد بلواهای اجتماعی و سیاسی که از سوی گروههای تجزیه طلب نیز دامن زده شده و بهره برداری شد. در تحلیل این خبر که در نظام مردمسالاری دینی در ایران رخ داد بر نکات چندی می توان تاکید کرد:

۲-۱) در این خیر هم اطلاعات کذبی به یک فرد نسبت داده شده (ابطحی)؛ هم گروه‌های از آن بهره برداری سوء در جهت اخلافت پراکندگی اجتماعی و سیاسی بردند (گروه خلق عرب) و هم نظام سیاسی نیز در مدیریت بحران نقش آفرینی نموده و آنرا با رساندن داده‌ها و تکذیب خیر حنشی کرد (هر چند این بحران می‌توانست سریعتر و بهتر مدیریت شود). تولید کذب از مصادیق بارز فساد اخلاق است و تهمت و افتراء نیز از موارد جدی ضداخلاقی، آن هم در جامعه اسلامی است. پس در طرح و پخش این خبر، حداقل دو نکته از مسایل منافی با اخلاق، تولید و پروراندن شد.

۲-۲) در این مورد خاص، نقش وسایل اطلاعاتی در همه مراحل (تولید، پردازش و توزیع) در ایجاد تفرقه و پراکندگی آشکار است، هر چند در مراحل بعدی نیز ساختار اطلاعاتی در جهت ایجاد انسجام اجتماعی و ملی عمل نموده و حرکت‌های مردمی در مقابل آن اتفاق تجزیه طلبانه را پوشش داد.

۲-۳) با همه کنترل و فیلترینگ اعمال شده و در باره سایتها و وبلاگها، نشر و درز و توزیع این اخبار حکایت از آن دارد که در جوامع مردمسالار، کنترل تولید و توزیع اطلاعات کار سهلی نیست و جامعه مجازی ظرفیت پذیرش اختلافها و پراکندگیها را دارد و تدبیر امور در جهت وفاق اجتماعی و وحدت جامعه کار سهلی نیست. به عبارت دیگر بر خلاف نظامهای توتالیتری در نظامهای مردمسالار افراد، گروهها (نهادهای مدنی و سیاسی) در کنار دولت در تولید، توزیع اطلاعاتی دخیلند. و معلوم نیست لزوماً در مسیری فعال باشند که کاملاً با خواسته‌های دولتیان تطابق داشته باشد و چه بسا برای جذابتر، متنوعتر و تازه تر بودن، اطلاعاتی، مطالبی در نفی داده‌های رسمی و در نقد اطلاعات دولتی منتشر می‌کنند. این گونه حرکتها رسیدن به انسجام ملی، سیاسی و اجتماعی را دشوار می‌کنند.

۲-۴) ساختار اطلاعاتی فراتر از مرزهای تعریف شده ذیل حاکمیتها عمل می‌کند و از اینرو تأثیر گذاریش بر پراکندگی یا انسجام در محدوده مرزها نمی‌ماند. زیرا در رابطه با همین مطلب دروغین منتشر شده و عکس العمل مردمی و افکار عمومی به وضوح پای شبکه‌های خارج از ایران در ابعاد مختلف (سایت و وبلاگ و ...) دیده می‌شود که در این میدان تلاش مبسوط رسانه‌ای شبکه الجزیره و بخش و تعقیب حوادث خوزستان به صورت مستقیم، قابل توجه و تأمل است. در نظامهای مردمسالار تصمیم‌گیری در باره ساختار اطلاعاتی مشکلات عدیده‌ای را می‌تواند تولید کند که برخی از آنها عبارتند از:

اول: اگر دولت بخواهد به جد بر ساختار اطلاعاتی در تمام مراحل تولید، پردازش و توزیع نه تنها نظارت دقیق، بلکه اعمال نظر و کنترل کند، از سویی با جامعه چند صدایی که از ویژگیهای نظامهای مردمسالار است نمی‌سازد گر چه ممکن است بر انسجام اجتماعی موثر افتد و از پراکندگیها و تفرقه اجتماعی جلوگیری نماید؛ از سوی دیگر هر چه دولتها در سیستم اطلاع رسانی بر ایمن سازی و مطمئن تر نمودن مجاری اطلاعاتی تأکید ورزند، خلاقیتها را محدود کرده و سازمان دولتی و غیر دولتی را در گیر قید و بندهایی می‌کند<sup>۱</sup> که با تنوع طلبیها و آزادیهای جامعه مردمسالار نمی‌سازد.

دوم: از ویژگیهای وسایل اطلاعاتی آن است که به جهت فرا گیر بودن در صورتی که بتواند به عنوان پیام غالب در آمده و از جذابیتهای لازم برخوردار باشد، می‌تواند نقش همگن سازی (Homogenization) را ایفا کند.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر ممکن است پیامهایی در سطح جامعه از طریق وسایل اطلاعاتی منتشر شود و بر سطح وسیعی از آحاد جامعه موثر افتد که لزوماً مطلوب نبوده و حتی بومی نباشد. (از مثالهای بارز آن تولید مسایل مربوط به روز والتاین روز عشق است که از طریق وسایل اطلاعاتی امروزه در ایران دامن زده شده و می‌توانند مساله آفرین باشد در چنین مواردی نیز دولتها اگر بی تفاوت بمانند و موضعگیری نکنند، ممکن است فرهنگی نامناسب به صورت فراگیر جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد و اگر بخواهد در مقابل نقش موثر رسانه‌های و وسایل ارتباطی و اطلاعاتی بایستد، باید به فضای سانسور و سختگیریها روی آورد که علی‌القاعده با گفتمان مردمسالاری، سازگار نمی‌افتد. ضمن اینکه در چنین مواردی ظاهراً نقش رسانه‌ها و وسایل اطلاعاتی در جهت انسجام اجتماعی است و جامعه را در مسیرهای

۱- نافرالوین، تعبیر ماهیت قدرت، مرکز ترجمه و نشر کتاب: ۱۳۷۰، ص ۲۴۷

۲- در باره نقش همگن سازی رسانه مراجعه شود به: سارو خانی باقر، جامعه شناسی ارتباطات، انتشارات اطلاعات: ۱۳۸۰، ص ۸۷

خاص همگن می سازد ولی همین ایجاد هماهنگی خود مساله ساز است و رژیمهای مردمسالار را در مدیریت دچار بحران می کند. و چه بسا دولتمردان را در مقابل خواسته های جمعی و افکار عمومی قرار می دهد.

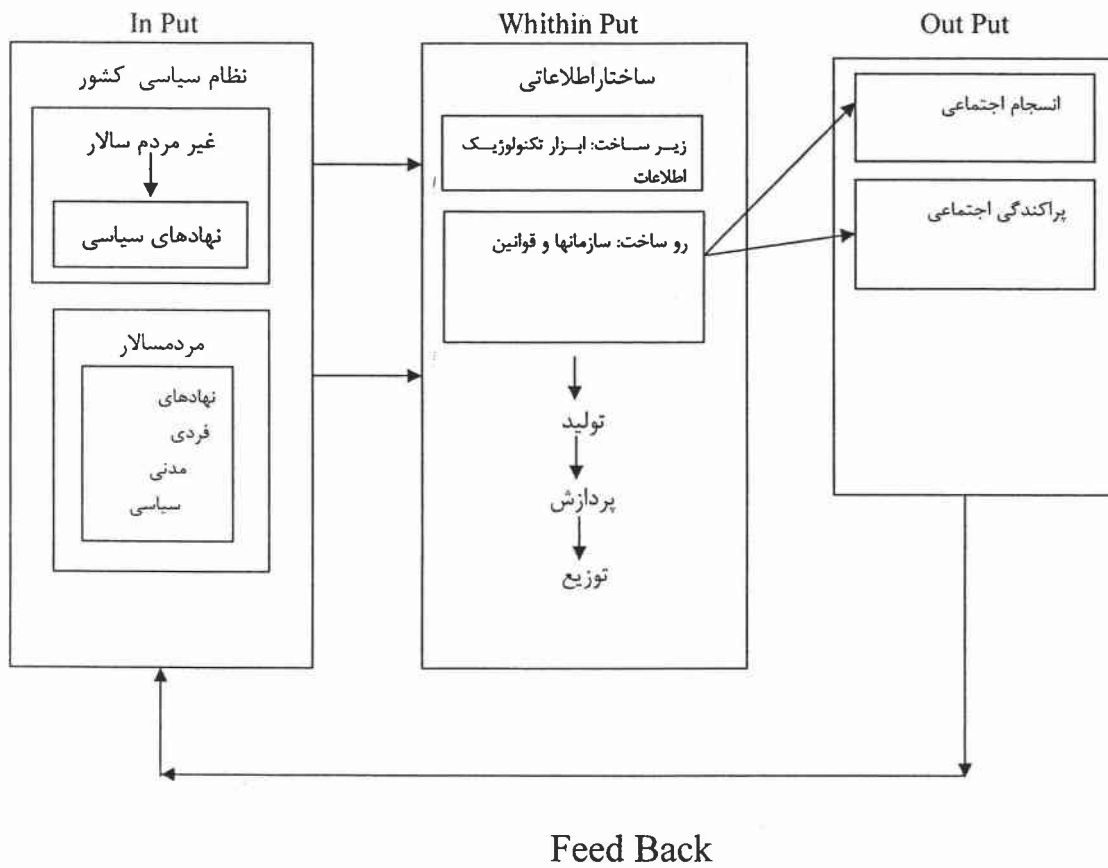
سوم: از آنجا که در ساختار تولید و پردازش و توزیع اطلاعات در جامعه مجازی افرادی می توانند دخالت کرده و به صورت شناخته نشده، سایتهای رسمی و غیر دولتی و شخصی را هک کنند، داده های غلط به مراکز تصمیم گیر بدهند، افرادی را متهم کنند، سرقت از ذخایر و فایل های دیگران داشته باشند، که تأمین امنیت شبکه مشکل دیگر دولتمردان است؛ اگر بخواهند سخت بگیرند باید تمهیدات وسیعی را در سطح جامعه و کاربران شبکه های اطلاعاتی اعمال کنند (ضمن اینکه هر گونه پیشگیری و اقدام معلوم نیست به نتیجه برسد) که با فضای یک جامعه مردمسالار نمی سازد و اگر بخواهند تساهل پیشه گیرند، ممکن است این اخلاگران، انسجام و امنیت جامعه را مخدوش کنند و فضای ناامنی، سوء ظن، بی اعتمادی و در نتیجه انفصال آحاد جامعه نسبت به هم را دامن بزنند. و نهایتاً باید گفت مدیریت جامعه در نظامهای مردمسالار سخت تر از مدیریت در جوامع استبدادی و توتالیتر است و دولتمردان در اینگونه جوامع برای تدبیر صحیح باید تمام تلاشهایشان را به علم، تخصص، کارشناسی، کارهای میدانی و پژوهشهای محققان و ... گره بزنند و ضمن مساله شناسی درست، برای جلوگیری از بحرانهای و مسایل اجتماعی و از جمله تفرقه لجام گسیختگی و پراکندگی اجتماعی از طرق مختلف علمی بهره گیری های مناسب و لازم را داشته باشند.<sup>۱</sup>

۲-۵) در نظامهای مردمسالار نیز ساختار اطلاعاتی در همه مراحل تولید، پردازش و توزیع، با اخلاق ارتباط دارد. از آنجا که در چنین نظامهایی نهادهای مدنی فعال اند و مصادیق نهادهای مدنی شامل حوزه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... می گردد،<sup>۲</sup> از این رو در تولید محتوای اخلاقی، متولیان اخلاق و ارزشهای جامعه می توانند از ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی حداکثر بهره را ببرند. از لسان هنر بهره گیرند و پیامهای انسان ساز و معنوی را به راحتی در سریع ترین زمان ممکن و با سهل ترین و ارزاترین طرق به گوش دیگران برسانند. همان طور که اشرار و فاسقان نیز می توانند با بهره گیری از همین ابزار، سلامت اخلاقی جامعه را به خطر انداخته و مدالیک به خانواده ها، مدارس، دانشگاه ها، مراکز علمی و فرهنگی، مراکز فرهنگی و تفریحی و ... حمله کنند.

از جهت دیگری نیز وسایل ارتباطی می تواند در مسیر غیراخلاقی قرار گیرد و آن در صورتی است که افراد وارد حریم خصوصی دیگران شوند و سایت و وبلاگ و ایمیل و ... را هک کنند. پیامهایی ناصواب و یا منفعت طلبانه برای کسانی که مایل نیستند در معرض این گونه پیامها و تبلیغات باشند، بفرستند و از این منظر نیز، چون ورود به حریم خصوصی افراد بدون اذن دیگران، عملی ضداخلاقی است، لذا باید از کارکردهای ضداخلاقی وسایل ارتباط جمعی، در جوامع مردمسالار سخن به میان آورد. در مجموع، وسایل ارتباطی و اطلاعاتی ابزاری هستند که کارکردهای مثبت و منفی، مانند همه ابزارهای دیگر در جهت اخلاق دارند و از این رو تمرکز عمده در بحث اخلاقی بودن یا نبودن مسایل اطلاعاتی را باید به فاعل و تولیدکننده این داده ها و نه این ابزارها، بازگرداند.

**ج) نتیجه گیری:** برای رعایت اختصار مباحث مطرح شده در این نوشتار بر مبنای تئوری سیستمی در قالب مدل زیر ارائه می گردد.

۱- در یکی از منابع برای بررسی مسایل اجتماعی هفت رویکرد مورد تجربه نو تحلیل قرار گرفته اند. آسیب شناسی اجتماعی، بی سازمانی اجتماعی تضاد و ارزشها، کیج رفتاری، رنگ زنی، رویکرد انتقادی و رویکرد بر ساخت گرایشی اجتماعی: تفصیل بحث در کتاب رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسایل



مدل ارتباطی ساختار اطلاعاتی و پراکندگی یا انسجام اجتماعی



## فن آوری اطلاعات و ارتباطات: تعامل چالشها و فرصت های جهانی شدن با اخلاق جامعه اطلاعاتی

سعید جنتی	منصور امینی لاری	رضا جاویدان
دانشگاه صنعتی مالک اشتر	استادیار بخش علوم و مهندسی	دانشجوی دکتری کامپیوتر دانشگاه شیراز
مرکز تحقیقات هیدروفیزیک	کامپیوتر= دانشگاه شیراز	عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر

### ۱-مقدمه:

فن آوری اطلاعات و ارتباطات در حال تاثیر گذاری روی کل مراحل زندگی میباشد. این فن آوری توانایی بشر را گسترش داده و او را در دستیابی و گسترش ذخیره سازی، بازیابی، پردازش، بکارگیری و ایجاد اطلاعات با سرعت و حجم زیاد یاری می کند. پایگاههای داده کامپیوتری بطور وسیعی برای ذخیره انواع اطلاعات محرمانه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بکارگیری میشوند. از سویی فن آوری اطلاعات و ارتباطات، اصول اخلاقی که براساس باورهای رفتاری و استاندارد های درست و نادرست و عادت های اجتماعی شکل می گیرد را تغییر داده است و باعث ایجاد شخصیت های جدید، گروه ها و سازمان ها و دیگر شکل های اجتماعی اقتصادی و گروه بندی های سیاسی شده است [۱].

انقلاب فن آوری اطلاعات و ارتباطات دیدگاه ما را از دنیا بطور گسترده تغییر داده است و یک دیدگاه جدید را در دهکده جهانی اطلاعات به همراه آورده است. یک جامعه جدید را بوجود آورده است که شامل همه فرهنگها، ملیت ها، نژادها، و دیگر خصوصیات بشری میشود. این جامعه به سمت آگاهی جهانی در حال حرکت است. سیستمهای سایبری در کل جهان دارای قوانین متفاوتی هستند که شکل دهنده رفتار اعضا آن میباشد. کاربرها آزاد هستند تا به هر سیستمی متصل شده و یا از آن جدا گردند. این انعطاف پذیری ممکن است در بعضی موارد بطور نادرستی کاربر را راهنمایی کنند. تروریست ها نیز ممکن است از آن برای ایجاد توطئه و خشونت استفاده کنند. گسترش آزادانه ایدئولوژی ها، باورها و رفتارها در بین فرهنگ های مختلف ممکن است باعث ایجاد فشارهای روحی و رفتاری پیچیده ای گردد که منجر به بحرانهای جدیدی گردد. بدون درک این که این دورنمای جهانی چیست شخص نمیتواند استراتژی هایی برای مقابله کردن با آن ارائه دهد [۲].



در حال حاضر فن آوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک حق همگانی و یک ابزار مورد نیاز برای کل آحاد بشریت است. عدم دسترسی یکسان و نقض حقوق بشر در دسترسی به اطلاعات باعث ایجاد مشکلات جدیدی در سیستمهای اجتماعی شده است مانند اختلاف دیجیتال، جنایات های سایبری، نقض امنیت دیجیتال و حریم خصوصی افراد، که تمامی این موارد در زندگی مردم بطور مستقیم و غیر مستقیم تاثیر دارد و این به نوبه خود باعث ایجاد جنایات ملی و یا فرا ملیتی میگردد. این نوع جنایات دارای هیچ گونه مرز مجازی نمی باشند و ممکن است هر کشوری را در جهان مورد تاثیر قرار دهد. بنابراین شکل دهی یک سیاست یکسان، و وضع قوانین مورد نیاز در تمام کشورها برای جلوگیری از چنین جنایات کامپیوتری ضروری است.

همانند دیگر تکنولوژی های نوین، فن آوری اطلاعات و ارتباطات فرصت ها یی را برای توسعه فراهم می آورد. اما بطور همزمان باعث ایجاد مشکلاتی مشابه با آنچه در فوق اشاره رفت نیز می شود. در این مقاله به چگونگی استفاده از این فرصت ها و مقابله با مخاطرات خواهیم پرداخت. همچنین به نقش عمده این چالشها در تغییر روند اخلاق جامعه اطلاعاتی پرداخته خواهد شد.

## ۲- تکنولوژی اطلاعات و جهانی شدن

هرچند با استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات تمام کشورها میتوانند از فرصتهای حاصله بطور کامل بهره برداری کنند، با این حال مسائل و مشکلاتی که از این تکنولوژی حاصل می گردد برای همه کشورها تقریباً بصورت یکسانی وجود دارد. خودکار شدن کارها ممکن است بعضی از فرصتهای شغلی را کاهش دهد. و یا ناشناس بودن ماشینها باعث ساده تر شدن جنایات شده و انواع تازه تری از تهدیدها را ایجاد کند. در صورتی که بطور ایمن از اطلاعات محافظت نگردد، محتویات ارتباطات الکترونیکی و پایگاه داده ها و اطلاعات خصوصی مردم برای اشخاص غیر مجاز ممکن است آشکار شود. اطلاعات و خطاهای برنامه ها ممکن است باعث ضررهای مالی گردد و یا حتی باعث از دست رفتن زندگیها شود. در سراسر دنیا میلیونها دلار سالیانه نرم افزار بطور غیر مجاز کپی میشوند که ضربه مهلکی به صنعت نرم افزار جهان وارد می کند. چگونه حقوق اساسی افراد بر اساس آزادی بیان و مطبوعات روی محیط های الکترونیکی اعمال میگردد؟ چگونه بطور جدی مسائلی چون افترا، اذیت و اعمال سانسور روی شبکه بر جامعه و اشخاص تاثیر می گذارد؟ ارزیابی تاثیرات اطلاعات بر روی زندگی مردم چیست و استفاده روز افزون از کامپیوتر بر افزایش فاصله بین غنی و فقیر یعنی آنهایی که اطلاعات دارند و آنهایی که اطلاعات ندارند به چه میزان است؟ دسترسی آزاد به اطلاعات چه تاثیری در افشای پنهان کاری های سیاسی و یا در مقابله گسترش شایعات نادرست خواهد داشت؟ نقش فن آوری اطلاعات در جنگهای آینده چیست و استراتژی دفاعی کشورها در این خصوص چگونه باید باشد؟ بلوغ زودرس جنسی حاصل از دسترسی آزاد به منابع بزرگسالان چه تاثیری در فرهنگ کشورها خواهد داشت؟ تمامی مسائل فوق ناشی از عصر اطلاعات و جهانی شدن است. آیا راه مقابله با این موارد وجود دارد؟ آیا می توان با ایجاد محدودیت بر برخی از این مسائل

فائق آمد؟ آیا کلیه موارد فوق تهدید هستند یا می توان با هوشیاری آنها را به فرصت هم تبدیل کرد؟ در ذیل به برخی از مهمترین این مسائل خواهیم پرداخت.

## ۲-۱- جنایات سایبرنتیکی

جنایات سایبرنتیکی، یکی از پدیده های آشکار مخاطرات اخلاقی است که در انواع مختلفی روی میدهد. دزدی، اخاذی، کلاه برداری، جنایت علیه اشخاص، فروش مواد مخدر، دزدی هنری از افکار اشخاص، گسترش افکار دیوانه وار و خشونت آمیز، عدم انجام سرویسهای عادی و تروریزم سایبری از جمله برخی از این جنایتها میباشد [۳]. تحقیقات انجام شده توسط موسسه امنیت کامپیوتر [۴] تأیید میکند که مسئله جنایات کامپیوتری و مقابله با امنیت اطلاعات در حال افزایش است. برای مثال در کشوری مانند ژاپن، جنایات مرتبط با اینترنت در شش ماهه اول سال ۲۰۰۲ بیش از دو برابر شده است. در نیمه اول سال ۲۰۰۲ حدود ۸۰۰ فقره جنایت گزارش شده است در حالیکه در طول کل سال ۲۰۰۱ حدود ۸۸۸ جنایت انجام شده است. کل تعداد جنایات شامل اینترنت در سال ۲۰۰۱، در حدود ۶۰ درصد در مقایسه با نیمه اول سال ۲۰۰۰ افزایش داشته است. آژانس پلیس ملی اعلام داشته است که طی سه ماهه جولای تا سپتامبر ۲۰۰۲، حدود ۵۱۰۰۰ بار تلاش ورود غیر مجاز توسط هکرها انجام شده است [۵]. در کره جنوبی در سال ۲۰۰۱ حملات سایبری شامل تهمت و افترا و شیادی و کلاهبرداری بصورت فعال و بلادرنگ ۱۲۶ درصد در مقایسه با یک سال قبل افزایش داشته است (۳۳۲۸۹ مورد) [۶]. بهبود وضع اقتصادی عمومی جامعه و افزایش امنیت شبکه های اطلاعاتی و وضع قوانین پیشگیرانه وقوع جرم از مهمترین راهکارهای مقابله با گسترش این جنایات می باشد.

## ۲-۲- پورنوگرافی و مسائل ضد فرهنگی

پورنوگرافی به عنوان یک مسئله فرهنگی میلیونها نفر را در سراسر جهان تهدید می کند. نوجوانان و جوانان مشتریان اصلی مقولات اینچینی هستند [۷]. حتی کشورهای غربی نیز به مشکلات ناشی از مسئله پی برده اند و با ارائه راهکارهایی بدنبال مهار آن هستند. جدا از اتلاف وقت، مهمترین مسئله ناشی از این موارد، بلوغ زودرس جنسی است. آگاهی های جنسی زود هنگام در بسیاری از کشورها خصوصا کشورهای شرقی از مهمترین مشکلات فرهنگی می باشد. همچنین ارتباطات فرهنگی نظیر Chat، باعث آشنایی افراد و اقوام مختلف با یکدیگر میگردد. ارتباطاتی از این نوع به نوبه خود باعث تغییر تدریجی جوامع می شود. برآستی راه مقابله با این پدیده چیست؟ کشورهای در حال توسعه یافته ای نظیر ایران و چین برای سد کردن این گونه سایت ها، راه مقابله از طریق استفاده از دیواره های آتش کامپیوتری (Firewall) را انتخاب کرده اند. البته برای کوتاه مدت این روش بنظر مناسب می رسد، اما با گسترش سریع تکنولوژی اینترنت و گسترش روزافزون سایتهای اینترنتی و ایجاد تکنیکهای گذر از این دیواره ها، استفاده از سایر روشها بخصوص روشهای آموزشی و فرهنگی اجتناب ناپذیر است. حداقل اگر نتوان جلوی این مشکل را گرفت، توسط روشهای فرهنگی- تربیتی می توان آن را کنترل کرد. بکارگیری این روش اخیر نکته ای است که

هنوز جای آن در بسیاری از جوامع خالی است. بعلاوه هنوز روش ها و اصول مدون و قابل قبولی نیز که کارایی عملی داشته باشد نیز ارائه نشده است.

### ۲-۳- اختلاف دیجیتال

تمام کاربران شهری و روستایی میتوانند از فن آوری اطلاعات از فاصله دور و با دسترسی به منابع و سرویس های دولتی و غیر دولتی و سرویسهای مالی و اعتباری، استفاده کرده و از طریق سیستمهای فن آوری اطلاعات از فرصت های جدید طراحی، ساخت و فروش محصولات، انجام تحصیلات بهتر و بالاتر از طریق کامپیوتر، کسب توصیه های عالی پزشکی و غیره بهره گیری کنند. اما در حال حاضر تنها حدود ۵ درصد از جمعیت دنیا به اینترنت دسترسی دارند و باقی ۹۵ درصد از آن بی بهره هستند و از این امتیاز استفاده نمیکنند. این تقسیم دیجیتالی یک شکاف جدید است که توسط فن آوری اطلاعات ایجاد شده است: بین آنان که داخل این کره اطلاعاتی هستند و آنان که خارج این دنیا هستند.

تقسیم دیجیتالی بیشتر بین افراد رخ میدهد تا در میان کشورها و یا کل جامعه. بین ثروتمندان اطلاعاتی و فقرای اطلاعاتی رخ می دهد حتی اگر همسایه و یا دارای یک ملیت باشند. تقسیم دیجیتالی منبع ایجاد بسیاری از مسائل و مشکلات جدیدی است که حاصل از تکامل جامعه اطلاعاتی است. این میتواند باعث بروز اشکال جدید از استعمار گری و تبعیض نژادی گردد که نوعی پدیده جدید ضد اخلاقی است و باید از آن جلوگیری کرد. گسترش ساختار اصلی مخابراتی به تمام نقاط شهری و روستایی و دور دست، فراهم آوردن شرایط دسترسی آسان به سخت افزار و نرم افزار و خطوط ارتباطی بر حسب محدوده درآمد، و فراهم آوردن شرایط دسترسی آسان و ارزان به شبکه های اطلاعاتی برای زنان، کتابخانه های عمومی و مدارس از راههای مقابله با این شکاف طبقاتی می باشد [۱].

### ۲-۴- کاهش فقر از طریق گسترش آموزش و یادگیری

عدم دسترسی به اطلاعات و تکنولوژی های مخابراتی یک عنصر و پایه برای گسترش فقر در جامعه است و فقر نیز به نوبه خود باعث گسترش فساد در سطح جامعه اطلاعاتی و در نهایت موجب انحطاط اخلاقی جامعه خواهد شد. توسعه تکنولوژی های دیجیتال، و کاربردشان در شبکه های جهانی اطلاعات، فرصتهای مهمی برای فرار از فقر میباشد. برای مثال در نظر بگیرید کاربرد فن آوری اطلاعات و ارتباطات را در آموزش و یادگیری، که از آن به عنوان آموزش الکترونیکی و یادگیری از راه دور نامبرده می شود. یادگیری از راه دور بدین صورت تعریف میگردد که دانشجو و استاد در یک موقعیت مکانی نباشند. آموزش الکترونیک از طرف دیگر یادگیری از طریق تجهیزات الکترونیکی میباشد. هر دو این مفاهیم بعنوان ابزار اصلی آموزش خواهد بود. گذر از شیوه آموزش آکادمیکی و حضور در دانشکده به یک مدل آموزشی در حین زندگی باعث تغییرات بسیاری در درس از دید استراتژی و عمل خواهد شد. علاوه بر این نقش استاد و دانشجو بطور بنیادی تغییر می یابد. همچنین آموزش از راه دور باعث خواهد شد تا زنان کشورهای کمتر توسعه یافته بتوانند

بطور موثرتری کیفیت زندگیشان را بهبود دهند و نقش موثرتری در ارتقاء ارتباطات خود داشته و در نتیجه نقش مهمتری در توسعه کشورها داشته باشند. از طریق آموزش اشخاص می‌توانند دانش خود را گسترش دهند و از این رهگذر فرصتهای سغلی بهتری را بدست آورند. این به نوبه خود باعث کسب درآمد و کاهش فقر در جامعه می‌شود. بنابراین تکنولوژی اطلاعات در اینجا می‌تواند بعنوان یک فرصت جهت ارتقاء اخلاقی و اجتماعی جامعه اطلاعاتی در نظر گرفته شود.

## ۲-۵- کپی برداری غیر مجاز

کپی برداری یک عمل ضد اخلاقی است که بواسطه گسترش فن آوری اطلاعات و ارتباطات سهل تر انجام می‌شود. بر اساس نتایج بررسی سالیانه در خصوص مطالعه وضعیت کپی برداری در جهان مشخص شده است که برای اولین بار در تاریخ این مطالعه و طی دو سال متمادی ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱، سرعت کپی برداری غیر مجاز در جهان به دو برابر افزایش یافته است [۱]. عواملی نظیر کاهش رشد اقتصادی و استانداردهای پایین زندگی و بطور مشخص فقر عامل اساسی برای این نرخ بالای کپی برداری غیر مجاز میباشد.

به نظر میرسد که کپی برداری غیر مجاز به منظور باقی ماندن در دنیای اطلاعات و بدون توجه به اعتقادات مذهبی و یا ارزشهای اخلاقی که فرد بدان پایبند است امری اجتناب ناپذیر است. کپی برداری غیر مجاز در یک کشور تأثیرات مخرب بسیاری در بازار صنعت نرم افزار آن کشور ایجاد می‌کند و باعث بروز مخاطراتی در سلامت تجارت با فن آوری اطلاعات و ارتباطات میباشد. لذا با توجه به ضررهای آن به پیکره اقتصادی کشورها، می‌بایست با وضع قوانینی با آن مقابله کرد. بدیهی است که در دراز مدت منافع اقتصادی آن بخصوص برای صنعت نرم افزاری یک کشور بسیار بیشتر از منافع کوتاه مدت کپی برداری است. بعلاوه کنترل قیمت نرم افزارها که با سطح در آمد عمومی جامعه هم خوانی داشته باشد و افزایش جریمه برای ناقضین حقوق چاپ و نشر از سایر مواردی هستند که می‌بایست به آنها توجه داشت گسترش اعتقادات مذهبی جامعه نیز بنوبه خود می‌تواند از افزایش نرخ کپی برداری غیر مجاز جلوگیری کند.

## ۲-۶- حقوق بشر

حقوق بشر به معنی آزادی عقیده و حفاظت از اطلاعات شخصی افراد، می‌بایست اصل اساسی دنیای فن آوری اطلاعات و ارتباطات باشد. از آنجا که این مسئله با قوانین و ارزشهای اخلاقی خاص جوامع مرتبط است، مشکلات بسیاری را در ایجاد یک استاندارد واحد ایجاد خواهد کرد. بعلاوه چگونه میتوان با فردی که مطالب خلافی را منتشر میکند و در خارج از کشور بسر میرد برخورد کرد؟ بخصوص هنگامی که قوانین آزادی فردی در دو کشور یکسان نباشند مثلاً موردی که کاملاً در یک کشور آزاد است، اما در کشور دیگر این مورد قانونی یا اخلاقی نباشد و بالعکس. بنابر این موضوع اصلی این است که هر کشوری میل دارد دسترسی را بر اساس قوانین خود محدود کند در

حالیکه بطور همزمان باید آزادی عقیده و حق خصوصی برای هر فرد باید محترم باشد. بنظر می رسد هنوز راه حل جامعی در این رابطه وجود ندارد.

## ۲-۷- تعامل اخلاق و اقتصاد در جامعه اطلاعاتی

تجارت الکترونیک یکی از محصولات توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات است این نقل مشهور است که چنانچه در جامعه ای فقر اقتصادی وجود داشته باشد، ارزشهای اخلاقی کم کم کمرنگ خواهد شد. از طرفی گسترش فن آوری اطلاعات و ارتباطات، و تجارت الکترونیک فرصتهای اقتصادی جدیدی را بوجود می آورد. جستجو برای یافتن بازارهای جدید، بهبود کیفیت کالاها و خدمات، افزایش تولید، اشتغال، بازاریابی بهتر و وسیعتر، بهبود منابع انسانی، گسترش مهارت و ظرفیت ها، توسعه اقتصادی و اقتصاد مبتنی بر پایگاه اطلاعاتی نمونه هایی از این گونه فرصتها است [۹ و ۱۰]. این فرصتها باعث گسترش سطح اقتصادی جامعه و دوری از فقر خواهد بود که به نوبه خود به استحکام اخلاقی جامعه منجر می شود. البته منافع اقتصادی حاصل از تکنولوژی اطلاعات بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای کمتر توسعه یافته یکسان نیست. زیرا کشورهای پیشرفته تر بدلیل وجود زیر ساختارهای پیشرفته تر ارتباطی، امکان رقابت بهتر جهانی را دارا هستند و در نتیجه کشورهای کمتر توسعه یافته کمتر امکان رقابت عادلانه را پیدا می کنند. این عدم امکان رقابت به نوبه خود باعث گسترش شیوه های غیر اخلاقی در عرصه تجارت و اقتصاد خواهد داشت.

## ۲-۸- مشکلات جدید خانوادگی

استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات باعث میشود که مشاغل را بتوان هم در خانه و هم در محل کار انجام داد. در این صورت زمان بیشتری از انجام کار در محیط خانه صرف میگردد و این خود باعث میگردد مرزهای سنتی بین خانه و محل کار حذف گردد. تداخل حریم کار و خانه منبع بروز مسائل جدیدی در خانواده ها میگردد. شاید یکی از راه حل های کوتاه مدت این باشد که ساعتهای کار از راه دور همچنان محدود به ساعات خاصی باشد طوری که تداخلی میان کار و زندگی روزمره پیش نیاید. اما با همه اینها بنظر می رسد ساختار کلی و مرز سنتی میان محیط کار و خانواده و در نتیجه آن، اخلاق جوامع در یک جامعه مدرن اطلاعاتی تغییر پیدا خواهد کرد [۱۱].

## ۲-۹- افزایش آگاهی عمومی

نکته کلیدی در فن آوری اطلاعات و ارتباطات دانش می باشد و افزایش آگاهی عمومی مردم نتیجه گسترش فن آوری اطلاعات و ارتباطات در جوامع خواهد بود. در چنین شرائطی بسیار دشوار خواهد بود که به مردم غلط و یا درست را دیکته کرد. اشتباهات دولتها نمیتواند بسادگی پنهان گردد. در نتیجه رابطه مردم با دولتها در کشورها تغییر خواهد کرد. مردم بسیاری از موارد را سریعتر از گذشتگان خود خواهند فهمید. اطلاعات در زمینه سیاست، احزاب و تشکل ها، مسائل عمومی

کشور، روابط زیر زمینی، مدها و مدل‌های اجتماعی بسادگی و بسرعت گسترش خواهند یافت. تغییر در سطح آگاهی‌ها باعث گسترش بینشها و باورها نیز خواهد شد. تغییر باورها نیز به نوبه خود تغییر اخلاق را در جامعه به دنبال خواهد داشت. در چنین شرائطی دولتها باید در نوع رابطه اخلاقی و اجتماعی میان خود و جامعه تغییراتی اعمال کنند. گسترش شفاف دموکراسی می‌تواند یکی از راههای پیشنهادی باشد. همچنین در محیط خانواده والدین باید در روشهای رفتاری خود برای آموزش فرزندان تغییراتی اعمال کنند.

## ۲-۱۰- روابط فرهنگی

در بسیاری از جوامع غیر غربی، نگرانیهایی در خصوص فن آوری اطلاعات و ارتباطات از دیدگاه فرهنگی وجود دارد. کشورهای شرقی و اسلامی نگران آنچه را که نابودی آداب و سنن بر اثر گسترش فرهنگ غربی می‌نامند، می‌باشند. براستی چنین نگرانی تا چه حد واقعی است؟ آیا این تاثیرات بیشتر ناشی از سایر عواملی است که در این مقاله به آنها اشاره رفت یا اینکه یک تهدید مستقل و مستقیم علیه فرهنگ شرقی است؟ هر یک از دو فرض فوق صحیح باشد، نگارنده معتقد است که فن آوری ارتباطات و اطلاعات در مجموع برای کشورهای چون ایران یک فرصت است تا یک تهدید. فرصتی است برای رساندن پیام رسای فرهنگ ایرانی و اسلامی به آن سوی جهان. هر چند در ابتدا ممکن است دیدگاههای غربی جذابیت‌های موقتی برای جوانان داشته باشد و حتی فرهنگ اخلاقی و اجتماعی ما را به چالش بکشد، اما با توجه به غنای فرهنگ شرقی، در نهایت برآیند برخورد فرهنگها به سوی فرهنگ با اصالت تر و پر پشتوانه تر خواهد بود. به عبارت دیگر هر چند در اثر گسترش فن آوری ارتباطات و اطلاعات ارتباط میان فرهنگها بیشتر خواهد شد و متعاقباً ممکن است بعلت چالشهای اخلاقی ریزش نیرو نیز در میان فرهنگ خودی وجود داشته باشد، اما با توجه به فرصتی که برای جذب افرادی از فرهنگ مقابل فراهم می‌آورد در مجموع مفید است و بعنوان یک فرصت می‌تواند تلقی شود.

## ۲-۱۱- جنگهای دیجیتالی و تعامل آن با اخلاق

در عصر اطلاعات جنگها از نوع جنگ اطلاعات خواهند بود. اگرچه اهمیت اطلاعات در زمانهای گذشته نیز شناخته شده بود، امروزه جنگ تا اندازه بی سابقه ای مبتنی بر سامانه های اطلاعاتی است. سامانه های جمع آوری اطلاعات نظیر ماهواره های شناسایی و هشدار دهنده سریع، مجموعه وسیعی از سامانه های هوایی با سرنشین و بدون سرنشین و غیره، مقادیر زیادی اطلاعات آماده می‌کنند که از طریق فن آوری ارتباطات توزیع می‌گردند. این اطلاعات ضمن استفاده جهت ضربه زدن به دشمن، جهت فریب و ناکارآمد ساختن اطلاعاتی دشمن نیز بکار می‌روند. در چنین شرائطی ابزار اطلاعات بعنوان بعد چهارم نظامی، در کنار سه بعد اصلی دیگر یعنی نیروهای هوایی، دریایی و زمینی ایفای نقش خواهد کرد. دیجیتالی کردن صحنه جنگ کاربردی از فن آوری اطلاعات برای کسب، تبادل و بکارگیری به موقع اطلاعات در میدان نبرد می‌باشد بگونه ای که یک فضای شفاف

برای کلیه واحدهای درگیر در جنگ بوجود آید. این امر در کنار استفاده از جنگ افزارهای بسیار دقیق که علیه مراکز حساس و مهم دشمن بکار گرفته می شود، نقش بسیار مهمی در مدیریت جنگهای عصر اطلاعات دارد. نمونه این نوع جنگها در سال ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ علیه کشور عراق بکار گرفته شد. تغییر استراتژی جنگها در عصر اطلاعاتی باعث تغییر اخلاق جنگ خواهد شد زیرا دشمنی بصورت فیزیکی در برابر نیروهای خودی وجود ندارد و این نوع جنگها در واقع جنگ قدرت تکنولوژی و اطلاعات در برابر یکدیگر است تا جنگ سربازان دو کشور علیه هم. لذا در چنین شرائطی مفاهیم حماسه ها، مقاومت و دفاع در جنگهای دیجیتالی دستخوش تغییراتی می شود و این مورد اخیر بخصوص نکته ای است که باید به آن توجه شود. آیا در عصر اطلاعات مفاهیم اخلاقی چون حماسه یا شجاعت در جنگ جای خود را به اختراعات و ابتکارات خواهد داد؟

### ۳- نتیجه گیری

فن آوری اطلاعات و ارتباطات خواه یا ناخواه در جهان بسمت گسترش در حال حرکت است. کشورهای توسعه یافته البته با سرعت بیشتری نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته این راه را طی می کنند. چنین گسترشی جهان را به سمت یک مجموعه واحد اطلاعاتی و یا به عبارت دیگر دهکده ای جهانی رهنمون می سازد. در چنین جامعه ای مرزهای جغرافیایی مفهوم فیزیکی خود را از دست می دهند و مسائل جدیدی بروز می کند. بدون شناخت مختصات و ابعاد چنین دورنمایی نمی توان راههای مقابله با آن را اختیار کرد. در این مقاله به آثار مثبت و منفی اخلاقی گسترش فن آوری اطلاعات و ارتباطات در جوامع پرداخته شد. به خصوص چالشها و فرصتهایی که با گسترش این فن آوری ایجاد خواهد داد مورد بحث قرار گرفت. جنایات سایبرنتیکی، پورنوگرافی و مسائل ضد فرهنگی، گسترش آموزش الکترونیکی و امکان کاهش فقر، کپی برداری غیر مجاز، اعمال حقوق بشر، تاثیرات اقتصادی و اجتماعی، بروز مشکلات جدید خانوادگی بر اثر حذف فاصله میان محیط کار و محیط خانه، ایجاد اختلاف دیجیتالی میان جوامع، افزایش آگاهی عمومی و تعامل آن با سیاست، و برخورد میان فرهنگها و جنگهای دیجیتالی از جمله برخی از مسائل بود که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت و راهکارهایی نیز بعضا پیشنهاد گردید. وضع قوانین جدید، تغییر در روشهای تعلیم و تربیت، تغییر در سیستم آموزشی، ایجاد روشهای نوین مدیریت کشور از جمله مهمترین راهکارهای ارائه شده است.

اکثریت موارد ذکر شده در این مقاله تاثیرات مستقیم و یا غیر مستقیمی بر تغییر دیدگاه اخلاقی جامعه اطلاعاتی ایفا می کنند. بعنوان مثال فقر اطلاعاتی یکی از عوامل مهمی است که بصورت غیر مستقیم جامعه را بطرف یک تنگنای اخلاقی هدایت می سازد. بنابر این نگارنده معتقد است بجای ارائه راهکارهای اخلاقی مستقیم برای جامعه اطلاعاتی، بهتر آن خواهد بود تا با شناخت دقیق این چالشها و برخورد با آنها از اثرات آنها بر انحطاط جامعه نوین اطلاعاتی جلوگیری کرد. از طرف دیگر از فرصتها می توان بعنوان ابزاری جهت گسترش اخلاق جامعه مدنی سایبری سود جست. بعنوان

مثال می توان از فرصت جدید آموزش راه دور برای گسترش سطح آگاهی و دانش در بین جامعه استفاده کرد که این خود زمینه بروز بسیاری از ناهنجاریهای اخلاقی را خواهد گرفت.

#### ۴- مراجع

- [1] Tengku Mohd T. Sembok, "Ethics of Information Communication Technology (ICT)", The Regional Meeting on Ethics of Science and Technology, Bangkok, 5-7 November 2003.
- [2] Laudon, K., "Ethical Concepts and Information Technology," Communications of the ACM, PP. 33-40, December, 1995.
- [3] Broadhurst, R., "E-commerce & Cybercrime: issues, problems & prevention", Asia-Pacific Conference on Cybercrime and Information Security, Seoul, Republic of Korea, 11-13 November 2002.
- [4] CSI/FBI Computer Crime and Security Survey. Computer Security Institute, 2003.
- [5] <http://www.japantimes.co.jp/cgi-in/getarticle.pl5?nn20021108a3.htm>
- [6] <http://www.crimeresearch.org/eng/news/2002/10/Mess1602.htm>
- [7] Bryneson, M., "Sexual exploitation on the Internet", Asia-Pacific Conference on Cybercrime and Information Security, Seoul, Republic of Korea, 10-12 November, 2002.
- [8] CSI/FBI, "Computer Crime and Security Survey" Computer Security Institute, 2003.
- [9] Pohjola, M., "Information Technology and Economic Growth: A Cross-Country Analysis", in M. Pohjola (ed.), Information Technology, Productivity, and Economic Growth: International Evidence and Implications for Economic Development. New York: Oxford University Press, 242-56, 2001.
- [10] Samia Satti O. M. Nour, "ICT Opportunities and Challenges for Development in the Arab World", UNU/WIDER Conference on the New Economy in Development, Helsinki, 10-11 May, 2002.
- [11] M. A. Tayebi and et al, The First Iranian Student Conference on ICT Proceedings, PP. 259, Shiraz University, 11-13 October, 2004.





## تأثیر سازنده اینترنت بر اخلاق کاربران

سید علیرضا حجازی<sup>۲</sup>  
دانشگاه صنعتی مالک اشتر  
hejazialireza@yahoo.com

میترا دیلمقانی<sup>۱</sup>  
دانشگاه صنعتی مالک اشتر  
mitra\_dilmaghani@yahoo.com

### چکیده

در این مقاله به تأثیرات مثبت اینترنت بر اخلاق کاربران پرداخته شده است. دیدگاه اتخاذ شده در این مقاله مبتنی بر قابلیت‌هایی است که به صورت بالقوه در اینترنت وجود دارد و می‌تواند سبب تسهیل ارتباطات جهانی میان انسانها، از میان برداشتن تبعیض‌ها در دستیابی به اطلاعات و در نهایت ایجاد جامعه اطلاعاتی جهانی شود. از نظر نویسندگان این مقاله اینترنت علیرغم چهره فناوری - محور<sup>۲</sup> خود می‌تواند پدید آورنده فضایی باشد که در آن اخلاق و روابط اجتماعی افراد تقویت گردد. معمولاً از چنین اخلاقی با عنوان "اخلاق سازنده"<sup>۳</sup> یاد می‌شود. استفاده از اینترنت اخلاق خاص خودش را به شیوه‌ای خودکار در کاربرانش به وجود می‌آورد، کاربرانی که در هر لحظه داده یا اطلاعاتی را تولید می‌کنند. از اینرو "اخلاق اینترنتی"<sup>۴</sup> جدای از "اخلاق سازنده"<sup>۵</sup> نیست. مقاله حاضر با یادآوری امکان همکاری میان اینترنت و انسان به منظور ارتقای روابط انسانی و اصول اخلاقی نگارش یافته است.

### کلید واژه‌ها

اخلاق<sup>۴</sup> - اخلاق سازنده<sup>۵</sup> - اخلاق اینترنتی<sup>۶</sup>

### ۱. مقدمه

موضوعات اخلاقی معمولاً بر مبنای اصول فلسفی یا دینی جوامع مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند، مانند اینکه انسان باید با پدر و مادر، همسر و فرزندان خود چگونه رفتاری داشته باشد؟ پیشرفت‌هایی هم که در حوزه دانش و فناوری روی می‌دهند، گاهی اوقات روابط میان انسان‌ها و اصول اخلاقی پذیرفته شده در هر جامعه را به چالش می‌گیرند. اغلب در رابطه با انسان و ماشین این ایده مطرح می‌شود که ماشینی شدن جامعه سبب کم‌رنگ شدن عواطف انسانی و سردی روابط میان انسانها شده است. چنین دیدگاهی در نگاه اول می‌تواند درست به نظر

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مراکز اطلاع‌رسانی

<sup>۳</sup> Technology-Oriented

<sup>۴</sup> Ethics

<sup>۵</sup> Constructionist Ethics

<sup>۶</sup> Cyber-Ethics

برسد، اما برای دنیای امروز چندان مصداق ندارد. امروزه اینترنت و کاربردهای گوناگون آن نظیر پست الکترونیکی<sup>۷</sup>، گروه‌های بحث<sup>۸</sup>، محاوره مستقیم یا اصطلاحاً چت<sup>۹</sup> فرصت‌های جدیدی را برای آشنایی میان کسانی که هرگز یکدیگر را نمی‌شناخته‌اند، فراهم ساخته است و دوستی‌های جدیدی را از نوع مجازی<sup>۱۰</sup> بوجود آورده است که گاهی به دوستی‌های واقعی میان افراد همفکر و همعلاقه منجر می‌شود. بدین ترتیب می‌توان انقلاب اطلاعاتی و در رأس آن اینترنت را بر خلاف انقلاب صنعتی و مظاهر آن که سبب جدایی انسانها از یکدیگر شد، عاملی پیوند دهنده میان عناصر انسانی و نزدیک کننده جوامع انسانی در نظر گرفت و به تعبیری در کنار هر رویداد یا تحول تکنولوژیکی می‌توان نتایج و تأثیرات مثبتی را نیز مشاهده نمود.

تأثیر اینترنت بر روابط اجتماعی انسانها گستره‌ای فراتر از ابعاد فردی را در بر گرفته است تا آن حد که در هنگام وقوع بلایای طبیعی و فجایع انسانی عاملی مهم در انعکاس عواطف و احساسات انسانی به شمار می‌رود. نقش راهبردی اینترنت در دو رویداد بزرگ اخیر یعنی جنگ در عراق و حادثه سونامی<sup>۱۱</sup> مثال زدن است. در هر یک از این دو رویداد، اینترنت جدای از ایفای نقش اطلاع رسانی خود؛ رسانه‌ای مهم در اعلام موجودیت گروه‌های مختلف اجتماعی جهت حمایت از آسیب دیدگان و جلب کمک‌های مردمی از سراسر جهان بود. بسیاری از کاربران اینترنت با استفاده از امکانات این رسانه جهانی به کمک نیازمندان شتافتند.

هدف از بیان این مطالب ارائه یا القای یک تفکر مثبت اندیش یا خوشبینانه به ذهن خواننده نیست، بلکه تبیین امکان تحقق جامعه اطلاعاتی آرمانی در سراسر جهان است. شکی نیست که همه کاربران اینترنت به ارزشها و اصول والای انسانی اهمیتی نمی‌دهند. هرکس<sup>۱۲</sup> یا راهزنان اینترنتی که با شیوه‌های مختلف در صدد نفوذ به نقاط مشخصی از اینترنت هستند، از همین نوع کاربران هستند. اصولاً، اینکه در اینترنت چه چیزی پسندیده است یا چه چیزی نا مطلوب است، همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

حتی در تعاریف قوانین بهره‌برداری از شبکه کامپیوتری و اینترنت همواره جلب نظر طرفهای ذینفع مطرح بوده است. گاهی اوقات جانبداری‌های اقتصادی از تولید کنندگان دانش و اطلاعات به حدی می‌رسد که دیگر "حق"<sup>۱۳</sup> یا به عبارت بهتر ارزشی برای کاربران قائل نمی‌شوند. این وضعیت در جوامع اقتصادگرایی<sup>۱۴</sup> مانند آمریکا و کشورهای غربی به خوبی مشهود است. کاربران برای برخورداری از خدمات پیوسته اطلاع رسانی مجبور به پرداخت هزینه‌هایی هستند که چندان واقع بینانه به نظر نمی‌رسند. گستره اقتصاد آنقدر وسیع شده است که دیگر حوزه اخلاق را هم تحت الشعاع خود قرار داده است. امروزه ثروت و پول تنها ارزش اخلاقی پذیرفته شده در بسیاری از جوامع شده و کلیه روابط انسانی بر اساس همین عامل تنظیم و برقرار می‌گردد.

اما در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و به ویژه اینترنت، گستره اخلاق درست از لحظه‌ای آغاز می‌شود که یک کاربر پشت رایانه شخصی خودش می‌نشیند و روی دگمه مرورگر اینترنتی<sup>۱۵</sup> کلیک می‌کند تا به درون

<sup>7</sup> E-mail

<sup>8</sup> Discussion Groups

<sup>9</sup> Chat

<sup>10</sup> Virtual

<sup>11</sup> Tsunami

<sup>12</sup> Hackers

<sup>13</sup> Right

<sup>14</sup> Economy-Oriented

<sup>15</sup> Browser

جامعه جهانی اطلاعات گام بگذارد [۱]. اینکه کسی میهمان اینترنت باشد و برای اولین بار باشد که از این رسانه استفاده می کند، یا از مشتریان پر و پا قرص اینترنتی یا اصطلاحاً "نرد"<sup>۱۶</sup> باشد، زیاد مهم نیست. مهم این است که همه این افراد تحت محیطی به تبادل اطلاعات با یکدیگر می پردازند که هیچ قانون یا مقررات رسمی بر آن حاکم نیست. خوب یا بد، درست یا نادرست، باید یا نباید؛ همگی تعابیر منحصر بفردی هستند که به ازای تک تک کاربران میلیونی یا میلیاردي اینترنت قابل بررسی و تعریف است.

در چنین فضایی تدوین هرگونه قانون و مقررات نه تنها غیرممکن به نظر می رسد، بلکه مضحک هم جلوه می کند. چیزی که ممکن است از نظر یک کاربر مطلوب و خواستنی باشد، می تواند از دیدگاه کاربر دیگری نامطلوب و ناپسند باشد. اما فصل مشترک همه کاربران از مبتدی گرفته تا پیشرفته، یک چیز است و آن "ساختن"<sup>۱۷</sup> است. همه کاربران اینترنت به نوعی در حال ساختن داده یا اطلاعات هستند. حتی کاربرانی که فقط نقش دریافت کننده<sup>۱۸</sup> یا مصرف کننده<sup>۱۹</sup> اطلاعات را دارند، در واقع به نوعی اطلاعات را در جایی مصرف می کنند و سبب ساختن چیزی در جایی دیگر می شوند. بدین ترتیب همه آنها برخودار از نوعی از اخلاق هستند که اصطلاحاً "اخلاق سازنده" [۱] نامیده می شود.

## ۲. اینترنت: خوب، بد، زشت یا زیبا

با وجود همه مباحثی که تاکنون درباره اینترنت و پیامدهای استفاده از آن بر اخلاق کاربران مطرح شده است، هنوز به درستی نمی توان تصویر روشنی را در این خصوص مشاهده کرد. روان شناسان و متخصصان علوم رفتاری اغلب توجه خود را بر جنبه های منفی اینترنت معطوف می نمایند. این بیشتر بدان جهت است که این دسته از افراد انسانها را در قالب سوژه های مطالعاتی خود در نظر می گیرند و به علت اضمحلال فزاینده بنیان های خانوادگی و ارزش های انسانی در جوامع غربی، نقش مخرب اینترنت بیشتر از نقش سازنده آن مورد عنایت محققان واقع شده است. بارزترین مصداق این وضعیت استفاده نادرست و کنترل نشده کودکان از اینترنت و گمراهی و به خطر افتادن آنها توسط سودجویان اینترنتی است که هر چند وقت یکبار اخبار نگران کننده ای در این رابطه از رسانه های جمعی منتشر می شود و هوشیاری والدین کودکان را در استفاده آنها از این رسانه گوشزد می شود. اما به لحاظ چند جنبه بودن پدیده اینترنت، نمی توان نگرشی یک سویه به آن داشت.

به عنوان نمونه هنگامی که بحث تجارت الکترونیکی مطرح می شود، جنبه های سود آور و سرمایه ساز اینترنت بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. حتی از سوی بسیاری از مؤسسات بین المللی نظیر یونسکو<sup>۲۰</sup> استفاده از اینترنت به عنوان یک رسانه ارزان قیمت و سهل الوصول جهت حل بحران های اقتصادی و فقر در جوامع توسعه نیافته توصیه می شود. کما اینکه در سخنرانی سال گذشته آقای کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد استفاده از اینترنت جهت از میان برداشتن فواصل طبقاتی در جوامع محروم و عقب مانده قاره آفریقا به عنوان سریع ترین و عملی ترین راه حل پیشنهاد شده بود.

<sup>16</sup> Nerd

<sup>17</sup> Construction

<sup>18</sup> Receiver

<sup>19</sup> Consumer

<sup>20</sup> UNESCO

و یا هنگامی که صحبت از تسهیم دانش<sup>21</sup> به میان می آید، حقیقتاً هیچ رسانه ای نمی تواند جایگزین اینترنت شود و به مثابه یک پل ارتباطی کارآمد میان پژوهشگران در سراسر جهان عمل نماید. در چنین حالتی آیا اینترنت خوب است یا بد؟ زشت است یا زیبا؟ اگر قدری منصفانه به این موضوع نگاه کنیم در می یابیم که در بسیاری از موارد ملاک قضاوت ما درباره اینترنت سود و زبانی است که به ما و منافع ما می رساند. چنین دیدگاهی نمی تواند یک جایگاه بی طرفانه در قبال اینترنت داشته باشد. کاربران هنگام استفاده از اینترنت به درستی در می یابند که آیا اینترنت دارد به آنها خدمت می کند یا خیانت. البته در سنین کودکی یا نوجوانی چنین تشخیصی قدری مشکل به نظر می رسد، اما با رعایت تدابیر تربیتی و ایجاد امنیت لازم توسط والدین این مشکل قابل حل است.

### ۳. نقش اینترنت در ایجاد اخلاق سازنده در کاربران

از جمله مهم ترین اقداماتی که می توان از طریق اینترنت سازمان داد، عضویت استادان و متخصصان رشته های مختلف در گروه های تخصصی است. با عضو شدن کاربران اینترنت در این گروه ها، آنها می توانند در جریان آخرین اطلاعات موجود در رشته های تخصصی خود قرار گیرند زیرا همه اعضا در جریان پیام های علمی که توسط یک نفر صادر می شود، قرار دارند. در شرایطی که خطوط ارتباطی از کیفیت لازم برخوردار باشد و در ایستگاه های محل کار هر دو یا چند طرف امکانات لازم (دوربین ویدئویی ...) به سیستم اتصال داشته باشد، می توانند تصویر و فعالیت های یکدیگر را نیز مشاهده کنند.

هم اکنون انجام عمل های مهم جراحی به شکل هدایت از راه دور<sup>22</sup> و با شرکت چند متخصص که هر کدام در گوشه ای از دنیا به کار مشغول هستند و می توانند در یک آن ناظر عمل جراحی یا راهنمایی کننده آن باشند، در تعدادی از مراکز مجهز درمانی متداول شده است. یکی دیگر از شکل های نسبتاً رایج اخلاق سازنده که در سطح کشورهای اروپای غربی و امریکا مشهود است، کنفرانس از راه دور<sup>23</sup> می باشد که در آن تعدادی از متخصصان (که هر کدام در یک گوشه از کره زمین زندگی می کنند) با یکدیگر درباره موضوع مورد علاقه خود به تبادل نظر می پردازند. این نوع کنفرانس های الکترونیک در آینده رواج زیادی خواهند یافت و احتمال می رود که در مقیاس وسیعی از اهمیت کنفرانس های حضوری (که بسیار پرهزینه تر است) کاسته شود [۲].

در طول چند دهه اخیر، مجله های علمی، در میان پژوهشگران، نقش ویژه ای در برقراری ارتباطات علمی ایفا کرده اند و تعداد این مجله ها در سطح جهان همواره رو به افزایش بوده است. اما با توجه به گسترش شبکه اینترنت، به ویژه در طول ۵ سال گذشته، به نظر می رسد که در سال های آینده نتوان افزایش تعداد این مجلات را مانند سال های گذشته انتظار داشت. همه روزه بر تعداد پژوهشگرانی که برای انتشار نتایج پژوهش های خود از این شبکه استفاده می کنند، افزوده می شود. آنان می توانند اطلاعات تولیدی خود را در اختیار تمامی افرادی که امکان دسترسی به این شبکه را دارند قرار دهند و از آنان نیز بخواهند، علاوه بر نظرخواهی، برایشان مدارک علمی مشابهی از همین رهگذر ارسال دارند یا با خود آنان همکاری مستمر داشته باشند [۲].

<sup>21</sup> Knowledge Sharing

<sup>22</sup> Remote Control

<sup>23</sup> Teleconference

همه این فعالیت‌ها که در بستر اینترنت انجام می‌گیرند و به گونه نوآوری، خلاقیت و سازندگی علمی محسوب می‌شوند، سبب تبلور شکل گسترده‌ای از اخلاق در میان کاربران می‌گردد که اصطلاحاً "اخلاق سازنده" نامیده می‌شود.

#### ۴. تعامل و همزیستی جهانی: شکل‌گیری هویت پویا<sup>۲۴</sup>

واقعیت این است که گسترش شبکه جهانی اینترنت فاصله‌ها را کم کرده و به ایجاد نوعی تشابه، به ویژه در جوانان، انجامیده است. اعضای کمیسیون توسعه سازمان ملل متحد [۳] گزارش داده‌اند که در گردهمایی‌های خود در شهرهای قاره‌های گوناگون، شاهد بوده‌اند که جوانان خیلی شبیه به هم شده‌اند و این شباهت، با رنگ باختن مرز جوامع و رفتن به سوی نوعی جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای، بیش‌تر شده است.

اما باید توجه داشت که به یمن گسترش وسایل ارتباطی و رسانه‌ها، جوامع مختلف اگر آگاهانه و با برنامه‌ریزی عمل کنند، می‌توانند برای تحولات مثبت از آن استفاده کنند و به نوعی همزیستی سالم جهانی دست یابند. مبارزه با مواد مخدر در سطح جهانی، حفظ محیط زیست، همبستگی انسان‌ها، احترام به حق حیات، محترم بودن حریم زندگی خصوصی افراد، احیای حقوق مادران و کودکان، تأکید بر عدالت جهانی، گرمی داشتن کرامت انسان‌ها و توجه به حقوق اقلیت‌های دینی و اجتماعی، توسعه پایدار و اجازه مطرح شدن سایر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها مباحثی هستند که می‌توانند با بهره‌گیری از همین فضای موجود اطلاعاتی، وجه دیگری را در تعامل فرهنگ‌ها نشان دهند.

#### ۵. کثرت‌گرایی فرهنگی<sup>۲۵</sup>

اصطلاح پدیده چندفرهنگی<sup>۲۶</sup> ما را به شناسایی و حتی گرمی داشتن دیگران، درست به همان گونه‌ای که هستند، بدون سقوط به نژادپرستی، به شکل درست آن دعوت می‌کند. در این عصر، کلید واژه رایج تساهل و تسامح<sup>۲۷</sup> بود. این کلید واژه به معنای پذیرش تفاوت میان "ما" و "آنها" است اما در کاربرد امروزه خود انسانها را به بردباری در برابر تفاوت‌های یکدیگر فرا می‌خواند [۴]. اینترنت، با جهان گسترتری چشمگیر خود، فرض را بر اعتبار همه دعاوی درباره حقیقت می‌گذارد، بدون آن که در چاله نسبی‌گرایی محض بیفتند. نسبی‌گرایی بیش از حد شالوده هر گونه گزاره اخلاقی و همراه آن، شالوده‌های اخلاقی زندگی عمومی را بست می‌کند.

جهان گسترتری جامعه اطلاعاتی که در قالب اینترنت تبلور یافته است راه را برای کسانی که اقلیت نامیده می‌شوند و می‌خواستند صدایشان شنیده شود هموار ساخته است. بنابراین، پدیده چند فرهنگی که مفهومی تناقض‌نما است هم بیانگر تنوع است و هم وحدت. تنوع لازمه جهان گسترتری است زیرا تجلی دلیستگی‌های محلی و هویت‌های خاص را مجاز می‌پندارد و در عین حال مستلزم وحدت است زیرا مروج مفهوم دهکده جهانی<sup>۲۸</sup> است [۵]. پدیده چندفرهنگی را بسیاری عارضه‌ای می‌دانند که خاص مرز ملی معینی است. در واقع، این پدیده به

<sup>24</sup> Dynamic Identity

<sup>25</sup> Cultural Pluralism

<sup>26</sup> Multiculturalism

<sup>27</sup> Tolerance

<sup>28</sup> Global Village

سرعت در حال گسترش به قلمرو بین‌المللی است. همانند نظام اقتصادی جدید، اهتمام برای نظام فرهنگی جدید تاریخ خاص خود را دارد. عصر چندفرهنگی با پیدایش اقتصاد اطلاعاتی که محصول اینترنت است نخبگان اطلاعاتی، طبقه میانگین و به حاشیه رانده‌شدگان یا فروطبقه را جانشین طبقات پیشین اشراف، متوسط و کارگر ساخت. جامعه جهانی اطلاعاتی که شکل مجسم آن اینترنت می باشد، آرمان‌های تجددخواهانه را در زمینه خردورزی، نبوغ هنری و فردگرایی به سود ضدیت با سرمایه‌داری، تحقیر اخلاق سنتی و پیروی از برابرخواهی تندرانه طرد کرده است.

### ۶. جهانی شدن و حقوق شهروندی

مسئله‌ای که شهروندی در عصر چند فرهنگ‌داری حقوق و امتیازات خاصی باید باشد. از جمله حقوق مسلم و طبیعی آن حق دسترسی به اطلاعات است که خود منجر به ایجاد حق دیگری به نام حق استفاده از امکانات و ابزارهای فناوری اطلاعاتی و ارتباطی است. به گونه‌ای که یک فرد قادر باشد آزادانه به کاوش اطلاعات بپردازد و نیازمندی‌های اطلاعاتی خود را برآورده سازد. پس از آن آزادی بیان، و مسأله امنیت حریم خصوصی افراد است. برخی از چالش‌های جدید در این راستا عبارت است از: اداره حقوق فردی در عصر الکترونیک، محافظت در برابر سوء استفاده‌های الکترونیکی و اطمینان از ایمنی تعاملات از طریق زیر ساختارهای اطلاعاتی مناسب.

در هر سه دسته موارد مطروحه، عامل اخلاقی و ملاحظات اخلاقی شرط اصلی و ضامن بقای سالم در این عصر می باشد. هر شهروند در ازای خدمات و حقوقی که از جامعه دریافت می دارد موظف به رعایت برخی موارد می باشد. زندگی در چنین جامعه‌ای نیازمند کسب یک سری یادگیری‌ها و رعایت آداب‌(رفتارهایی) است که انتظار می رود هر عضو در جامعه روی خطی<sup>۲۹</sup> بدان پایبند باشد.

جهانی شدن همه چیز را تحت الشعاع قرار می دهد و ساختار و ماهیت نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را متحول می سازد. از طرفی جهانی شدن دو نسبت عمده با فرهنگ ملت‌ها برقرار می کند. نخست با تشدید کثرت‌گرایی درونی، فرهنگ را در آستانه تجزیه شدن قرار می دهد و سپس جهانی شدن با آغاز جهش بسوی حاکمیت جهان شمول راه را برای ادغام فرهنگ‌های ملی، تحت فرهنگی جهان شمول هموار می کند [۶].

### ۷. نتیجه

امروزه ورود به دنیای مجازی و یا به عبارت بهتر زندگی در محیط‌های مجازی امری بدیهی به شمار می رود. لازمه تعامل در این محیط‌ها برخورداری از یکسری مهارت‌های فنی و رفتاری (به تعبیری اخلاق اینترنتی) است. از مهمترین ویژگی‌های اینترنت ایجاد پیوندهای مناسب بین افراد در اقصی نقاط دنیا می باشد. فضایی که در آن امکان ایجاد روابط انسانی و نیز اخلاقی میسر است و می تواند کانونی برای ایجاد اخلاق سازنده انسانی نیز باشد. در نهایت با نزدیک کردن ملت‌ها به همراه تقویت تعامل و روابط انسانی صحیح میان آنها، آرزوی دیرین بشر برای ایجاد آرمان شهر جهانی<sup>۳۰</sup> یا به عبارت دیگر جهانی شدن میسر خواهد شد.

<sup>29</sup> Online

<sup>30</sup> Utopia

منابع:

1. Coleman Kari Gwen 2001, "Android Arete: Toward a Virtue Ethic for Computational Agents", *Ethics and Information Technology* 3.4, 247-265.
2. Eisenstadt M. and Vincent T. (eds.) 2000, *The Knowledge Web: Learning and Collaborating on the Net*, paperback edition with new introduction (London: Kogan Page).
3. Floridi L. 2002, "What is the philosophy of information?", *Metaphilosophy*, 33.1/2, 123-145, preprint available at: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/>
4. Floridi L. 2003b, "Information Ethics: An Environmental Approach to the Digital Divide", *Philosophy in the Contemporary World*, 2002 (9.1), 39-45, preprint available at: <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/>
5. Floridi L. and Sanders J.W. 2002, "Computer Ethics: Mapping the Foundationalist Debate", *Ethics and Information Technology* 4.1, 1-9; preprint available at <http://www.wolfson.ox.ac.uk/~floridi/>
- ۶- دیلمقانی، میترا و رضا ثانی ۱۳۸۲. شهروند الکترونی در عصر اطلاعات. فصلنامه رسانه. سال ۱۴، شماره ۳ پاییز ۱۳۸۲. ص ۶۱-۶۶









(مجموعه مقالات)

اولین همایش  
اخلاق  
و  
فناوری اطلاعات